

نماز

پاسخ بہ سنوالات

سید حسن ابیطحی

پاسخ بہ سوالات

نماز

نوشتہ:

سید حسن ابٹھی

ابطحی، سید حسن، ۱۳۱۴
 پاسخ به سؤالات نماز / نوشته سید حسن ابطحی.
 تهران: سیمای دوست، ۱۳۹۴.
 ۲۷۲ ص. ۱۵۰۰۰۰ ریال - شابک ۶-۷۱-۶۳۳۱-۹۶۴-۹۷۸
 نماز -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها.
 ۱۳۹۲ پ ۲ ۱۳۷ الف / BP۱۸۶
 ۲۹۷ / ۳۵۳
 ۳۳۸۱۹۲۹

شناسنامه کتاب

نام کتاب: پاسخ به سؤالات نماز
 از سخنان: سید حسن ابطحی
 ناشر: سیمای دوست
 تعداد صفحات: ۲۷۲
 نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۹۴
 چاپخانه: انصار المهدی علیه السلام
 شمارگان ۳۰۰۰
 قطع وزیری

شابک ۶-۷۱-۶۳۳۱-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۱۹۰۹۱۵



قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله العليم

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سَيِّدِ الْأُمَمِ الْمُبِينِ الْحَسَنِ الْمُبَارَكِ الْمُنْتَظَرِ الْمُهَذَّبِ

پیشگفتار

حمد خدایی را که ما را موفق به گفتن مطالبی برای عموم مردم در تمام موضوعات مذهبی، اعتقادی، فلسفی، اخلاقی و سایر معارف اسلامی فرمود، و تشکر از دوستانی که این مطالب را از نواریها پیاده کرده و به صورت کتاب درآورده‌اند و سپاس از دوستانی که لطفی به من داشته و خدمات خدمتگزارشان را ارج نهاده و آنچه مربوط به نماز و این کتاب و این موضوع بوده را جدا کرده و آن‌ها را در فصول منظم نوشته و در اختیار ما گذاشته‌اند، من هم مختصر تنقیح و تصحیحی آن‌ها را نموده‌ام تا برای همه مفید باشد.

امید است خدای تعالی همه ما را زیر سایه امام زمان (ارواح‌ناده) محفوظ نگه دارد.

سید حسن ابطی



سؤال اول:

خدای تعالی در سوره مبارکه بقره فرموده: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^(۱) در حالی که در سوره مبارکه حمد می‌فرماید: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^(۲)، همین طور در روایات و آیات دیگری در قرآن هست که می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^(۳) «اعانت کنید یکدیگر را در نیکی و تقوی» یا «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^(۴) به یکدیگر در گناه و دشمنی کمک نکنید، جمع بین این‌ها چه می‌شود؟

پاسخ ما:

اگر کمک‌ها از هر ناحیه‌ای که باشد در راه خدا باشد، برای خدا باشد، به خاطر خدا باشد، همان کمک پروردگار است. عده‌ای از وهابی‌ها می‌گویند انسان نباید از غیر خدا کمک بخواهد در حالی که خودشان از همه چیز کمک می‌خواهند مثلاً از کارخانه برای تهیه پارچه، از نانوا برای تهیه نان، خلاصه اگر انسان بخواهد راحت زندگی کند باید از صدها نفر کمک بخواهد و این‌ها منافاتی با توحید و استعانت از خدای تعالی ندارد.

۱ - سوره بقره آیه ۴۵.

۲ - سوره حمد آیه ۴.

۳ - سوره مائده آیه ۲.

۴ - سوره مائده آیه ۲.

سؤال دوم:

نماز برای خاشعین چگونه است؟

پاسخ ما:

کسانی هستند که خودشان را درست کرده‌اند، کاملاً حول و قوّه را به خدا مربوط دانسته‌اند. همه حول و قوّه مال خداست، این خود خشوع است، خدای تعالی می‌فرماید: نماز خیلی بزرگ و سنگین است مگر برای خاشعین.^(۱)

اینها افرادی هستند که خضوع و خشوع عادتشان شده و فهمیده‌اند خدایی هست که از رگ گردنشان او را نزدیک‌تر می‌بینند.^(۲) و بر همه کارها ناظر است و هیچ چیز را نمی‌بینند مگر این که خدا را قبل و بعد و با او می‌بینند و بلکه مشاهده می‌کنند و لذا ما می‌گوئیم: «اشهد ان لا اله الا الله» وقتی که وحدانیت خدا را انسان ببیند، طبعاً خود خدا را انسان بیشتر احساس می‌کند، می‌بیند و بهتر مشاهده می‌کند، ما در اذان و اقامه می‌گوئیم «اشهد ان لا اله الا الله» در تشهد می‌گوئیم «اشهد ان لا اله الا الله» و اگر این معنا در وجود و روح مان خوب جا بیافتد و این شهادت را به پروردگار، واقعی عرض کنیم طبعاً خدا را در هر حال می‌بینیم در حالی که خاضع و خاشع هم هستیم.

۱ - «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» سوره بقره آیه ۴۵.

۲ - «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» سوره ق آیه ۱۶.

سؤال سوم:

لطفاً بفرمائید بهترین نوع دعا کردن در نماز و غیر نماز چگونه

است؟

پاسخ ما:

بهترین دعاها در هر موردی در نماز و غیر نماز آن دعایی است که خدای تعالی به ما تلقین کرده، او فرموده بگوئید: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»^(۱) یا مثلاً «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»^(۲) چون دعائی است که خود خدا به ما گفته این طوری بگو و اگر گفتیم دیگر حرفی در آن نیست که این دعا، دعای خوبی است یا امر کرده باشد که دعا کنید مثل «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۳) این صلوا علیه یعنی در دعا بگوئید «اللهم صل علی محمد و آل محمد» حالا عجل فرجه‌م را هم ضمیمه‌اش کردید چه بهتر. یا «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»^(۴) رحمان

۱ - سوره آل عمران آیه ۲۶.

۲ - سوره بقره آیه ۲۰۱.

۳ - سوره احزاب آیه ۵۶.

۴ - سوره اسراء آیه ۱۱۰.

والله را خدا خودش گفته که با این اسم او را بخوانید. (رحمان از اسم‌هایی است که مهربانی خدای تعالی شامل همه مردم می‌شود حتی شامل بدترین خلق خدا در زمانی که در دنیا زنده بوده، مثلاً خدا به او روزی می‌دهد، نفس می‌دهد، جان می‌دهد، حیات می‌بخشد، همین الان هم همه مخلوقات مشمول رحمانیت خداوند هستند).

در قنوت نماز خوب است به دستور خدای تعالی که در نماز به ما گفته عمل کنیم یعنی بعد از این که گفتیم «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^(۱) در اینجا چه چیز ایجاب می‌کند؟ این که بگوئیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» یعنی خدا را شکر، تمام سپاس‌ها مال خداست که خدا به ما این اجازه را داده که این طوری دعا کنیم. مثلاً من به شما راهنمایی می‌کنم که فلان چیز را از فلان کس بخواه از من تشکر می‌کنید که راهنمائی کردم یا از خدا بخواهید خود خدا می‌گوید: این طوری از من حاجت بخواهید که: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» و بهترین دعاها همین دعاهاست که خدای تعالی و اهلبیت (علیهم‌السلام) به ما آموخته‌اند و ما هم خوب است در قنوت همین‌هایی را بخواهیم که خدای تعالی خودش به ما یاد داده است.



سؤال چهارم:

چرا در قنوت نماز و بعد از آن دعای «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» دارای اهمیت است؟

پاسخ ما:

خدای تعالی در قرآن آن هم در فاتحه الكتاب سبع المثانی، سورۀ حمد را قرار داده است. بلا تشبیه مثل این روزنامه‌ها که خلاصۀ همه مطالب روزنامه را در اول روزنامه درشت می‌نویسند، تمام قرآن هم در سورۀ حمد است. یعنی اگر همه قرآن را خلاصه کنیم از وصف الهی و حمد الهی، از اظهار عبودیت و کمک گرفتن از پروردگار در تمام کارها خارج نیست، بالاتر از همه شامل اعتقادات انسان می‌شود، شامل اعمال انسان می‌شود، شامل حتی افکار انسان می‌شود، شامل همه چیز انسان می‌شود، که همین صراط مستقیم است. انسان اگر فکرش در صراط مستقیم باشد مؤدب به آداب اسلام است، اگر اعتقاداتش در صراط مستقیم باشد این شخص انحرافی در عقاید ندارد و معارف حقۀ نصیصش شده، اگر اعمالش در صراط مستقیم باشد گناه نمی‌کند، انحرافات و افراط و تفریطی ندارد، نه وسواس دارد و نه بی‌بند و باری دارد. صراط مستقیم آن حد وسط و صحیح است و اگر زندگیش در صراط مستقیم باشد خودش، اهلش و اهل بیتش همه اینها کنترل شده‌اند.

صراط مستقیم یعنی کنترل شده، حالا صراط مستقیم گاهی به انحاء مختلف تفسیر می‌شود، کسی که به جهنم می‌رود مستقیم به جهنم می‌رود، این ممکن است صراط مستقیم باشد و کسی بگوید این صراط مستقیم است، این مثل کسی است که ببیند جاده‌ایی را مستقیم کشیده‌اند ولی آخرش یک پرتگاهی است خوب ببینید این هم صراط مستقیم است، اما نه، ذات مقدس پروردگار به این اکتفا نکرده و توضیحی داده که حواس ما جمع شود، «صِرَاطُ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» راه کسانی که به آنها نعمت دادی هر صراط مستقیمی را ما نمی‌خواهیم الان شاید گروه‌های زیادی از دانشمندان باشند که در معارف بگویند صراط مستقیم مثلاً تصوف و فلسفه است. خیلی از دانشمندان این حرف را می‌گویند. حالا اگر صراط مستقیم تصوف و فلسفه و احکام بشری است طبعاً ائمه اطهار علیهم‌السلام باید تابع افکار بشر باشند و این غلط است، لذا قرآن می‌فرماید: «صراط کسانی که به آنها نعمت دادی» و این مشخص کردن صراط مستقیم است.



سؤال پنجم:

در آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و آیه: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» چه کسانی صاحب نعمت اند؟

پاسخ ما:

در آیات قرآن نعمت را می شود پیدا کرد، در روایات هم خیلی واضح است و خیلی توضیح داده اند که نعمت چیست. خدای تعالی در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»^(۱) آنهايي که اطاعت می کنند خدا و رسول را با کسانی هستند که خدا به آنها نعمت داده، توضیح می دهد نعمت داده شده ها چه اسمی دارند، انبیاء نعمت داده شده هستند، ما از مجموع می توانیم به دست بیاوریم که نعمت چیست. به انبیاء چه نعمتی داده شده؟ نعمت نبوت و ارتباط با خدا، به شهداء چه نعمتی داده شده؟ آیا پول زیادی به شهداء داده اند؟ مال زیادی به شهداء داده اند؟ نه، شهداء را یک دفعه پاکشان کردند، یعنی کسی که شهید شده و جانش را در راه خدا داد، در هر وضعی که باشد چون هر چه داشته در

راه خدا داده، خدای تعالی تزکیه‌اش می‌کند. اصلاً ارزش شهید همین است که در همان لحظه خدای تعالی او را تزکیه‌اش می‌کند. «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ» خدای تعالی به شهید نعمت تزکیه نفس را داده یعنی هر کسی که کشته شد شهید نیست، ما از باب حمل بر صحت شهید می‌دانیم هر کسی که جان‌ش را کف دست گرفته و رفته باشد در جبهه‌ای که به امر امام علیه السلام یا نایب امام علیه السلام که جبهه را تشکیل داده باشد کشته شود این، شهید است. شهید وقتی که در راه خدا کشته می‌شود قدر مسلمش این شخص یک دفعه تزکیه نفس می‌شود.

حربن یزید ریاحی حب جاه داشت به جهت این که تا روز قبل از عاشورا فرمانده هزار نفر از لشکر بود، فرماندهی این لشکرها یک حب جاهی می‌خواهد، خیلی هم برای خدا نبوده به خاطر این که خیلی از امراض روحی را داشت، اما وقتی که به حضرت سید الشهداء علیه السلام وصل و کشته شد، تا کشته شد حضرت سید الشهداء علیه السلام سرش را روی دامن گرفتند و فرمودند: «انت الحرکما سَمْتِک اُمک حرا»^(۱) آزاد شد، پاک شد، از هواهای نفسانی از صفات رذیله پاک شد. اینجا خدا حر را از کسانی می‌داند که به آنها نعمت داده است. «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ» می‌بینیم شهادت و نبوت دو نعمت از نعمت‌های الهی است که فرموده‌اند، نعمت دیگر نعمت ولایت است که خدا در قرآن کریم می‌فرماید «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^(۲) این‌ها نعمت است.

۱ - اللهوف علی قتلی الطفوف. صفحه ۱۰۲.

۲ - سوره مائده آیه ۳.



سؤال ششم:

به چه کسانی خداوند نعمت سلامت روح را عطا فرموده

است؟

پاسخ ما:

خداوند خودش در قرآن روشن فرموده، اول انبیاء، ما آن ارتباط را نمی توانیم داشته باشیم. پیغمبری با ظهور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خاتم الانبیاء هستند تمام شد. دوم: شهداء در این مورد هم تا یار که را خواهد و میلش به که باشد. نمی شود انسان یک شمشیر بردارد و به گردن خودش بزند و شهید بشود شهید شدن خیلی شرایط دارد ولی صدیقین و صالحین در اختیار ماست گاهی شهداء هم در اختیار انسان است ولی نبیین در اختیار انسان نیست.

پس اگر بخواهیم در آن صراطی باشیم که «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصُّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ»^(۱) خدای تعالی در نماز به ما می گوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» اگر می خواهیم این دعای مان مستجاب شود

۱ - سوره نساء آیه ۶۹.

باید بعد از نماز بگوئیم که طبق دستور پروردگار دعای صحیحی کرده باشیم.

همه ما باید در مرحله اول جزو صدیقین باشیم. لازمه صدیق بودن عمل صالح کردن است. خدای تعالی در قرآن می فرماید آمَنُوا، آمَنُوا همان معنای صدیقین و سلامت روح است چون وقتی انسان مریض بود بالاخره ناله می کند، وقتی که صفات رذیله داشت بالاخره گناه می کند. اگر جزو صدیقین شدیم جزو صالحین هم خواهیم نخواهی هستیم. هر یک از ما می توانیم جزو صدیقین و صالحین باشیم. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» منظور همان هایی هستند که «فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ» اگر در روایت می بینید که فرموده اند منظور ائمه اطهارند علیهم السلام، ^(۱) آنها نمونه و اعلایش هستند و الا می بینید که خدای تعالی به نبیین و صدیقین و شهداء هم نعمت داده که نعمت سلامت روح از همه مهمتر است. انبیاء سلامت روح داشتند که توانستند با خدا ارتباط برقرار کنند. شهداء هم به سلامت روح می رسند. صدیقین هم سلامت روح داشتند. صالحین هم تا سلامت روح نداشته باشند نمی توانند جزو صالحین باشند. پس سلامت روح مطرح است. ^(۲)

کسی نمی تواند بگوید من نمی توانم جزو صدیقین و صالحین بشوم، اگر چه ائمه اطهار علیهم السلام نور کاملند ولی انسان می تواند یک قطره از دریا باشد.

اگر از شما پرسند آب چه شکلی است و شما هم دریا را نشان دادید معنایش این

۱ - در کتاب بحار الانوار جلد ۲۳ باب ۲۰ روایات زیادی در این موضوع وارد شده است.

۲ - قال الامام علیه السلام: صراط الذين انعمت عليهم ای قولوا اهدنا صراط الذين انعمت عليهم بالتوفيق لدینک و طاعتک و هم الذين قال الله تعالی «و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذين انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و حسن اولئک رفیقاً» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام صفحه ۴۷ و اعظم الطاعات حدیث ۲۲).



نیست که یک قطره آب، آب نیست بلکه همه آنها آب هستند، دریا را بین آب را می‌بینی، یک قطره آب هم آب است، شما می‌توانید یک قطره از آب دریا بشوید یعنی همان صفات و خصوصیات که ائمه اطهار علیهم‌السلام دارند شما هم می‌توانید برخوردار باشید منتهی شما یک قطره‌اید، کوچکید، آنها بی‌نهایت قطره یعنی اقیانوس بی‌نهایتی هستند.

سؤال هفتم:

منظور از غضب در آیه شریفه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» چیست؟

پاسخ ما:

در اینجا منظور از غضب فقط غضب الهی نیست، اگر چه غضب الهی هست ولی بعضی مردم هستند که بین همان مردم هم مغضوبند، کارهایی می‌کنند، اظهاراتی می‌کنند که اصلاً انسان از آنها بدش می‌آید. در روایات هم هست که مغضوب یعنی یهود.^(۱) یهودیها در کتابهایشان نوشته‌اند باید راحتی ما مطرح باشد! همه مردم بمیرند به خاطر ما که راحت باشیم، اشکالی ندارد حتی می‌گویند بقیه بشر را خدای تعالی برای سرگرمی ما خلق کرده! ما بخواهیم آنها را می‌کشیم و یا اذیت می‌کنیم.

یک چنین افراد خودخواهی حالا اگر اسمش شیعه هم باشد و یک چنین صفت رذیله‌ای در او باشد خودخواهی که همه فدای سر من، همه برای یکی، اصلاً انسان

۱ - عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام في حديث: غير المغضوب عليهم اليهود. (تفسير عياشي جلد ۱ صفحه ۲۲).

بدش می‌آید به او غضب می‌کند، هر کسی به او غضب می‌کند. اینجا آیه قرآن می‌فرماید: «مغضوب» یعنی غضب شده حالا خدا غضب می‌کند، شما غضب می‌کنی. کسی از کوچه و بازار اوقاتش تلخ است می‌آید سرزن و بچه غضب می‌کند این را نمی‌گویند. اما مغضوب کسی است که یک صفات رذیله‌ای دارد که اگر جلو بیاید انسان بدش می‌آید مورد غضب انسان قرار می‌گیرد. نشسته و دائم غیبت مردم را می‌کند. پاپوش برای مردم درست می‌کند، فراوان هم هستند اینها اصلاً محبوب مردم واقع نمی‌شوند. خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»^(۱) کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح کنند، در اینجا عمل صالح هم می‌آید، خدا محبت او را در دل‌ها می‌اندازد، هیچ کس به او غضب نمی‌کند اگر هم بکند غضب بی‌جایی کرده که خودش مغضوب واقع می‌شود.

به حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام خوارج غضب کردند، معاویه به ایشان غضب کرد ولی یک نفر عاقل که کنار می‌ایستد حالات حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام و حالات معاویه را هم می‌بیند ناخود آگاه غضبش به طرف معاویه می‌رود. نگوئید ما شیعه هستیم تعصب داریم، نه اصلاً دنیا این جور است.

من سوریه رفته بودم، راننده‌ای گذاشته بودند که ما را این طرف و آن طرف ببرد او سنی بود، من در راه با خود گفتم کمی با او صحبت کنم شاید وظیفه‌ای باشد. پرسیدم تو از شیعه چه چیزی شنیده‌ای؟ کار شیعه چه اشکالی دارد؟ من می‌خواهم از زبان تو بشنوم، ظاهراً سبّ ابابکر و عمر را شنیده بود والا احتیاط می‌کرد به ما بگوید ولی گفت من هر چه شنیده‌ام این است که شیعیان می‌گویند حضرت علی بن

ابی طالب و ائمه علیهم السلام بالاتر از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. گفتم نه دروغ است. تو مرا قبول داری که راست می گویم؟ چون چند روزی با هم بودیم خیلی به من محبت پیدا کرده و اعتماد داشت. گفت هر چه شما می گوئید راست است. گفتم نه ما حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بالاتر از ائمه اطهار علیهم السلام می دانیم. گفتم حالا تو بگو. گفت شما فکر می کنید ما معاویه را دوست داریم؟ گفتم مگر شما معاویه را دوست ندارید؟ گفت نه، شروع کرد به بدگویی به معاویه، گفت قبرش را شما بروید در همین شام که مرکز ماست ببینید، قبر حضرت رقیه علیها السلام را هم ببینید، ما برای معاویه اصلاً ارزش قائل نیستیم. ببینید این سنی است، مثل این که مقداری هم اموی بود. من حتی از او پرسیدم در ایام سال چه روزهایی روزه اش را مستحب می دانید؟ گفت روز عاشورا را مستحب می دانیم. می خواهم بگویم این شخص اموی است ولی در عین حال معاویه را بد می دانست. از این جهت خیلی هم ناراحت بود که چرا شیعه می گوید معاویه را سنی ها خوب می دانند. اینها مغضوبند. حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام با این که آن همه غضب شده بود و تبلیغات باید اثر کند. اما الان در دنیا شاید یک نفر را پیدا نکنید که حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام را مورد بغض خودش قرار دهد و اگر هم این کار را بکند از نظر عقل بیجاست، چون نمی شود یک نفر معصوم و عالمی را انسان غضب کند، مگر دیوانه است به چنین فردی که معصوم است و حتی به عادلانی که عالم باشد غضب کند؟ به تو چه کرده که به او غضب می کنی؟ معاویه و امثال او مغضوبند عقل می گوید که باید به آنها غضب کرد و راهشان را نمی خواهیم.

ضالین یعنی گمراهان، کلمه گمراهان معلوم است کسی که راهش را گم کرده ما دنبال او برویم. خدا ما را عقب سر او بفرستد؟ خدا نکند که ما دنباله رو او باشیم.

مثلاً پشت سر کسی برویم که می گوید خدا سه تاست، خدا بچه دارد، خدا زن دارد، خدا را آن قدر کوچک و کوچک کرده آورده در حد یک بشر معمولی که زن داشته باشد، بچه داشته باشد، دختر انتخاب کند آن هم یکی لابد آن خدای دیگر به حضرت خدا دختر داده، حُب این حرفها معلوم است که باطل است، مسیحیت قائل به تثلیث اند، «ثالث ثلاثه»، اب و ابن و روح القدس.

از این جهت روایت دارد که منظور نصاری هستند.^(۱) نصاری که می گویند هر گناهی می خواهی بکنی بکن، حضرت عیسی علیه السلام به دار آویخته شد که گناهانت بخشیده شود. پس این دین به چه درد می خورد؟ این گمراهی است. همه آنها این حرف را می گویند.

حالا یک مقداری گناهت بزرگ بود خوب برو اعتراف کن، یک پولی هم به کشیش بده خوب او یک کاری می کند و می بخشد، اینها گمراهی است، گمراهی ای که همه نوع شهوت رانی، بی بند و باری، همه جور بی حجابی در میان زنها و همه جور مشروب خواری، همه جور گوشت خوک خوری، همه کارها را بکن و در عین حال دین داشته باش اینها گمراهی است. «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» خیلی مسئله را روشن کرده همه دین همین دو سه جمله است.

۱ - عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام: غير المغضوب عليهم اليهود والضالين النصاري. (تفسير عیاشی جلد ۱ صفحه ۲۲ حدیث ۱۷).

سؤال هشتم:

آیا سوره مبارکه حمد و توحید را در نماز می شود به قصد دعا

خواند؟

پاسخ ما:

سوره حمد و توحید را به نظر اکثر علماء که مورد تأیید خود من هم هست باید به نیت قرآنی خواند. یعنی باید مثل نامه ای که از طرف دوست انسان به او می رسد در آن نامه مثلاً نوشته قربانت گردم، این در واقع قربان خواننده نامه می شود نه کسی که الان نامه را می خواند قربان او بشود، یعنی هر چه در این نامه نوشته خطاب به این شخص خواننده است ولو این که خواننده آن چه را که او نوشته می خواند، در قرآن هم هر وقت شما آن را قرائت می کنید در واقع خدا دارد با شما حرف می زند، درست است که شما می خوانید یا درست است که فلان قاری می خواند اما در حقیقت کلام خداست، شما نامه الهی را قرائت می کنید یعنی الان در همین لحظه خدا با شما صحبت می کند منتهی در خصوص قرآن مثل نامه هم نیست بلکه از این هم مقداری عمیق تر، هر لحظه که شما قرآن را می خوانید همان موقع در حقیقت خدا با شما صحبت می کند.

سوره حمد و قل هو الله و یا سوره های دیگر را همین طوری باید بخوانید یعنی با



توجه به این که خدا با شما صحبت می‌کند. اگر خودتان به نسبت این که دارید دعا می‌کنید، گفتید «اهدنا الصراط المستقیم» از نظر این عده‌ای که می‌گویند، سوره حمد و قل هو الله را باید به نیت قرآنی خواند اگر به نیت خودتان، انشاء خودتان بخوانید، نمازتان باطل است به جهت این که «لا صلوة الا بفاتحة الكتاب»^(۱) نماز باید با فاتحه الكتاب باشد و شما در حقیقت فاتحه الكتاب نخوانده‌اید یک دعایی، چیزی از طرف خودتان خوانده‌اید. از همین جاست که یک اشتباهی سنی‌ها دارند که وقتی می‌گویند «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» آنها می‌گویند آمین، گفتن آمین وقتی صحیح است که کسی دعا کرده باشد یعنی مثلاً امام جماعت دعا می‌کند از زبان خودش این شخص هم آمین می‌گوید، لذا در روایات هست کسی که در نمازش آمین بگوید آن نماز باطل است. چرا به جهت این که کسی دعا نکرده خدا دستور می‌دهد شما این طور بگویید.^(۲)

وقتی شما «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» می‌گوئید در حقیقت اینجا این کلمه را شما نمی‌گوئید، در نماز خدا به شما می‌گوید، خوب اگر بخواهید معنایش کنید درست نمی‌شود. یعنی خدا از ما تقاضا می‌کند که ما خدا را به راه راست هدایت کنیم. به ما تعلیم می‌دهد که این طور دعا کنید مثل همان «قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ» بگویید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» خدایا ما را به راه راست هدایت کن نه این که در موقع خواندن سوره حمد در نماز این طور بگوئید بعد از نماز یا در قنوت نمازتان بگوئید. یکی از اولیاء خدا می‌گفت بهترین دعا در قنوت نماز خواندن آیات شریفه سوره

۱ - عوالی اللئالی جلد ۳ صفحه ۸۲.

۲ - عن جمیل عن ابی عبد الله علیه السلام قال اذا كنت خلف امام فقرأ الحمد و فرغ من قرائتها فقل انت الحمد لله رب العالمین ولا تقل آمین. (کافی جلد ۳ صفحه ۳۱۳).

حمد است.

البته بعضی از علماء که می‌گویند حمد و سوره را باید به قصد قرآنی نخواند و به قصد انشایی باید خواند، بسیار اشتباه می‌کنند معنا ندارد انسان نامه کسی را به قصد خودش بخواند، اگر ما به عنوان قرآن خواندیم خدای تعالی به ما یاد می‌دهد که بگویید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» اینجا ایجاب می‌کند که بعد از حمد انسان بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْغَالَمِينَ» ولو آهسته البته آهسته‌اش مطلوب است. بعد از پایان قرائت حمد مخصوصا مأمومین در نماز جماعت بگویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْغَالَمِينَ» ساکت نباشند.



سؤال نهم:

در پایان سوره مبارکه حمد بهتر است چه کلمه‌ای را بگوئیم؟

پاسخ ما:

باید بگوییم «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». بزرگترین خوشحالی به انسان می‌رسد که خداوند چه نیکو ما را راهنمایی کرده، به ما گفته در صراط مستقیم باش! صراط ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، صراط صالحین و صدیقین و بعد هم گفته در صراط کسانی که به اینها خدای تعالی غضب کرده و گمراهند خود را قرار نده.

سؤال دهم:

اهل تسنن چه چیز را در اذان و اقامه نمی‌گویند؟

پاسخ ما:

خداوند توفیق را از سنی‌ها گرفته و در اذان و اقامه دو چیز را نمی‌گویند

۱ - شهادت به ولایت حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را، آنها حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام را خلیفه می‌دانند ما هم خلیفه می‌دانیم آنها حضرت علی علیه السلام را ولی خدا می‌دانند ما هم ولی خدا می‌دانیم. در این تردید نیست یعنی هیچ مسلمانی نیست که حضرت علی علیه السلام را ولی خدا نداند. اهل تسنن حضرت علی علیه السلام را خلیفه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هم می‌دانند منتهی آنها می‌گویند چهارمی است اما ما می‌گوئیم اولی است، مهم این است که به هر حال به عنوان خلیفه قبول دارند.

۲ - حی علی خیر العمل را هم نمی‌گویند چرا؟ این یک مسائل تاریخی دارد که می‌گویند عمر گفته خیر العمل جهاد است و نماز نیست.^(۱) ما هم اینجا حرفی

۱ - عن عكرمة قال قلت لابن عباس اخبرني لای شیء حذف من الاذان حی علی خیر العمل؟ قال أراد عمر بذلك الا يتكل الناس علی الناس علی الصلاة و يدعوا الجهاد فلذلك حذفها من الاذان. (علل الشرايع جلد ۲ صفحه ۳۶۷).

داریم، به حرف آنها کاری نداریم. جهاد در جای خودش محفوظ و اگر «ایاک نعبد و ایاک نستعین» نباشد جهاد واقع نمی‌شود، یعنی در نماز برای جهاد پایه ریزی می‌شود. اگر کسی بنده خدانباشد و از او یاری نجوید که جهاد نمی‌کند. در روایات دارد که خیر العمل، ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است شاید آنها هم متوجه شده‌اند که خیر العمل را حذف کرده‌اند.^(۱)

۱ - عن محمد بن ابی عمیر انه سال ابا الحسن علیه‌السلام عن حی علی خیر العمل لم ترک من الاذان؟ فقال تريد العلة الظاهرة او باطنة. قلت اريدهما جميعا. فقال اما العلة الظاهرة فلتلا يدع الناس الجهاد اتكالا على الصلاة و اما الباطنة فان خیر العمل الولاية فأراد من أمر بترك حی علی خیر العمل من الاذان أن لا يقع حثا عليها و دعا اليها (علل الشرايع جلد ۲ صفحه ۳۶۸).

سؤال یازدهم:

حیّعات در اذان و اقامه به چه معناست؟

پاسخ ما:

«حی علی الصلوة» که می‌گویند یعنی دیگر از لحاظ بدنی هیچ نگرانی نداشته باشید فقط به قلب‌تان وارد شود و به دل‌تان قرار گیرد.^(۱) «حی علی الفلاح» به فکر این که معنای فلاح چیست باشید که آیا «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»^(۲) با همین فلاح یکی است؟^(۳) «حی علی خیر العمل» بشتابید به سوی بهترین اعمال. روش انسان این است که وقتی همه کارهایش را کرده باشد فکر می‌کند که چطور این بهترین اعمال است که آن ولایت خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است.^(۴)

-
- ۱ - عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال اذا كنت في صلاتك فعليك بالخشوع والاقبال على صلاتك فان الله تعالى يقول الذين هم في صلاتهم خاشعون (وسائل الشيعة جلد ۵ صفحه ۴۷۳).
 - ۲ - سوره مبارکه مؤمنون آیه ۱.
 - ۳ - سوره مؤمنون آیه ۱.
 - ۴ - وقد روى في خبر آخر ان الصادق عليه السلام سئل عن معنى حي على خیر العمل فقال خیر العمل الولاية و في خبر آخر خیر العمل برّ فاطمة و ولدها (توحيد صدوق صفحه ۲۴۱).



سؤال دوازدهم:

در چه صورت روح انسان کاملاً برای نماز آمادگی پیدا می‌کند؟

پاسخ ما:

وقتی اقامه گفته می‌شود اگر همه اول اقامه بایستند و تهیاً برای نماز داشته باشند این کلمه‌های حی، فقط منتقل به روح انسان می‌شود که کاملاً برای نماز آماده شود. اما اگر تأخیر انداختید یکی مشغول وضو و دیگری مشغول حرف زدن بود این حی‌هایی که شش مرتبه در اقامه گفته می‌شود بیجا واقع می‌شود. حی‌هایی که در اذان اعلانی گفته می‌شود «حی علی الصلوة، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل» برای تهیاً بدنی است، حرکت به سوی محل نماز است.

اما حی‌هایی که در اقامه گفته می‌شود باید فقط و فقط تهیاً روح برای نماز باشد. انسان وقتی برای نماز کاملاً آمادگی روحی پیدا می‌کند که از کارهای دیگر فارغ شده باشد و الا اگر مشغول کارهای دیگر باشد تهیاً برای اقامه نماز پیدا نمی‌کند.

اما وقتی که همه کارهای تان را کرده‌اید و سجده شکر تان را هم به جا آورده‌اید که خدایا تو، توفیق ملاقات مجدد خودت را به ما دادی و توفیق این که باز هم با تو روبرو شویم و باز هم با تو حرف بزیم را عنایت فرمودی، برای نماز آمادگی پیدا می‌کنید، لذا در اقامه یک مقدار هم مختصرش کرده‌اند تکبیرهای چهارگانه اول نماز را دو تا کرده‌اند تکبیر آخر را یکی کرده‌اند که دیگر آمادگی کامل پیدا کنید.

سؤال سیزدهم:

آیا در نماز دعای واجبی که به قصد دعا و انشایی انجام دهیم داریم؟

پاسخ ما:

در نماز دعای واجبی که به قصد دعاء و انشایی انجام بدهیم جز صلوات نداریم.^(۱) دعاهایی که در قنوت انجام می دهیم «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» این واجب نیست، حتی خود قنوت هم واجب نیست، شما می توانید نمازتان را بدون قنوت بخوانید، البته مستحب مؤکد است ولی واجب نیست. «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» هم دعاست ولی به قصد قرآنی باید بخوانیم دعای دیگر هم در نماز نداریم، یعنی از اول نماز تا آخر دعایی که واجب باشد جز صلوات نداریم که به قول شافعی: «من لم يصل عليكم فلا صلاة له»^(۲) ای اهل بیت پیغمبر ﷺ کسی که بر

۱ - عن زرارة عن ابي عبد الله عليه السلام في حديث: و من صلى و لم يصل على النبي ﷺ و ترك ذلك متعمدا فلا صلاة له ان الله تعالى بدأ بها قبل الصلاة فقال قد افلح من تركي و ذكر اسم ربه فصلى (تهذيب الاحكام جلد ۲ صفحه ۱۵۹).

۲ - مرحوم علامه امینی در کتاب الغدير جلد ۳ این عبارت را همراه با منابع آن از کتب اهل سنت آورده است.



شما صلوات نفرستد نماز ندارد، نمازش باطل است. اگر شما صلوات تشهد را نفرستید نمازتان باطل است. سنی‌ها هم همین را می‌گویند. سنی و شیعه این صلوات را در تشهد نماز دارند. آنها شاید کامل‌تر هم می‌گویند «اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید». این صلوات کامل است. ما صلوات خلاصه را می‌فرستیم همان طوری که به ما دستور داده‌اند، البته اشکالی ندارد انسان صلوات کامل را بگوید و بلکه از بعضی از روایات استفاده می‌شود که اگر صلوات کامل را بگوید مستحب است. لذا نماز عبادت و مغز نماز صلوات است.

ما در نماز سوره حمد و قل هو الله یا سوره‌های دیگر را می‌خوانیم، یا تقدیس و تسبیح خدا را غائبانه می‌کنیم چون وقتی می‌گوئیم «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له» خطاب به ذات مقدس پروردگار نیست، از اول نماز، الله اکبر، حمد و سوره به عنوان زبان خدا می‌خوانیم، بعد هم رکوع و سجود و تشهد و بعد هم تسبیحات اربعه، هیچ جا دعای واجب نداریم تا به صلوات می‌رسیم که تنها دعای واجب نماز است. معنای صلوات این است که این قدر انسان رشد کرده (یک نمونه‌ای از معراج کامل است) خوب دقت کنید، تا حالا اجازه نداشتید، تا حالا در نماز نبودید که به خدا خطاب کنید، اکنون این قدر بالا رفته‌اید و به آن چنان قریبی رسیده‌اید که از خدا چیزی بخواهید و تقاضایی داشته باشید.

نماز یک ماکت معراج است. از اول شروع می‌کنید خدا با شما حرف می‌زند ولی شما هنوز لیاقت این که با خدا حرف بزنید ندارید، رکوع می‌کنید، سجده می‌کنید، تشهد می‌خوانید، ولی هنوز اجازه این که با خدا حرف بزنید ندارید، وقتی شما اجازه سخن گفتن با خدا را پیدا می‌کنید که به مقام قرب برسید بلا تشبیه مثل

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان یک سیر زمینی داشتند «لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (۱)

شاید اذان و اقامه را بشود به این سیر زمینی تشبیه کرد. شما وقتی صدای اذان را می شنوید، می آیید و خودتان را به محل نماز و جای جماعت می رسانید، از آن جا شروع می کنید، خدا دعوت تان می کند، چون حمد و سوره دعوت خداست، خدا به انسان برنامه می دهد، با دعوت پروردگار حرکت می کنید، و بالا می روید رکوع می کنید، سجده می کنید، تعظیم می کنید، می رسید به جایی که حالا می خواهید شهادت بدهید، اشهد به معنای این است که می بینم، شهید به معنای شاهد و شاهد به معنای کسی است که دقیقاً مطلب را دیده است. چه کسی می تواند مثلاً برای ظالمی شهادت بدهد؟ برای عدلی شهادت بدهد، برای مسئله ای شهادت بدهد؟ کسی که کاملاً دیده، خیلی هم باید دقیق دیده باشد، باید احاطه داشته باشد.

شما می گوئید من شهود دارم، من شاهدم، من می بینم، دقیق هم می بینم که خدا یکی است و جز خدایی نیست. وحدانیت خدا را شهادت می دهید. در مرحله سوم رسالت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را شهادت می دهید. شما به اینجا رسیده اید یعنی از نظر عروج و رشد روحی و رفتن به سوی خدا و تقرب به جایی می رسید که شاهد مسئله هستید، شهادت می دهید، «اشهد ان لا اله الا الله» می گوئید، شهادت به رسالت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می دهید، اینجا جایی است بعد از این که خدا را دیدید، از دیدن ظاهری هم بالاتر، به حقیقت تمام صفات فعل خدا رسیدید و او را مشاهده کردید، اجازه دارید با خدا حرف بزنید و از او چیزی بخواهید.

چیزی که اینجا از خدا می خواهید خیلی مهم است. خدا فرمود این دعا را بکنید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۱) این را خدا دستور داده، یعنی اگر اجازه نمی داد ما اینجا نمی توانستیم این درخواست را از خدا بکنیم. دوم این که ما در مقامی قرار گرفته ایم، آن چنان صلوات مقام قرب عظیمی است که برای محبوب ترین، با عظمت ترین خلق خدا که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد ما از خدا طلب رحمت می کنیم. خوب روی این مسئله توجه کنید، طلب رحمت! شما با این ضعف تان با این کوچکی تان، با این که یا خدا شما را دوست دارد یا از شما راضی نیست، آن چنان عظمت پیدا می کنید که با خواندن دو رکعت نماز برای محبوب ترین و با عظمت ترین مخلوقش طلب رحمت می کنید.

برای حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ذریه او طلب رحمت می کنید، می گوئید «اللهم صل علی محمد و آل محمد» خدایا رحمت را بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و اولاد او و اهل پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل بفرما.

انسان ذاتاً فکر می کند و می گوید من کجا هستم که بخواهم برای آنها طلب رحمت کنم، یعنی اگر خدای تعالی نفرموده بود و به تو که مؤمن و مسلمانی عظمت نداده و لیاقت این جهت را تثبیت نکرده بود، «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» نفرموده بود و به خودمان بودیم عظمت حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را نگاه کرده و حقارت خودمان را نگاه می کردیم، او یک پارچه پاکی ما یک پارچه معصیت، او یک پارچه اطاعت «عبده» ما یک پارچه تخلف، آن وقت بیائیم و برای او طلب رحمت کنیم؟ این خیلی بی حیایی می شد اگر از ناحیه خودمان بود تو که هستی که می خواهی برای حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

آل او طلب رحمت از خدا بکنی؟ مثل این که یک نفر فرزندی داشته باشد که خیلی هم دوستش دارد و ما دائم بیائیم و به او بگوئیم. ببخشید به ایشان محبت کنید، اصلاً این از نظر ظاهر بد است. یا باید این شخص این قدر بالا برود و پیش صاحب این فرزند محبوب شود که اگر چنین حرفی زد به عنوان اظهار محبت باشد والا از نظر ظاهر اگر ما بنشینیم فکر کنیم که آیا ما حق داریم، اگر خدا هیچ دستوری نفرموده و ائمه اطهار (علیهم السلام) درباره این موضوع هیچ سخنی نگفته بودند آیا ما به خودمان اجازه می‌دادیم صلوات بفرستیم؟ طبعاً نه. مثلاً یک نفری هست که شما خیلی دوستش دارید به او که می‌رسید محبت می‌کنید بعد یک نفر غریبه‌ای بیاید به شما بگوید به ایشان محبت کن! مناسب نیست.

صلوات دو مسئله دارد یکی این که خدا فرموده فقط تعبداً، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» دیگر این که اظهار محبت را می‌رساند. مثل این که همان شخص غریبه اگر بگوید به این بچه محبت کن، زیاد هم محبت کن همین معلوم است که او به این بچه محبت دارد. همین اندازه، اظهار محبت، هر دو هم اینجا مطلوب است. شما یک وقت نگوئید که من مقام آن قدر بالا رفته که وسیله شفاعت حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) شده‌ام چون این یک نحوه شفاعت است، اصلاً دعا به طور علنی یک نحوه شفاعت است. من دارم حضرت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را شفاعت می‌کنم. من حتی در یک سخنرانی دیدم منبری روی منبر همین را گفت! نه، این طور نیست، بلکه اظهار محبت است، یعنی ای خدا! همین طور که تو بر حضرت پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صلوات می‌فرستی و ملائکه صلوات می‌فرستند من هم هستم. باز به هر کسی اجازه نداده صلوات بفرستد. یعنی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» گفته «یا ایها الناس» نگفته آنهایی که ایمان دارند، آنها «صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» و چون



خدای تعالی دستور فرموده که این صلوات را بفرستی، از آن دعاهایی است که هر کس بفرستد مستجاب است. علتش هم همین است که خدای تعالی فرموده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ» ما داریم امر پروردگار را اطاعت می‌کنیم، دیگر معنا ندارد بگوئیم که خدا این دعا را مستجاب نکرده، هر کس بر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد دعایش مستجاب است یعنی خدا رحمتش را بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به خاطر این یک رحمت جدیدی نازل می‌کند، منظورم این بود که انسان به جایی می‌رسد که در یک چنین مقامی قرار می‌گیرد.

فرض کنید بلا تشبیه انسان بچه خودش را در بغلش گرفته و نوازش می‌کند، آن قدر نزدیک بشود به آن شخص که فرزندش را نوازش می‌کند به او بگوید من هم دوستش دارم، از طرف ما هم نوازشش کن. این قدر باید نزدیک بشود. نماز از همین جهت است که معراج مؤمن است.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی به معراج تشریف بردند، رسیدند به جایی که ملائکه حتی جبرئیل گفت که «لَوْ دَنَوْتَ أُنْمَلَةً لَأَحْتَرَقْتَ»^(۱) بیشتر از این نمی‌توانم نزدیک شوم، اگر یک قدم جلو بیایم می‌سوزم یعنی من استعداد آن حد از قرب را ندارم، آن حد از قرب همین رحمت خاصه است که در آن عالم در معراج خدای تعالی به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عنایت فرموده و لذا ملائکه در روایت دارد که واسطه ارسال رحمتند. آنها خودشان از کسانی که طلب رحمت بکنند نیستند، «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» در روایت دارد که خدا رحمتش را می‌فرستد، جبرئیل، ملائکه مقرب واسطه رحمت می‌شوند. رحمت را از خدا می‌گیرند و به حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولاد حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسانند، صلوات

مومنین تقاضای رحمت است، درخواست رحمت است، که اینجا مهم است. درخواست رحمت مهم است و انسان به اینجا می‌رسد نمازتان را این طوری بخوانید، اگر نمازتان را این طوری خواندید جزء همان‌هایی می‌شوید که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بر آنها صلوات می‌فرستد.

سؤال چهاردهم:

چرا نماز خیر العمل است و این قدر به آن اهمیت داده و آن را

ستون دین می‌دانیم؟

پاسخ ما:

«ان قبلت قبل ما سواها»^(۱) اگر نماز قبول شد بقیه عبادات، بقیه کارهای خیر هم قبول می‌شود و «ان ردّت ردّ ما سواها» اگر رد شد بقیه و ما سوا نماز هم هر چه عبادت باشد رد می‌شود. مثال: نماز به منزله برنامه‌ای است که خدا به دست انسان می‌دهد. به منزله یک برنامه است که می‌نویسند به دست کارمند می‌دهند که طبق این دستور عمل کن، اگر این شخص برنامه را پاره کرد و دور ریخت و یادآوری نکرد و فراموش هم کرد اینجا کم کم یادش می‌رود و همه کارهایش روی بی‌نظمی و بی‌معنا انجام می‌شود. اگر آن برنامه در دست‌تان بود آن اساسنامه در دست‌تان بود شما طبق آن هر روز پنج مرتبه به آن نگاه کرده و عمل می‌کردید، دیگر کارهای‌تان صحیح انجام می‌شود اما اگر این برنامه را پاره کردید و دور ریختید کارهای‌تان هم کم کم معلوم نیست و دستورات هم معلوم نیست که چه بشود و شما نمی‌توانید دستورات را صحیح انجام دهید.

سؤال پانزدهم:

حقیقت نماز چیست و نیز علت استحباب خواندن سوره قدر

در نماز و دلیل خواندن این سوره در شب قدر چیست؟

پاسخ ما:

نماز یک باطن و ملکوتی دارد که آن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تا آخر سوره حمد می باشد. خواندن سوره مبارکه قدر در رکعت اول یا دوم نماز مستحب است ^(۱) که اگر با توجه یک دفعه خوانده شود برای انسان خضوع و خشوع ایجاد می کند. خدایی که همه عوالم را خلق کرده و نظم داده و با احکامی که در قرآن نازل شده همه چیز را منظم کرده، تو در مقابل این خدا ایستاده ای و به او می گویی: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» تو داری با او حرف می زنی و صحبت می کنی. در شب ۲۳ ماه رمضان اگر کسی هزار مرتبه سوره قدر را بخواند یقین او کامل می شود، ^(۲) البته تنها خواندن سوره قدر نیست بلکه باید با توجه به حقیقت سوره قدر، انسان هزار مرتبه این سوره را بخواند. اگر شما چکشی برداشتید و میخی هم بود ولی این چکش را روی میخ نزدید، هزار تا چکش

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۲ صفحه ۱۸۲.

۲ - عن ابی یحیی الصنعانی عن ابی عبد الله علیه السلام انه قال لو قرأ رجل لیلة ثلاث و عشرين من شهر رمضان انزلناه فی لیلة القدر الف مرة لاصبح و هو شدید الیقین بالاعتراف بما یخص به فینا و ما ذاک الا لشیء عاینه فی نومه. (تهذیب الاحکام جلد ۳ صفحه ۱۰۰).

بغل میخ یا آن طرف میخ و یا کج بزنید آن میخ فرو نمی‌رود، باید متوجه سوره قدر بشوید. سوره قدر نزول قرآن در شب قدر چیزی است که تمام ما سوی الله را تحت نظم می‌آورد. در شب قدر قانون نامه‌ای است که قرآن نازل شده که همه موجودات از اتم و سلول گرفته تا کهکشانها و عوالم راتحت نظام می‌آورد. یعنی آن وقتی که خدا قرآن را در شب قدر نازل کرد که نزول دوم قرآن است، آسمان و زمین را «فی سته ایام» خلق کرد، بعد از خلق اینها باید نظامی داشته باشند قانون نامه‌ای داشته باشند، این قانون نامه را به دست یک مجری مقتدری مثل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام بدهند که اینها در کل عالم یا ما سوی الله اجرا کنند، از کار اتم یعنی گردش سریع الکترونها به دور هسته گرفته تا کهکشانها و ستاره‌های بی‌شمار، تمام اینها با قرآن تنظیم شده، با علم پروردگار، با معلومات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با مجری مثل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خدا قرآن را در اول خلقت بر روح مقدسش نازل کرده است. شما فکر نکنید آسمان و زمین همین طوری می‌چرخند نه، همه اینها به قدر است یعنی با یک حسابی است با یک قدری است که خدای تعالی در شب قدر در نزول دوم قرآن تعیین فرموده است. نزول اول قرآن بر قلب یا روح مقدس حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و نزول دوم آن بعد از خلقت ما سوی الله است حالا چرا ما باید در نمازمان سوره قدر را بخوانیم؟ برای این که متوجه این حقیقت بشوید که قرآن دارید که حاکم بر ما سوی الله است. نزول چهارم قرآن برای من و شماست که از آن استفاده کنیم چون کره زمین ما همه قد و قواره‌اش چقدر است و قد و قواره ما چقدر؟ باید قرآن خیلی پائین بیاید و تنزل کند ثانوبت به ما برسد یعنی آن وقتی که آسمانها و زمین را آفرید و قرآن را بر آنها نازل کرد قانون نامه همه‌شان قرآن است. یک چنین اعتقادی باید داشته باشیم.

سؤال شانزدهم:

لطفاً در مورد اهمیت خواندن سوره توحید در نماز توضیح
مختصری بفرمائید.

پاسخ ما:

نماز باید انسان را موحد کند و سوره توحید این معرفت را به انسان می‌دهد، سوره قل هو الله احد باید در اکثر نمازها خوانده شود.^(۱) نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دویست تا قل هو الله دارد که اگر کسی با توجه بخواند واقعا انسان را از این رو به آن رو می‌کند. نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خیلی عجیب است خدا رحمت کند مرحوم حاج ملا آقا جان می‌گفت من در صبح روز سیزده رجب نماز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را خواندم. در قنوت نماز ببینید انسان را این طور بالا می‌برد، یک دفعه، حالا خواب می‌دیده، بعید است که ایشان در قنوت نماز خوابش ببرد، مکاشفه می‌کرد، باز هم مثل خواب است، یا مثلاً واقعا مشاهده می‌کرده هر چیزی که هست، من این مطلب را در نوشته‌هایش دیدم حضرت علی بن

۱ - عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۲ صفحه ۱۸۲.



ابی طالب علیه السلام را در مقابل خودش می بیند، حضرت می فرمایند: دوازده عیدی به تو دادیم. معنایی از کلمه «علی» این است که اگر انسان علی بگوید، هم متوجه خداست، هم متوجه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام. مثلاً اگر من با شما حرف می زنم روح یا بدن شما مورد خطاب من است؟ می گوئید اصلاً ما با بدن بی روح حرف نمی زنیم، روح را هم که اصلاً نمی بینیم که با آن حرف بزنیم، یک چنین حالتی یا علی گفتن دارد، یعنی شما اگر با امیرالمؤمنین علیه السلام سخن بگویید چون حجت خدا و ولی او و واسطه اوست گویا با خدا سخن گفته اید و اگر با خدا هم سخن بگویید باز آینه تمام نمای صفات الهی وجود مبارک علی ابن ابیطالب علیه السلام است.

سؤال هفدهم:

آیا میزان خوبی و بدی انسان در نماز خواندن است؟

پاسخ ما:

میزان خوبی و بدی انسان تنها نماز خواندن نیست، خوارج بودند که در بیابانها رفته بودند و شب و روز نماز می خواندند و عبادت می کردند اما ولایت را قبول نکرده بودند.

ولایت یعنی چه؟ یعنی آن چه که مولی و فرمانده شان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می گویند آنها عمل کنند. این را قبول نکرده بودند، ولایت نداشتند، نماز می خواندند و رکوع و سجود می کردند، خودشان را مثل خاشعین قرار داده بودند، همه کار می کردند اما چون باطن شان را درست نکرده بودند با اندک چیزی به سوءظن هایی که شامل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هم می شد مبتلا شدند. به خاطر همین سوء ظنی که داشتند افراد زیادی را کشتند. اینها کسانی بودند که حی علی خیر العمل را درست نگفته بودند. و از صراط مستقیم خارج بودند. (۱)

۱ - و قد روی فی خبر آخر ان الصادق علیه السلام سئل عن معنی حی علی خیر العمل فقال خیر العمل الولاية. (توحید صدوق صفحه ۲۴۱).



سؤال هجدهم:

نماز گزار در نماز چند سیر انجام می دهد؟

پاسخ ما:

کسی که نماز می خواند و به معراج می رود قدم به قدم هم سیر ارضی و هم سیر صعودی می کند و بالا می رود تا جائی که از خدا تقاضا می کند، تقاضای صلوات و درود بر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می کند، می گوید خدا یا صلوات را بر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کن! مگر تو که هستی تقاضای رحمت برای حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن عظمت می کنی؟ من آن کسی هستم که خدا را تمجید کردم، خدا را حمد کردم، خودم را خالص کردم برای این که بنده خدا باشم، خودم را خالص کردم تا از هیچ کس مگر خدا کمک نگیرم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و در صراط مستقیم باشم و کوچکترین انحرافی نداشته باشم نه فکر انحراف داشته باشد نه عمل.

سؤال نوزدهم:

چه کنیم که در نماز حواسمان پرت نشود؟

پاسخ ما:

در مرحله اول باید به نکات و حقایقی که در کلمات نماز است توجه کرد، یعنی وقتی که تکبیرة الاحرام می گوئید همه چیز بر انسان حرام می شود جز نماز خواندن و توجه به خدا. دیگر نمی توانید حرف بزنید و رویتان را از قبله برگردانید نمی توانید غذا و آب بخورید، نمی توانید کارهایی که با نماز منافات دارد انجام دهید،^(۱) همه چیز را باید پشت سر گذاشت. حالا در ملک را خدای تعالی و ائمه اطهار علیهم السلام فرموده اند و مراجع تقلید حکم کرده اند که ظاهران را حفظ کنید، ایستاده و رو به قبله باشید. همین کارهایی که در اختیار شماست که اکثراً هم این کارها را نمی کنید و از آن طرف هم فرموده اند دل تان را حفظ کنید، این دیگر دست ما نیست. اما تا آنجا که می توانیم باید توجه خودمان را حفظ کنیم.

۱ - عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۷۰۶.



سؤال بیستم:

فواید فرستادن صلوات کدامند و در نماز به منزله چیست؟

پاسخ ما:

صلوات ذکر خدا و ارتباط با او و دعاست. اظهار محبت به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل اوست و ولایت است. انسان را به جایی می‌نشانند، در معراجی که می‌رود آن قدر پر قیمت و پر عظمت می‌شود که از خدا برای بهترین خلق خدا طلب رحمت خاص الخاص می‌کند. همه نماز پوست و مغز آن صلوات است.^(۱)

۱ - این تعبیر به این جهت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: الدعاء مخ العبادة. (بحار الانوار جلد ۹۰ صفحه ۳۰۰).

سؤال بیست و یکم:

نماز برای غیر خاشعین چگونه است؟

پاسخ ما:

نماز برای غیر خاشعین، بزرگ، مشکل و سنگین و سخت است.^(۱) ما زیاد دیده‌ایم که مردم روزه را بهتر مقیدند تا نماز. بعضی‌ها هستند که نماز را مشکل‌تر از روزه انجام می‌دهند. لذا خدای تعالی می‌فرماید: آنها، بیشتر مفسرین گفته‌اند که ضمیر آنها به صلوٰه برمی‌گردد. صلوٰه با تمام شرایط و حقایقش برای غیر خاشعین سنگین و مشکل است. من یک وقتی گفتم شاید پنجاه درصد مردم مخصوصاً در تابستان نماز صبح نمی‌خوانند و قضا می‌کنند این با حسن ظن است و الا بیشتر و یا لااقل بیست و پنج درصد مردم مسلمان شیعه نماز نمی‌خوانند، زیاد دیده‌ایم شیعیانی هستند که نماز را خانوادگی اصلاً بلد نیستند. و برای‌شان سخت و سنگین است، لذا خدای تعالی فرموده: «خَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^(۲)

۱ - «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» سوره بقره آیه ۴۵.

۲ - سوره بقره آیه ۲۳۸.



بعضی‌ها می‌گویند صلوٰة وسطی نماز عصر است که بعید هم نیست همین باشد ولی بعضی هم گفته‌اند نماز صبح است و صلوٰة را باید محافظت کرد. لقمان به پسرش گفت که «اذا كنت في الصلوة فاحفظ قلبك» وقتی که در نماز هستی قلبت را حفظ کن، حواست به خدا باشد. خیلی از مردم هستند که در نماز حواس‌شان به خدا جمع نیست و پرت می‌شود. نماز را شروع کرده و می‌خواستیم که قلب‌مان را حفظ کنیم، ولی تا آخر نماز یک فکرهایی در ذهن‌مان آمده، یک مطالبی در ذهن‌مان آمده، یک سوء ظن‌هایی در ذهن‌مان آمده، کسی می‌گفت اگر چیزی را گم کردی و می‌خواستی پیدایش کنی نماز بخوان! راست هم می‌گفت چون انسان باید یک جایی فکر کند، به خدا که فکر نمی‌کند، به نعمت و آثار پروردگار که فکر نمی‌کند به آن مشکل که دارد یا چیزی را که گم کرده حواسش جمع می‌شود و آن را پیدا می‌کند این طور نماز خواندن مشکل است. «وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ».

سؤال بیست و دوم:

خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز چه فایده‌ای

دارد؟

پاسخ ما:

تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام چیزی است که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان تعلیم داده، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چیز کوچکی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یاد نمی‌دهد، چیز بسیار بزرگی را تعلیم داده، ^(۱) حتی در بعضی نمازهای مستحبی هم وارد شده که بعد از آن تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگویند. ^(۲) تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام به طور کلی در بیشتر جاها برای توان و کسب موفقیت‌های معنوی و بدنی است. لذا این تسبیح خیلی پرارزش است.

۱ - عن عقبه عن ابی جعفر علیه السلام قال ما عبد الله بشيء من التحميد افضل من تسبیح فاطمه علیها السلام و لو كان شيء افضل منه لنحله رسول الله صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام. (کافی جلد ۳ صفحه ۳۴۳).

۲ - چنانچه در نماز امام زمان علیه السلام که در مسجد مقدس جمکران خوانده می‌شود و دستور آن نماز و کیفیت آن از ناحیه مقدسه آن حضرت صادر گردیده بعد از نماز تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام گفته می‌شود. (بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۲۳۱).



سؤال بیست و سوم:

تکبیرهای واجب و مستحب در نماز کدامند؟

پاسخ ما:

در شروع نماز تکبیرة الاحرام یعنی الله اکبر گفتن واجب است. در هر فصلی از نماز گفتن الله اکبر مستحب است. تکبیرات بعد از نماز واجب هم به عنوان تعقیب نماز مستحب است.^(۱) بعد از نمازهای مستحبی گفتن سه تکبیر لازم نیست اگر به قصد ورود گفته شود شاید بدعت باشد.

سؤال بیست و چهارم:

در سوره مبارکه حمد کلمات رحمان و رحیم چند بار تکرار

شده و به چه معناست؟

پاسخ ما:

در سوره مبارکه حمد کلمه رحمان و رحیم دو مرتبه تکرار شده، یک مرتبه در بسم الله که اکثراً بلکه شاید متفق علیه باشند که بسم الله جزء سوره است. به خاطر این که خدای تعالی وقتی در قرآن می‌خواهد سوره حمد را بیاورد سبع المثانی می‌فرماید، و سبع المثانی می‌تواند این معنا را داشته باشد که بسم الله جزء سوره حمد باشد. در روایات هم دارد و یک مرتبه هم در آیه سوم «الرحمن الرحیم» و در رکعت اول نماز چهار مرتبه این دو کلمه ذکر می‌شود.

این دو کلمه از نظر لغوی یک معنا دارد چون هر دو صفت مشبیه و به معنای رحم است. رحمان به معنای راحم و رحیم هم به معنای راحم است. خدای تعالی هیچ وقت در آیات قرآن تکرار بی معنا نمی‌کند، این دو کلمه را مخصوصاً در بسم الله پشت سر هم با عنایت خاصی آورده است. خدای تعالی نسبت به همه موجوداتی که خلق



کرده رحمان است^(۱) هیچ فرقی بین زن و مرد، بد و خوب، راستگو و دروغگو، صالح و غیر صالح، نمی‌گذارد. مهربانی خدا نسبت به عموم همین است که خلقشان کرده و بعد از گناه و معصیت و کفر و شرک و زندقه و همه اینها، باز هم می‌بیند خدا به او نفس می‌دهد جان می‌دهد، سلامتی‌اش را تضمین می‌کند، به او روزی می‌دهد، شاید خیلی از نعمت‌هایی که به همه داده به او هم داده تا می‌رسد به حیوانات و حتی حیوانی که در دل خاک است به او هم روزی می‌دهد، هر که می‌خواهد باشد، از بدترین خلق خدا از اشقیاء گرفته تا ائمه اطهار علیهم‌السلام ببینیم خدای تعالی به طور مساوی به همه جان و نفس و روزی و سلامتی داده است حتی به فرعون سلامتی داده بود می‌گویند فرعون در دنیا چهارصد سال زنده بود در روایت دارد که خدا حتی یک سردرد به او نداد که یک یا الله نگوید و هیچ ناراحتی هم برایش به وجود نیامد با این که شاید می‌شود گفت شقی‌ترین مردم زمان خودش بوده است.^(۲)

شما وقتی کلمه رحمان را می‌گوئید ذهن‌تان متوجه این معنا باشد که خدا دارد به همه روزی می‌دهد ما معمولاً این طوری هستیم اگر کمی با ما بد باشند، می‌گوئیم نه ما به او کاری نداریم، دعوتش نمی‌کنیم تا به خانه ما نیاید، از این قبیل چیزها دارد که گبری، بت پرست نزد حضرت ابراهیم علیه‌السلام مهمان بود ایشان به وضع او یک ایرادی گرفت آن بت پرست قهر کرد و رفت، خدای تعالی فرمود: عمری است که ما داریم به این روزی می‌دهیم و هیچ اعتراضی هم به او نکرده‌ایم که چرا ما را

۱ - عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام فی حدیث: الرحمن بجميع خلقه و الرحيم بالمومنین خاصه. (کافی جلد ۱ صفحه ۱۱۴).

۲ - تبیان جلد ۸ صفحه ۱۳۰.

نمی‌پرستی یا قبول نداری یک روز آمد و مهمان تو شد و این طور رفتار کردی؟ فرق خدا و بنده خدا ولو حضرت ابراهیم علیه السلام باشد این است. خدا اصلاً به روی کسی نمی‌آورد که تو گنه‌کار و معصیت کار هستی، چرا، اگر در مقام رحیمیت قرار بگیری ممکن است که روزی اش را کم کند «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^(۱) کسی که از یاد خدا اعراض کند معیشتش تنگ می‌شود. تا انسان کلمه بسم الله الرحمن الرحیم را گفت در ذهنش می‌آید که خدای تعالی به تمام موجودات چه در کره زمین چه غیر کره زمین محبت و مهربانی می‌کند و رحمان است.

معنای رحیمیت خداوند این است که با شرایطی آن مهربانی خاص را به افراد بشر دارد مهربانی خاص خداوند شامل حال کسانی می‌شود که معصیت نمی‌کنند مؤمن هستند و ایمان و آرامش دارند، به خداوند تکیه و توکل کرده‌اند، در مقابل خواست خدا تسلیم هستند، خودشان را با جمله ایاک نعبد و ایاک نستعین تطبیق می‌دهند، یعنی هم بنده واقعی خدا هستند و تنها بندگی او را می‌کنند و هم فقط از خدا کمک و یاری می‌خواهند. خودشان را پاک کرده‌اند.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^(۲) اول چیزی که از معنای رحیم به دست می‌آید این است که خدا در همین دنیا به راهی که او اذن داده و راضی است هدایتش می‌کند. (غالباً این طور است که اگر کسی مراحل تزکیه نفس را بگذراند و بعد ببینیم پایش توی لجن گیر کرده و نمی‌تواند باز هم خودش را نجات دهد می‌دانیم که این دیگر بس‌اش است و الا خودش باید راه را برای خود باز کند وقتی که انسان پاک شده در قلبش حکمت وارد می‌شود، خودش می‌داند چه کند،

۱ - سوره طه آیه ۱۲۴.

۲ - سوره عنکبوت آیه ۶۹.

نمی تواند مراحل کمالات را نگذراند).

کسی که در راه خدا جهاد کند، «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» ما خودمان راه را به او نشان می دهیم. پس یکی از فواید رحیمیت پروردگار این است که انسان هدایت می شود، راهنمایی می شود، از باطن خودش می تواند حقایق را درک کند، حقیقت روایت را می فهمد، حقیقت آیه قرآن را درک می کند، دوم این که روزیش زیاد می شود، شما نگوئید ما خیلی از اهل تقوی و کمالات را دیده ایم که روزیشان کم است، روزی این که شما فکر می کنید نیست، مگر در شبانه روز چقدر می خواهید بخورید و لباس بپوشید و چقدر می خواهید داشته باشید؟ این اندازه که خدا به شما داده حواشی و اطراف و آمال و آرزوهاست که یک مقداری انسان کسر می آورد.

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^(۱) اصلاً انسان در زندگیش یک برکتی می بیند. این معنای رحیمیت خداست. درباره مخلصین می گوید: «أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ»^(۲) خدا رزق اینها را معلوم کرده فرقی نمی کند در بهشت همان وضعی را دارد که در دنیا دارد و در عالم برزخ همان وضعی را دارد که در دنیا دارد، همه جا مساوی خوش و خرم و سرحال است.

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» واقعا انسان از جایی که گمان ندارد رزقش می رسد من یک وقت مطالبی را راجع به بعضی از چیزهایی که خدای تعالی می رساند گفته بودم، بعضی ها هم رفته بودند و ادا در آورده بودند این غیر از آن چیزی است که واقعیت مناسب خود انسان باشد. می گویند یک وقتی بهلول کنار کوچه گل بازی می کرد چون خودش را به عنوان دیوانه معرفی کرده بود،

۱ - سوره طلاق آیات ۳ و ۲.

۲ - سوره صافات آیه ۴۱.

زن هارون الرشید آمد و گفت چه می‌کنی؟ گفت دارم خانه آخرت می‌سازم. گفت یکی از اینها را به ما بفروش گفت آن خانه‌ای که آن جاست، چند تا آجر روی هم گذاشته بود، مال تو، پرسید پولش چقدر می‌شود؟ آن قدر می‌خواست کمکی به او بکند یک پولی به او داد شب هارون الرشید خواب دید زنش در قصری است پرسید این قصر را با این اعمال از کجا آورده‌ای؟ گفت دیروز این را از بهلول خریدم، صبح بیدار شد و گفت دیشب چنین خوابی دیدم، زبیده زن هارون گفت جریان این است ما چنین کاری کردیم، فردا هارون الرشید رفت دید باز هم ایشان گل بازی می‌کند گفت یکی از این خانه‌ها را به من بده هر چه خواهی به تو می‌دهم گفت او ندیده خرید تو دیدی و می‌خواهی بخری. باید یک چیزهایی طبیعی باشد نه این که ادا در آورد. شما کار خودتان را بکنید، بندگی خودتان را بکنید، خدا را رحمان و رحیم بدانید، آیات قرآن را باور کنید، ما آن طوری که به خدا توکل می‌کنیم اگر به یک آدم بی‌حال هروئینی که گوشه‌کوچه افتاده این طور به او توکل کنیم به او بر می‌خورد تو می‌گویی که توکلت علی الله من بر خدا توکل کردم اما دائم پشت سرت را نگاه می‌کنی که آیا خدا این کار را می‌کند یا نمی‌کند، خدا هم می‌گوید نه انجام نمی‌دهم. تجربه هم می‌کنی، می‌بینی نه، انجام نداد. می‌گوئیم مثلاً ابتدا به خدا توکل کن می‌گوید درست است خدا، ولی انسان هم خودش باید حرکت داشته باشد. از تو حرکت از خدا برکت. باور کنید به جمله از خدا برکت اعتقاد نداریم اگر هم اعتقاد داریم خیلی لقلقه زبان است والا خدای تعالی صریحاً در کنار الرحمن، الرحیم را در همه جا گذاشته یعنی به مؤمن مهربانی خاصی دارد، کسی که به خدا توکل می‌کند خدای تعالی به او خیلی عنایت می‌کند، تو توکل واقعی کن، توکل اساسی و رسمی کن، ببین به تو عنایت می‌کند یا نمی‌کند، به تو لطف دارد یا ندارد، این معنای رحیمیت است خدای تعالی از جایی که «من حیث لا یحتسب» است



برایش می‌رساند، اصلاً گمان ندارد که چنین پولی مالی زندگی محبوبیتی سلامتی به دستش می‌آید. خوب در بین جامعه هست با همه زندگی می‌کند می‌بیند تمام این نعمات را خدای تعالی به او می‌دهد. این برای تان میزان نباشد که هر کس گرفتار است بگوئید پس معلوم است تو مشمول رحیمیت پروردگار نیستی، این گرفتاری‌ها را ما نمی‌فهمیم که چیست، گرفتاری شب اول قبر است، گرفتاری عالم برزخ است، گرفتاری جهنم است، گرفتاری عوالم بعد از این عالم است، اینها چیزی نیست که شما این طور تصور می‌کنید، البته تنها تصور نیست بلکه حقیقتی است که شما در جلسه امتحان یک مقدار رنگ صندلی تان خراب است یا این که گرسنه شده و دلتان ضعف می‌رود یا تشنه تان است، می‌گویند اصلاً حرفش را زن تو امتحان بده و برو، دنیا این است ما بیشتر فکرمان روی تامین غذای مرکبمان است که گرسنه نماند شکم زن و بچه‌مان گرسنه نماند، حالا روح‌شان مرده باشد مسئله‌ای نیست! روحش بو کند متعفن باشد مسئله‌ای نیست، روح‌شان اصلاً خواب محض باشد مسئله‌ای نیست خوب چکار کنیم؟ اما شب وقتی بچه‌هایش گرسنه‌اند نمی‌گوید چکارش کنیم خوب آن راهم بگو چکارش کنیم حالا این طوری شده دیگر چطور شد وقتی الاغت در آخور کاه و جو ندارد ناراحتی اما خودت اگر از گرسنگی مردی ناراحت نیستی؟!

حتی برای ما سخت است که بدن را به حیوان و مرکب زیر پایمان مثال بزنیم. چرا باید این طوری باشد؟ این چنین هستیم که رحیمیت خدا شامل حالمان نمی‌شود.

رحیمیت خدا آن چنان حساس و تحت برنامه است که اگر کسی حتی خدا به او آن طوری مهربانی بکند بعد این شخص دچار کبر و عجب و غرور شود و بخواهد سوء استفاده کند خدا اصلاً به او نمی‌دهد تا این که بدهد و بگیرد. از اول خدا عالم است تو

لیاقت این که من مهربانی خاصی به تو داشته باشم را نداری. ما نمی دانیم بعد متوجه می شویم که بی خود به این نفر مهربانی کردیم ولی خدا می داند و از اول مهربانی نمی کند. سوء استفاده هائی که ممکن است ما از مهربانی های خدا بکنیم اصلاً خدا ما را در مهربانی خاص خودش راه نمی دهد.

من یک وقتی خدمت یکی از علماء خدا رحمتش کند که از نظر من خیلی خوب بود رفتم تا از او استفاده کنم می دیدم حرفهای بیخودی می زند، حرفهایش با آن چه من می فهمم منافات دارد، من در آن موقع بچه بودم و او می خواست مرا خوب کند، بعدها متوجه شدم آن اخلاصی را که لازم است داشته باشد ندارد یک چیزهایی می گفت من اصلاً بهتم می زد که این حرفها با هیچ روایت و آیه ای تطابق ندارد. خیلی نمی خواهد راه دور بروید پیش همین متصوفه که خیلی ادعای کمالات دارند بروید چیزهایی به شما می گویند که یک موردش این است که می گویند غذای حرامی که تو نمی دانی حرام است را نخور! خُب انسان علم غیب که ندارد، بعد می گویند اگر حتی ندانسته خوردی و حرام بود بیچاره می شوی و این روی تو اثر می گذارد.^(۱)

دنبال او نرفتم خوب اینها رحیمیت پروردگار است. اگر بتوانید خودتان را در دریای رحیمیت خدا بیندازید همه چیز دارید این جور نیست که خدای تعالی رحیمیتش را در بعضی جاها شامل حال شما بکند و در بعضی جاها نکند، نه آنجا دیگر مثل یک دریایی است که انسان خودش را در دریا می اندازد، دیگر می خواهد فرو برود،

۱ - توضیح بیشتر در این رابطه در کتاب در محضر استاد نوشته مؤلف جلد ۱ ص ۱۰۵ (حلال و حرام واقعی و ظاهری) داده شده است.



«وغمرتنی ایادیک»^(۱) غمر به معنای فرورفتن در نعمات خدا است. بتوانید خودتان را در رحیمیت خدا بکشانید اگر به آن جا رسیدید زیاد بگوئید یا رحیم می بینید که خدای تعالی همه چیز به شما می دهد از هر چیزی که دلتان بخواهد به شما می دهد. اگر به آن مهربانی خاص برسید خیلی پیشرفتتان، کارتتان، وضعتان بهتر خواهد بود. خدا هم خیلی دوست دارد که شما وارد در مهربانی او بشوید دلیلش هم همین است که وقتی بسم الله را می گوید در آن الرحمن الرحیم است، در سوره حمد هم می گوید الرحمن الرحیم و نماز بدون فاتحه الکتاب نماز نیست و باید حتما در نماز سوره حمد را بخوانید حال بعد از فاتحه الکتاب هر سوره دیگر می خواهید بخوانید.

سؤال بیست و پنجم:

در آیه شریفه مالک يوم الدين مالک اين روز کیست؟

پاسخ ما:

مالک يوم الدين بعد از الرحمن الرحيم، وصل به هم است که خیلی ارزش دارد و مهم است مالک روز جزا کیست؟ الرحمن الرحيم آن خدائی که به همه مهربان است خیلی ارزش دارد انسان را در دادگاهی بخواهند می گوید رئیس اداره کیست؟ قاضی کیست؟ می گویند آن آقا است عجب، او خیلی آدم خوب و مهربانی است خیال تان یک مقداری راحت می شود او همیشه به من کمک کرده خیلی بعید است که مرا مؤاخذه زیادی کند، اگر هم باز خواست کند لااقل روی عدالت می کند.

بعد از کلمه الرحمن الرحيم مالک يوم الدين خیلی به انسان امید می دهد خیلی انسان را امیدوار می کند. مالک روز جزا که همه اختیارات در دست اوست، کیست؟ «الرحمن الرحيم» یعنی همان خدای مهربان است.



سؤال بیست و هفتم:

درباره قنوت در نماز توضیحی بفرمائید.

پاسخ ما:

فارسی کلمه قنوت همین دعای دست است. البته مستحب است، مستحبی که نیمه مؤکد است. شما این را بدانید که هر قوم و قبیله‌ای یک نوع تواضعی در مقابل بزرگترشان، پروردگارشان دارند. مثلاً هندی و پاکستانی دستهایشان را به هم می‌گذارند جلوی صورتشان می‌گیرند و یک مقداری هم خم می‌شوند، این نحوه تواضعشان است. عرب‌ها دستهایشان را پهلوی هم می‌گذارند مثل قنوت و این طور اظهار کوچکی می‌کنند. ایرانی‌ها و عجم دستهایشان را به روی هم می‌گذارند کف دست چپ را روی پشت دست راست می‌گذارند، این مسلم است.

حالا ما در نماز چه کنیم؟ نماز از ناحیه خداست که قرآنش به زبان عربی نازل شده و حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم عرب است، همان رسومات عرب‌ها را خدای تعالی امضاء کرده که شما می‌توانید در نماز داشته باشید، اما این را بدانید نماز یک عبادت توقیفی است. توقیفی یعنی محدود کردن به آن چه خدای تعالی دستور فرموده و آن چه که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده است، یعنی شما نمی‌توانید

بگوئید حالا نماز صبح را سه رکعت می‌خوانیم و یا دو حمد و این همه رحمان و رحیم را در یک رکعت می‌خوانیم، ما نمی‌توانیم این کار را بکنیم و معنای توقیفی هم همین است که موقوف بر این است که خدا چگونه فرموده باشد.

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «صلوا كما رأيتموني أصلي»^(۱) همین طور که من نماز می‌خوانم شما بخوانید. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم، همین طوری که ما نماز می‌خوانیم ان شاء الله ظاهرًا نماز می‌خواندند. حالا اگر ما چیزهایی از خودمان در آوریم و کارها و الفاظی را در نماز در آوریم مربوط به ماست. از بدبختی‌های اهل سنت این است که «بسم الله الرحمن الرحيم» را نمی‌گویند همین موردی که حساس‌ترین مطلب است چون که معاویه گفت، نگوئید و علامت مؤمن هم همین است که بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می‌گوید حتی در نمازهای اخفائیه مستحب است که بسم الله را بلند بگویند. اگر کسی چیزی را از خودش در آورد و سلیقه شخصی‌اش بود در نماز گذاشت نماز را باطل می‌کند.

وقتی که اسرای ایرانی را در جلوی عمر رژه می‌دادند و عبور می‌کردند آنها به رسم ایران دستها را روی هم دست به سینه گذاشته بودند به اصطلاح تکتف، این طوری حرکت می‌کردند. عمر گفت چرا اینها این کار را کرده‌اند؟ مثل این که شما یک پاکستانی ببینید که دستهایش را روی هم گذاشته و ندیده باشید و بگوئید چرا این طوری کرده است. گفتند این رسم مربوط به تواضع اینهاست. ایشان هم که در بدعت گذاشتن و کارهای جدید انجام دادن ید طولائی دارد همین نماز تراویح را خودشان می‌گویند یعنی در کتابهایشان نوشته که عمر درست کرد. بعد هم دید

همه دارند با هم نماز می خوانند گفت «نعم البدعة»!^(۱) بدعت خوبی گذاشتم. بدعت است همه آنها می گویند و هیچ حرفی نیست که بدعت است، بعد ایشان گفت خوب ما در نماز باید این تواضع را برای خدا داشته باشیم، از آن جا این رسم شد. من با بزرگترین عالم مکه که یک شخصی بود درباره همین دست بسته نماز خواندن بحث می کردم، گفتم در زمان حضرت پیغمبر اکرم ﷺ و ابی بکر نبود، گفت چرا روایتی ابوهریره دارد که می گوید

من دیدم پیغمبر اکرم ﷺ دست چپش را برای یک لحظه روی دست راستش گذاشت. گفتم آن جا حتما یک پشهای پشت دست حضرت بوده یا آمده، والا اگر این کار در زمان حضرت پیغمبر اکرم ﷺ و به وسیله حضرت پیغمبر اکرم ﷺ جزء نماز بود همه می دیدند.

ابوهریره می گوید: من فلان روز دیدم حضرت چنین کاری کرد. اصلاً غلط است باید همه دیده باشند و اصلاً باید بر این سیره باشد، نه این که آن زمان نباشد و از وقتی که اسرای ایرانی را آوردند شروع شود. این کار نماز را باطل می کند چرا؟ این اجتهاداً این طوری است. حالا ما هم می گوئیم دست مان را روی دست چپ مان بگذاریم چه اشکالی دارد؟ اگر به این نیت باشد که کار خوبی است خوب حضرت پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام هم در نماز این کار را می کردند. البته همه اهل سنت واجب نمی دانند عده ای هستند که دست باز نماز می خوانند. اگر کسی این کار را جزء نماز ولو مستحب بداند نمازش باطل است.

چیزی که به عنوان جزء مستحب نماز است قنوت است یعنی شما دستهایتان را جلوی صورتتان نگه دارید همان طوری که حضرت پیامبر اکرم ﷺ انجام می داد

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۲ ص ۱۵۸.

همان طوری که ائمه اطهار علیهم السلام انجام می دادند و نماز می خواندند. این کار ولو این که ما ایرانی هستیم ولی غیر کار حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را نباید در نماز وارد کرد. قنوت تواضع خاصی است که در قرآن خدای تعالی راجع به قانتین یعنی قنوت کننده ها و این که اینها آدم های خوبی هستند به آنها خیلی اظهار محبت فرموده است. پس در نماز باید قنوت داشته باشید نه تکتّف، که دست بسته نماز خواندن را تکتّف می گویند و این بدعت است.



سؤال بیست و هشتم:

چرا نماز جمعه در نزد خدای تعالی این قدر پر اهمیت می باشد؟

پاسخ ما:

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» اهل تقوی دارای عبادت فردی هستند. نماز از چیزهایی است که در حقیقت یک عبادت فردی است یعنی یک نفر به تنهایی می تواند این عبادت را انجام دهد اگر چه همین عبادت اجتماعیش بهتر است. نماز جماعت با نماز فرادا خیلی از نظر ارزش قیمتش بالاتر می باشد و نماز را در مسجد خواندن بالاخص در مسجد جامع باز اهمیتش بیشتر است و همین طور بهتر است در مسجد الحرام برای این که دور هم جمع شوید و با هم ارتباط داشته باشید و بالاخره نماز جمعه از این نمازها ارزشش بالاتر است. در هر هفته از یک فرسخ در یک فرسخ در شهرهای اسلامی مردم یک جا جمع شوند با یک زبان و یک حرکت و وحدت نماز جمعه بخوانند در زمان ظهور که بر هر فرد مکلفی واجب است نماز جمعه بخواند، فرض کنید مردم مکلف مشهد مثلاً اگر این شهر دو میلیون جمعیت دارد لااقل یک میلیون و پانصد هزار نفرشان باید در نماز جمعه جمع شوند ببینید چه اجتماعی می شود و لذا اجر نماز جمعه از همه بالاتر است.

سؤال بیست و نهم:

اگر کسی نماز شبش ترک شود و برای آن سه روز مثلاً روزه بگیرد و خود را به این وسیله تنبیه نماید، اشکالی دارد؟

پاسخ ما:

انسان نباید و خدا راضی نیست که در عبادات زجر بکشد بلکه باید از روی علاقه عبادت کند، جوانی را دیدم برای اینکه نماز شبش ترک شده بود در روز چقدر گریه می کرد کسی که به او وقت ملاقات با محبوبش را داده اند اگر تنبلی کند و خوابش ببرد این معلوم است عاشق نیست، مانند آن کسی که عاشق حکیمی شده بود در وقت ملاقات خوابش برد و حکیم گردو در جیب او انداخت یعنی برو گردو بازی کن.



سؤال سی ام:

عباد صالح که در نماز به آنها سلام می دهیم چه کسانی هستند؟

پاسخ ما:

یا بندگان صالح خدا هستند، همانهایی که عمل صالح می کنند و یا کسانی که روح خود را تزکیه کرده و صالح گردانیده اند. مصداق بارزش حضرت حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است که ما در زیارتنامه اش می خوانیم: «السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله و لرسوله...»^(۱) هر کس در این مسیر باشد عبد صالح خداست.

سؤال سی و یکم:

صلواتی که در پایان تشهد می‌فرستیم آیا به خاطر نام حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است یا جزء تشهد است؟

پاسخ ما:

جزء دعای تشهد است. حتّی سنّی ^(۱) و شیعه ^(۲) هم به صلوات مبادرت می‌کنند و لذا شافعی در اشعاری می‌گوید کسی که بر شما ای اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستد نمازش درست نیست، ^(۳) بنابراین صلوات تشهد جزء نماز است و سنّی و شیعه هم قبول دارند و تنها به خاطر اسم حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نیست. حالا ردیف شده شاید یکی از اهدافش همین بوده باشد.

- ۱ - تمام اهل سنت صلوات در انتهای تشهد را مستقلاً یکی از فرائض نماز می‌دانند و می‌گویند «و منها الصلاة على النبي صلی الله علیه و آله في التشهد الاخير الى اخر» (کتاب الفقه على المذاهب الاربعه لعبد الرحمن الجزيري الجزء الاول صفحات ۲۶۱ و ۲۶۲).
- ۲ - المستمسک العروة الوثقی جلد ۶ صفحه ۴۴۱.
- ۳ - و قد روى ابن حجر المتأخر في الباب العاشر من الصواعقه (صفحه ۸۸، الطبع القديم) عن الشافعی امامه:

فرض من الله في القرآن انزله
من لم يصل عليكم لا صلاة له

يا اهل بيت رسول الله حبكم
كفاكم من عظيم القدر انكم

نقل از احقاق الحق جلد ۳ صفحه ۲۷۳.



سؤال سی و دوم:

چرا می‌گویند نماز صبح و مغرب و عشاء را حمد و سوره‌اش را باید با صوت بلند بخوانیم؟

پاسخ ما:

البته همان طوری که در سؤال هست نماز صبح، مغرب و عشاء این سه تا نماز را فقط حمد و سوره‌اش را واجب است که بلند خوانده شود و بقیه‌اش مستحب است که بلند بخوانند و نماز ظهر و عصر واجب است که حمد و سوره‌اش را آهسته بخوانند و بقیه‌اش مستحب است که آهسته خوانده شود.^(۱)

شاید یک علت خیلی ضعیفی باشد که به فکرمان می‌رسد این است که معمولاً وقتی انسان با صدای بلند می‌خواند سر حال تر است. نماز صبح را اگر انسان آهسته بخواند خوابش می‌برد نمازهایی که در شب خوانده می‌شود نماز شب نمازهای نافله شب

۱ - روایات آن در مستمسک العروه جلد ۶ صفحات ۱۹۸ الی ۲۰۳ ذیل مسئله ۲۰ مفصلاً آمده است.

اینها را بلند بخوانید که خوابتان نبرد. اصل نماز بهتر این است که آهسته خوانده شود خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ»^(۱) که صدایت را بلند نکن. نماز حَتّی‌المقدور باید آهسته خوانده شود.

۱ - سوره اسراء آیه ۱۱۰. روایات مفصلی هم در ذیل این آیه شریفه در وسائل الشیعه جلد ۶ باب ۳۳ و مستدرک الوسائل جلد ۴ صفحه ۱۹۸ و کتب دیگر روائی آمده است.



سؤال سی و سوم:

آیا بعد از نماز واجب سجده شکر مشروع است؟

پاسخ ما:

بله مشروع است بلکه دستور هم هست. در روایات ^(۱) و فتاوها ^(۲) حتی هست که بعد از نماز یک سجده بکنید و سه مرتبه بگوئید «شکراً لله، شکراً لله، شکراً لله» البتّه دو سجده هست باز سرتان را بردارید و دوباره بگذارید و باز هم سه مرتبه «شکراً لله» بگوئید یا صد مرتبه بگوئید: «شکراً شکراً». در کتابهای مفاتیح و حتی فتاوها هم هست و سجده شکر مستحب است.

-
- ۱ - به دلیل کثرت روایات فقط منابع زیر اشاره می‌کنیم: وسائل الشیعه جلد ۷ صفحه ۵.
مستدرک جلد ۵ صفحه ۱۲۷. بحار الانوار جلد ۸۳ صفحه ۱۹۴.
۲ - المستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۴۲۸ الی ۴۳۰، مسائل ۲۱ و ۲۲.

سؤال سی و چهارم:

چرا در نماز نباید به اطراف نگاه کنیم؟

پاسخ ما:

برای اینکه به شما کمک کند تمرکز فکر پیدا کنید در حقیقت سه طرف را گرفتند و فقط جلو را می توان با خصوصیات نگاه کرد،^(۱) مثلاً جلوی آینه نباشد، جلوی در باز نباشد تا حواسش پرت شود^(۲) و با تمام این محدودیت ها می بینید که اکثراً در نماز حواس مان پرت است.

۱ - عن الرضا، قال صلوات الله عليه إذا أردت أن تقوم إلى الصلاة إلى أن قال أقبل على الله بجميع القلب و بوجهك حتى يقبل الله عليك و أسبغ الوضوء و غفر جبينك في التراب و إذا أقبلت على صلاتك أقبل الله عليك بوجهه بحار الأنوار ۸۱ ۲۰۴ باب ۱۵

وفي حديث عن أبي عبد الله أقبل على صلاتك بجميع الجوارح و القلب إجلالاً لله تبارك و تعالى و لا تكن من الغافلين بحار الأنوار ۸۱ ۲۰۶

۲ - در مستمسک العروة الوثقی جلد ۵ صفحات ۵۱۵ الی ۵۱۸ تعداد ۳۲ مورد از مکانهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است نام برده شده است و روایات آن در وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۱۱۷ و مستدرک الوسائل جلد ۳ صفحه ۳۲۹ و بحار الانوار جلد ۸۰ صفحه ۲۷۶ مفصلاً آمده است.

سؤال سی و پنجم:

چه نکاتی را لازم است که برای قرائت صحیح در نماز رعایت

کنیم؟

پاسخ ما:

اولاً که فرق بین «ص و س، ح و هـ، ع و همزه» را کاملاً باید رعایت کنیم البته خیلی از حرف‌هایی که اهل تجوید گفته‌اند در نظرات هم نیست که واجب باشد. (۱) ولی غلط نداشته باشید و بهتر این است که حروف یرملون و تنوین، نون ساکنه و بعد اداء حروف وقف به حرکت و وقف به حروف را هم رعایت کنید.

مثلاً وقتی می‌گویید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» یک نفس بکشید و با تأنی بگویید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» یا بگوئید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» که این مشکل‌تر است. یک نفس بکشید بعد وصل به سکون کنید احتمالاً نماز باطل می‌شود. (۲)

وقف به حرکت هم نکنید مثلاً بدون جزم دادن بگوئید «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» این درست نیست. (۳)

۱ - مستمسک العروة الوثقی جلد ۶ صفحه ۲۳۵ مسئله ۴۱ و بحار الانوار جلد ۸۲ صفحات ۷ الی ۱۰.

۲ - مستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۲۴۷ مسئله ۵۴.

۳ - مستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۲۳۳ و ۲۳۴ مسئله ۳۹ و ۴۰.

سؤال سی و ششم:

«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^(۱) یعنی چطور از نماز و

صبر استعانت و کمک بگیریم؟

پاسخ ما:

در اینجا صبر تعبیر به روزه شده است^(۲) و اگر ما حقیقت نماز و روزه را بفهمیم می بینیم دائماً یک قدرتی از خدای تعالی اخذ می کنیم که مشکلات را حل می کند در نماز وقتی می گوئیم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^(۳) یعنی تنها کمک از تو می خواهیم. یعنی بالاترین جا دست انداختی خدائی که قدرتش بی نهایت است وقتی می گویی: «یا قوی یا قادر» این ذکر را وقتی تکرار کنی کم کم سیم قلبت متصل به مرکز قدرت می شود همان طوری که چراغ اتاق وصل است وقتی کلید را بزنی روشن می شود و تو هم آن چنان قدرت می گیری.

۱ - سورة بقره آیه ۴۵.

۲ - عن الصادق عليه السلام فی قول الله عزوجل «واستعينوا بالصبر والصلوة» قال یعنی بالصبر الصوم. (من لايحضره الفقيه جلد ۲ صفحه ۷۶). روایات کثیری در این مورد در کتب روائی و تفسیری وارد شده است.

۳ - سورة فاتحه آیه ۴.



حضرت زینب علیها السلام حتی در شب یازدهم محرم که سخت ترین شب های عمرش بوده است حتی از روز عاشورا بر او بیشتر سخت گذشته است، در چنین شبی نماز شبش ترک نمی شود چون از ارتباط با خدای تعالی قوّت و قدرت می گیرد. یا حضرت زهرا علیها السلام وقتی خدمت پدر بزرگوارش برای طلب خدمتگزار می آیند حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او دستور تسبیح می دهند که تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام معروف است یعنی حضرت زهرا علیها السلام با تسبیح و تکبیر و تحمید الهی نیرو و قوّت می گیرد.^(۱) در دستور است که اگر کسی امراض روحی یا ضعف روحی پیدا کرد روزی هفتاد مرتبه بگوید «لا حول ولا قوّة الا بالله»^(۲) اگر به معنای این کلام توجه شود یعنی هیچ قوّه و قدرتی نیست مگر اینکه مال خدا است. هر چه داریم مال خدا است پس خدایا حال که هر چیز مال تو است قوّه مرا بیشتر کن روحم را جلا بده که قوّت و قدرت بیشتری پیدا کند.

۱ - بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۳۲۹ حدیث ۷ و جلد ۷۳ صفحه ۱۹۳ حدیث ۶ و علل الشرایع جلد ۲ صفحه ۳۶۶ حدیث ۱.

۲ - عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَيْسَرُ ذَلِكَ الْخَنْقُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْخَنْقُ قَالَ لَا يَغْتَلُّ بِالْجُنُونِ فَيُخَنْقَ. الكافي جلد: ۲ ص: ۵۲۱

أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْشُطِرْ جَلْدَكَ وَلَا تُكَلِّمْ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَمِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْغَدَاةِ فَمَنْ قَالَهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ مِائَةَ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ أَذْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَالْجُذَامُ وَالشَّيْطَانُ وَالسُّلْطَانُ. الكافي جلد: ۲ ص: ۵۳۲

سؤال سی و هفتم:

خضوع یعنی چه؟ و خشوع و خضوع در نماز و در مقابل پروردگار چگونه است؟ و چطور می شود در نفس خود ایجاد کرد؟

پاسخ ما:

نماز بسیار اهمیت دارد ولی اگر انسان تزکیه نفس کرد و رابطه ای با ذات مقدس پروردگار پیدا کرد و جزو کسانی شد که «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»^(۱) که «خوشا آنان که دائم در نمازند»، برای چنین شخصی نماز بسیار وسیله خوبی است، وسیله ارتباط با پروردگار است. در فارسی لفظی که دقیقاً هم معنای خضوع باشد نداریم خضوع یعنی خاشع شدن و کلام عربی است حالتی که انسان در مقابل یک شخص می گوید چشم، بله قربان، دیدید بعضی ها دست به سینه و بله قربان می گویند این در ردیف خضوع است. یعنی کوچکی کن، خاضع باش.^(۲)

سجده به معنای کمال خضوع است اگر گفتیم «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ

۱ - سوره معارج آیه ۲۳.

۲ - الخضوع: الذل و الاستخاء (کتاب العین)، التواضع و النظام (لسان العرب)، خاضعین ای ذلین منقادین (در سوره شعراء آیه ۴ از مجمع البحرین).

الأرض»^(۱) یا اگر گفتیم درخت، خورشید، ماه در مقابل عظمت پروردگار سجده می‌کنند معنای سجده این است که کمال خضوع را در برابر خدای تعالی دارند.^(۲) اگر شخصی معصیت کرد، واجبات را انجام نداد اگر صبح تا شب سر به سجده بگذارد سجده ظاهری و اصطلاحی بکند سجده واقعی نکرده، با یک گناه حتی برای بعضی از اولیاء خدا اگر یک گناه کوچک بکنند خضوع واقعی در مقابل پروردگار نکرده‌اند.

خشوع و خضوع از شرائط نماز است.^(۳) اگر انسان در نماز خاضع و خاشع بود، نه اینکه گردن کج کند و یک حالت خضوع و خشوعی به خود بگیرد، قلب باید خاشع باشد، دل باید متواضع باشد، و قلب انسان متواضع نمی‌شود مگر با معرفت و معرفت حاصل نمی‌شود مگر با تزکیه نفس. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^(۴) خشیت مخصوص علما است. از نظر حضرت پیامبر اکرم ﷺ آن علم و عالمی رسمیت و ارزش دارد که در آن حدیث فرمودند «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ» و علم را به سه بخش تقسیم کردند.^(۵) علم نافع، مرحوم شیخ بهائی این روایت را در کتاب اربعین تفسیر می‌کند که علم نافع علمی است که برای بشر فایده دارد. از نظر ما مردم محدود و تنگ‌نظر

۱ - سوره رعد آیه ۱۵.

۲ - فی لسان العرب یكون السجود علی جهة الخضوع و التواضع کقوله عز و جل الم تر ان لله یسجد من فی السموات، و کل من ذلّ خضع لما امر به فقد سجد.

۳ - در مورد تأکید بر استحباب خشوع در نماز روایات زیادی در مصادر روایی وارد شده است مثلاً وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۴۷۳ و الکافی جلد ۳ صفحه ۳۰۰ و مستدرک الوسائل جلد ۴ صفحه ۱۰۳.

۴ - سوره فاطر آیه ۲۸.

۵ - قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ. الکافی جلد: ۱ ص: ۳۲.

که می گوئیم «إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا»^(۱) و همین چهار دیواری دنیا را می بینیم علم را به طور دیگر تفسیر می کنیم. دانش ما علم طب و ریاضی است. ولی از نظر حضرت پیامبر اکرم ﷺ سه قسمت از علم، علم است «و ما سواهن فضل» هر چه غیر این سه باشد فضل است. حضرت رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «انما العلم ثلاثة آية محكمة أو فريضة عادله أو سنة قائمة».



سؤال سی و هشتم:

تسبیح به چه معنا است؟

پاسخ ما:

تسبیح هم به «الله اکبر» هم به «الحمد لله» و هم به «سبحان الله» و هم به «لا اله الا الله» گفته می شود و از همین جا به آن تسبیحات اربعه می گویند یعنی چهار تسبیح. تسبیح به معنای پاک کردن خدا از هر عیب و نقص است.

«الله اکبر» یعنی خدا بزرگتر از آن است که وصف کنی. هر چه او را وصف کنی ناقص وصف کرده ای! وصف واصفین به کنه معرفتش نمی رسد و خدای تعالی از آنچه وصف می کنند منزّه است.

«سبحان الله» یعنی پاک و منزّه است از نقص. «سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ»^(۱). «ما عرفناك حق معرفتك»^(۲) خدایا ما حق معرفت را نشناخته ایم قرآن می فرماید: «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ»^(۳) هیچکس حد و قدر خدا را نتوانست درک کند.

۱ - سوره صافات آیه ۱۵۹.

۲ - بحار الانوار جلد ۶۸ صفحه ۲۳ و عوالی اللئالی جلد ۴ صفحه ۱۳۲.

۳ - سوره انعام آیه ۹۱ و سوره حج آیه ۷۴ و سوره زمر آیه ۶۷.

بنابراین «الله اکبر» به معنی «سبحان الله» است. «لا اله الا الله» به معنای «سبحان الله» است. یعنی خدا را از شریک منزّه می‌کنیم. «الحمد لله» یعنی «سبحان الله»، چون همه کرنش و ستایش‌ها مال خدا است و دیگران حق اینکه ستایش و کرنش در مقابل‌شان بشود ندارند و این از خصوصیات خدا است.

سؤال سی و نهم:

آیا نماز یک امر فطری است؟

پاسخ ما:

نماز یک امر فطری است و با فطرت ما سازش دارد. پس اگر این نمازی که می‌خوانیم حقیقتش را بفهمیم و درک کنیم، متوجه می‌شویم که حتی یک کلمه‌اش بر ما تحمیل نشده است، البته اگر خدا را بشناسیم و اگر بخواهیم ادای احترام به پروردگار متعال کنیم. ما خودمان ذاتاً و فطرتاً همین کارهائی که دستور داده‌اند انجام می‌دهیم، منتهی بلد نیستیم که چگونه ادای احترام به پروردگار مهربان بکنیم.

یک بچه که به مکتب می‌رود اول به زور به او می‌گویند «الف» یا «ب» را این جور بکش اما یک روزی می‌رسد که اگر قطعه قطعه‌اش کنند که خلاف آن را بکشد می‌گوید نه این کلام این جور باید باشد. فطرت انسان از ابتدا تا جاهل است تا به مقام خلیفه‌اللهی نرسیده نماز را درک نمی‌کند حتی می‌گویند چرا پسرها در پانزده سالگی ولی دخترها نه سالگی تکلیف می‌شوند. اگر تحمیل و فشار باشد باید دخترها اعتراض کنند اما اگر به حضور خدا رسیدن و ملاقات خدا باشد، پسرها باید معترض باشند که چرا دیرتر خدای تعالی آنها را پذیرفته. اگر انسان مراحل کمالات را بگذراند و به مقام خلیفه‌اللهی برسد، بدون هیچ مقدمه‌ای با عشق و علاقه وقتی که اذان گفته می‌شود شروع به خواندن نماز می‌کند و این دو سوره از قرآن را می‌خواند و رکوع و سجود می‌کند و کلاً تمام نماز با فطرت انسان تطبیق می‌کند.

سؤال چهارم:

لطفاً توضیح بفرمائید نمازی که به حضرت عیسیٰ علیه السلام توصیه شده بود به چه صورتی بوده و آیا مثل نماز معمولی الان ما بعد از اسلام بوده است یا نه؟ و خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قبل از اسلام این نماز را می خواندند یا نه؟

پاسخ ما:

سه سؤال مطرح شده، سؤال اول، به طور کلی نماز یک نوع دعا و نیایش است نهایت نحوه اش در ادیان مختلف تغییر می کند و نماز حضرت عیسیٰ علیه السلام یک نحوه دعا و نیایش بوده است. اگر به کلیسا بروید در روز یکشنبه، می گویند نماز می خوانیم. آنها عبادت و دعای دسته جمعی یا فردی را معمولاً نماز می گویند،^(۱) و در عربی هم نماز را صلاة می گویند. در واقع صلاة به معنای دعا است.^(۲) در آیه

۱ - در کتب لغت ذیل ماده «صلو».

۲ - الصلوة: الدعاء و الاستغفار (لسان العرب در ماده صلو) و عن مجمع البحرين: و الصلاة فی کتاب الله جاءت لمعان منها قوله تعالى: «و صل علیهم» ای و ادع لهم «ان صلاتک» ای دعائک «سکن» و تثبیت «لهم».



شریفه که دارد «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا»^(۱) صلاة یک نحوه ارتباط با خدا است. اگر صلاة را بخواهیم خلاصه کنیم، مثلاً نماز میت نه رکوع دارد نه سجده و نه حمد و سوره، در واقع انسان ارتباطی با خدا ایجاد می‌کند که خدایا این میت را بیامرز «لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»^(۲) ما از او جز خوبی سراغ نداریم. در هر قوم و جمعیتی هم ارتباط با خدا به یک نحوه‌ای بوده، حالا چه نحوه بوده برای ما نقل نکرده‌اند. در آتن روز یکشنبه، خودم به کلیسا رفتم آنها آهنگی می‌زدند و پیرمردی که صدای خوبی داشت شعرهای یونانی می‌خواند و بقیه دم گرفته بودند. مثل دم‌هائی که در جلسات ما هست، نمازشان این است. هر کسی یک ارتباطی با خدا دارد. حالا در شبانه روز یا در هفته یک روز را برای نماز می‌گذارند. ولی برای ما نقل نکرده‌اند که نماز حضرت عیسی علیه السلام به چه نحوه بوده. ولی یقیناً به شکلی که ما می‌خوانیم نبوده و به صورت دیگری بوده است.

سؤال دوم که این نماز قبل از اسلام هم بوده یا خیر؟ چون «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^(۳) آن موقع نماز این طور نبوده. یعنی چون حمد نازل نشده بود و نماز بدون حمد و فاتحه الکتاب نمی‌شود و در آن زمان قرآن برای مردم نازل نشده بود. پس نماز به شکل معمول ما در آن وقت نبوده و باز آن هم به یک صورتی بوده است.

و اما حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت چه طور نماز می‌خواندند؟ در بعضی روایات دارد و احتمال هم همین است و باید هم همین طور باشد که به همین

۱ - سورة مريم آیه ۳۱.

۲ - در صلاة بر میت (مؤمن) این عبارت وارد شده است. کافی جلد ۳ صفحه ۱۸۴ و وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۶۱.

۳ - عن النبی صلی الله علیه و آله: لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ. (مستدرک الوسائل جلد ۴ باب ۱ صفحه ۱۵۸ روایت ۴۳۶۵ و روایت ۴۳۶۸).

صورتی که بعد از بعثت نماز می خواندند، قبل از آن هم همین طور می خواندند. چون یکی از سؤالات این است که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از اسلام به چه دینی بوده اند؟ دین رسمی آن زمان مسیحیت بوده. اما آیا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن زمان مسیحی نبودند؟ به دین زمان خودشان نبودند؟ اگر بگوئیم مسیحی بودند این نقص است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم یک وقتی مسیحی بوده باشد و این درست نیست. جواب این است که یک برنامه های اجتماعی هست که باید هماهنگی مردم زمان را به هم نزنند. شاید در این موارد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم آن زمان هماهنگ بوده و مسلماً هماهنگ بوده است و اما در عبادات فردی مثل نماز و نماز شب و روزه چون دین خودشان کامل تر بوده و قبلاً برایشان قرآن نازل شده، روش خودشان و دینشان را اتخاذ کرده بودند.^(۱) چون حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطين»^(۲) فرقی بین نبی و رسول

۱ - عن العلامة المجلسي رحمته الله: أما اورنا دلائل فی نفی تعبده صلی الله علیه و آله بعد البعثة بشریة من قبله لاشتراکها مع ما نحن فيه فی أكثر الدلائل، فإذا عرفت ذلك فاعلم أن الذي ظهر لي من الأخبار المعتبرة، والأثار المستفیضة هو أنه صلی الله علیه و آله كان قبل بعثته مذ اكمل الله عقله فی بدء سنه نبياً مؤيداً بروح القدس، يكلمه الملك، و سمع الصوت و يرى فی المنام، ثم بعد أربعين سنة صار رسولاً، و كلمه الملك معاينة و نزل علیه القرآن، و أمر بالتبليغ، و كان يعبد الله قبل ذلك بصنوف العبادات إماماً موافقاً لما أمر به الناس بعد التبليغ و هو أظهر، أو على وجه آخر، إماماً مطابقاً لشريعة إبراهيم عليه السلام أو غيره ممن تقدمه من الأنبياء عليهم السلام لا على وجه كونه تابعاً لهم و عاملاً بشريعتهم، بل بأن ما أوحى إليه صلی الله علیه و آله كان مطابقاً لبعض شرائعهم، أو على وجه آخر نسخ بما نزل علیه بعد الإرسال، ولا أظن أن يخفى صحّة ما ذكرت على ذی فطرة مستقيمة، و فطنة غير سقيمة بعد الإحاطة بما أسلفنا من الأخبار فی هذا الباب، و أبواب الاحوال الأنبياء عليهم السلام و ما سنذكره بعد ذلك فی كتاب الإمامة، و لنذكر بعض الوجوه لزيادة الاطمئنان على وجه الإجمال ... الى آخره. (بحار الانوار جلد ۱۸ صفحه ۲۷۷ سطر دهم به بعد) و (مرحوم علامه مجلسي رحمته الله در بحار الانوار جلد ۱۸ صفحات ۲۷۱ تا ۲۸۲ بحث مفصلي همراه با اقوال ديگران مطرح فرموده اند).

۲ - این روایت بسیار مشهور است و اسناد زیادی دارد برای نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

هست. نبی کسی است که احکام و دستورات بر او فرستاده شده، ولی اجازه تبلیغش را ندارد. ولی رسول آن کسی است که احکام و دستورات بر او فرستاده شده و اجازه تبلیغش را هم دارد.^(۱) ایشان نبی تا چهل سالگی بودند. چون می فرماید: «كنت نبياً و آدم بين الماء و الطّين» آدم هنوز بین آب و گِل بود. هنوز خاک و آبش از هم جدا بود، من آن موقع پیغمبر بودم. یعنی این علوم به من تعلیم داده شده بود، احکام به من داده شده بود و در چهل سالگی مبعوث به رسالت شدند، نه مبعوث به نبوت.

اگر کسی گفت مبعوث به نبوت شد، غلط است، چون نبی بودند. حضرت عیسی علیه السلام هم قبلاً نبی بود، می فرماید «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»^(۲) هنوز مبعوث نشد و بعد مبعوث شد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا چهل سالگی نبی بودند، ولی رسول نبودند. یعنی دستور بیان احکام را برای مردم نداشتند. ولی خودشان که عمل می کردند. وقتی انسان می بیند برنامه بهتری از برنامه ای که مکتب قبلی گفته وجود دارد، مسلماً به برنامه بهتر عمل می کند و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلماً به برنامه خودشان عمل می کردند. مطمئناً می توانیم بگوئیم نمازی که الان به ما حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور فرموده اند، خودشان قبلاً می خواندند و روزه را در همین مدت سال

⇒ بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۴۰۲ حدیث ۱ و جلد ۱۸ صفحه ۲۷۸، حدیث ۳۸ و جلد ۲۶ صفحه ۷۵ حدیث ۲۷.

۱- در تفاوت بین نبی و رسول روایات متعددی در اصول کافی جلد ۱ صفحه ۱۷۶ باب الفرق بین الرسول و الانبی و المحدث و هم چنین بحار الانوار جلد ۱۱ باب ۱ بعلاوه مباحث مفصلی آمده است.

۲- سورة مریم آیه ۳۰.

می گرفتند و به دین خودشان عمل می کردند. اما برای اینکه وحدت به هم نخورد، مشخص نمی کردند. البته دیگر چیزی باقی نمی ماند و در خیلی مشترکات با مسیحی ها با هم هستیم. هم ما و هم مسیحی ها می گوئیم ظلم بد است و عدل خوب است و اخلاق خوب است. اینکه به ما گفته اند تقیه کنید، انسان می تواند در بین جمعیتی باشد و آنها هیچ نفهمند که او مذهب دیگری دارد. چون عمده جدائی مذهب از مذهب در مسائل عبادی و شخصیت انسان و اخلاق انسانی است. در مسائل وجدانی که جدائی نداریم. همه مذاهب دنیا می گویند ظلم بد است. در کارهای اجتماعی همه با هم هماهنگی داریم. یک نفر می گفت یک ماه با یک هندو رفیق بودم، او نفهمید من مسلمانم. روزها دو سه ساعت با هم می نشستیم و حرفهای مان حرفهای اجتماعی بود، حرفهای دینی نبود. هندوها خیلی از ما جدا هستند. حتی قیافه شان در عبادت فرق دارد، تا چند روز پیشانی شان زرد می ماند، چون چیزی به پیشانی می مالند و وسطش هم خال قرمزی می گذارند و معلوم است، این فرد لااقل دو سه روز قبل عبادت کرده است. یک مسلمان هر سال یک ماه باید روزه بگیرد. ولی به هر حال می شود این جور برنامه ها را انجام داد و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به خصوص قبل از بعثت، بیشتر وقت شان را در غار حرا می گذراندند که جای دو نفر هم حتی نمی شود. غار حرا جای بسیار کوچکی است و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر آنجا بودند.



سؤال چهل و یکم:

خدای تعالی درباره نماز شب چه فرموده است؟

پاسخ ما:

خدای تعالی در قرآن درباره نماز شب می‌فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا»^(۱) نماز شب انسان را به مقام پسندیده شده می‌رساند.

یکی از بزرگان برداشت خوبی داشت می‌گفت هر کسی در هر کاری که باشد اگر به نماز شب ادامه دهد بزرگ آن کار می‌شود. مثلاً اگر طلبه نماز شب را مرتب بخواند (من فکر می‌کنم بالاترین مقام روحانیت مرجعیت نیست) اما این طوری که معروف است با خواندن نماز شب طلبه مرجع تقلید می‌شود. اگر کارمندی، کارمند درست و حسابی در اداره می‌شوی، اگر بقالی رئیس بقالها می‌شوی. به هر حال خواندن نماز شب انسان را به یک جای بالایی می‌رساند.

۱ - سوره اسراء آیه ۷۹.

سؤال چهل و دوم:

چرا فراگیری زبان عربی دارای اهمیت است؟

پاسخ ما:

اگر انسان معشوقی، محبوبی که همهٔ محبتش مال او، و شدید هم هست داشته باشد زمانی که از او نامه‌ای که به زبان دیگری نوشته باشد به دستش برسد اول نامه را روی سرش می‌گذارد بعد می‌بوسد و روی چشمش می‌گذارد. و در اولین فرصت یک مترجم پیدا می‌کند که بداند محبوبش، دوستش چه نوشته و بعد هم طبق دستورات او عمل می‌کند و اگر بنا باشد این نامه ادامه داشته باشد تصمیم می‌گیرد آن زبانی را که دوست و محبوبش برایش نامه می‌نویسد یاد بگیرد.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^(۱) علامت ایمان این است که خدا را از همه چیز بیشتر دوست داشته باشید. اهل ایمان تمام محبتشان آن هم شدید به خدا است. کلام خدای مهربان و عزیز عربی است.^(۲) زبان اهل بهشت عربی است،^(۳) زبان

۱ - سوره بقره قسمتی از آیه ۱۶۵.

۲ - سوره شعراء آیه ۱۹۵.

اولیاء خدا عربی است کتاب‌هائی که علمای بزرگ شیعه که همه اهل ایران بوده‌اند و فارسی زبان چون شیخ طوسی، شیخ صدوق و سید بحر العلوم و شیخ کلینی نوشته‌اند عربی است.^(۴) عجیب‌تر اینکه صحاح سته اهل سنت هم تمامش از علمای ایرانی بوده (صحیح بخاری، در آن وقت بخارا متعلق به ایران بوده، نسائی، ترمذی) همه اهل حدود ایران و فارسی زبان بوده‌اند و همه هم به عربی کتاب نوشته‌اند. حتی صاحب تفسیر کبیر که تفسیر بسیار مهم در اهل سنت است از فخر رازی است که اهل ایران و سمت شهر ری بوده که تفسیرش را به زبان عربی نوشته است.

خوب چرا ما باید این قدر بی‌حال باشیم؟ چرا اقلأً به اندازه یک سنی همت نداشته باشیم؟ چهارده معصومان علیهم‌السلام عرب هستند و عربی صحبت کرده‌اند. همین الان حضرت بقیة‌الله (ارواحنا فداه) زبان رسمی‌شان عربی است. بنابراین

۳- عن بعضهم قال كان خمسة من الأنبياء سريانين آدم و شيث و إدريس و نوح و إبراهيم و كان لسان آدم العربية و هو لسان أهل الجنة فلما عصى ربه أبدله بالجنة و نعيمها الأرض و الحرث و بلسان العربية السريانية و بحار الأنوار جلد: ۱۱ ص: ۵۶

۴- شیخ طوسی: ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» در خراسان در سال ۳۸۵ هجری متولد شد.

شیخ صدوق: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق» در سال ۳۰۵ هجری در شهر قم متولد شد.

سید محمد مهدی طباطبایی بروجردی معروف به «سید بحر العلوم» که اصالت اجدادی ایشان بروجردی ولی خود در کربلای معلا متولد شدند.

شیخ کلینی: ثقة الاسلام، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، در عهد امامت حضرت عسکری علیه‌السلام در روستای کلین در ۳۸ کیلومتری شهر ری متولد شد. و مانند اینها جناب رشید الدین محمد بن شهر آشوب مازندرانی در مازندران و حضرت علامه مجلسی در اصفهان متولد شدند.

بی‌همتی است که انسان زبان دینش را نداند، زبان قرآنش را نداند، و واقعاً طبق فرمایش خدای تعالی که می‌فرماید:

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ»^(۱) چون ما اهمیت به زبان خدا و قرآن نداده‌ایم پس اهمیت به خود خدا و حضرت پیغمبر ﷺ هم نداده‌ایم. بنابراین ما خوب است عربی را یاد بگیریم که هم نماز را بهتر درک کنیم و هم قرآن و دعاها و کلمات معصومین علیهم‌السلام بیشتر به دل و جان ما اثر کند.



سؤال چهل و سوم:

چرا در قنوت نماز وتر، جمله «هذا مقام العائذ بك من النار» گفته می‌شود؟

پاسخ ما:

«الصلوة معراج المؤمن» نماز وسیله عروج مؤمن به طرف پروردگار است. در نماز شب تو حرکت کرده‌ای و نماز شفع را خوانده‌ای در نماز وتر باید بگویی: «هذا مقام العائذ بك من النار» خدایا من در جائی ایستاده‌ام که آنهایی که پاک هستند و از آتش خودشان را نجات داده‌اند، آنهایی که به مقام عبودیت و بندگی رسیده‌اند، آنهایی که از صفات رذیله نجات پیدا کرده‌اند، آنهایی که موفق به تزکیه نفس شده‌اند می‌ایستند.

«هذا مقام العائذ بك من النار» باید به آن خدای مهربانی که همه به او پناهنده می‌شوند پناه برد.

در آیات قرآن و روایات مکرر در مکرر خدای تعالی و ائمه اطهار (علیهم السلام) می‌فرمایند: پناه به خدا برید. «قل اعوذ بربّ الناس»^(۱) «قل اعوذ بربّ الفلق»^(۲) «قَاذَا

۱ - سوره ناس آیه ۱.

قَرَأَتِ الْقُرْآنَ فَأَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^(۳) وقتی می‌خواهی قرآن بخوانی از شیطان به خدا پناه ببر.

پناهندگی انسان به خدا یکی از اساسی‌ترین چیزهای زندگی انسان باید باشد که از شر همه چیز باید به خدا پناه برد. بعد از زیارت آل یاسین عرض می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که «اعذه» خدایا امام زمان علیه السلام ما را خودت پناه بده، از پیش‌رو و از پشت‌سر، از بالای سر «واحفظه» حفظش کن. همه چیزها در دست خدا است و همه باید به ذات مقدس پروردگار پناهنده شوند. در نمازها می‌خوانیم که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خدایا ما از تو کمک و یاری می‌جوئیم، تنها تو یار و یاور ما هستی و خدای تعالی هم این پناهندگی را پذیرفته که در حدیث قدسی است که «و عزّتی و جلالی لأقطعنّ أمل کلّ مؤمل غیری بالیأس»^(۴) به عزت و جلالم قسم، اگر کسی را دوست داشته باشم، بخواهم رشدش دهم و به کمالاتش رسانم، اگر به چیزی امید داشته باشد امیدش را قطع می‌کنم غیر از خدا.

حضرت یوسف علیه السلام در میان زندان دو رفیق مشرک داشت که هم‌سلولی او بودند یک شب یکی از آنها خواب دید و گفت «إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا»^(۵) یعنی خمر تهیه می‌کند. دیگری خواب دید روی سرش طبّق نانی است که پرنده‌ها می‌آیند و آن ناناها را می‌برند. صبح به حضرت یوسف علیه السلام گفتند ما این طور خواب دیدیم. حضرت یوسف علیه السلام به آن یکی که در خواب دیده بود خمر تهیه می‌کند، گفت تو به دنیایی

۲ - سوره فلق آیه ۱.

۳ - سوره نحل آیه ۹۸ و امثال آن است سوره اعراف آیه ۲۰۰ و سوره غافر آیه ۵۶.

۴ - بحار الانوار جلد ۶۸ صفحه ۱۵۴.

۵ - «وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أُحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبَثًا يَتَّوِيلُهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ». سوره یوسف آیه ۳۶.



می‌رسی که دوست داری و از نزدیکان سلطان و ساقی خمر برای او خواهی شد. به دیگری هم گفت تو را دار می‌زنند و پرنده‌ها می‌آیند و از مغز سرت می‌خورند.^(۱)

همین طور هم شد فردا آمدند آن یکی را برای اعدام و این یکی را برای مقام قرب به سلطان بردند. حضرت یوسف علیه السلام به آن یکی که فکر می‌کرد نجات پیدا می‌کند رو کرد و گفت: «ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ»^(۲) مرا پیش مولای خودت یادکن هفت سال است که من در زندان فراموش شده‌ام، بگو یک چنین شخصی در زندان است شاید یادشان بیاید و پرونده مرا رو بگذارند و دادگاه مرا تعیین کنند و جرم مرا مشخص کنند. خدای تعالی به او وحی کرد و گفت ای یوسف چه کسی تو را از دست برادرهایت نجات داد؟ آنها می‌خواستند تو را بکشند، گفت خدا. چه کسی تو را از دست زنهای نجات داد؟ گفت خدا، چه کسی تو را از میان چاه نجات داد؟ گفت خدا. گفت چرا اینجا متوسل به غیر خدا شدی؟ چرا به او گفתי «ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ» اینجا یوسف علیه السلام اشکش درآمد.^(۳) زیرا برای تربیت لایق بود، هفت سال دیگر در زندان ماند.^(۴) خدا سر به سر ما نمی‌گذارد والا روزی هفت سال باید برای ما زندانی ببرد. حضرت یونس علیه السلام یک مختصر در تبلیغات و وظیفه تبلیغی‌اش کوتاهی کرد، اگر خدا را تسبیح نمی‌کرد برای او تا روز قیامت زندانی می‌بریدند.^(۵) اینها را خدا

۱ - سوره یوسف آیه ۴۱.

۲ - «وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا ادْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ»
سوره یوسف آیه ۴۲.

۳ - بحار الانوار جلد ۱۲ صفحه ۳۰۱ و تفسیر عیاشی جلد ۲ صفحه ۱۷۶.

۴ - عن ابی عبد الله علیه السلام قال فی قول الله عز و جل «فلبث فی السجن بضع سنین» قال سبع سنین (بحار الانوار جلد ۱۲ صفحه ۳۰۳).

۵ - سوره صافات آیات ۱۴۳ و ۱۴۴.

دوست‌شان دارد و می‌خواهد ساخته شوند.

من و شما را دوست دارد ولی نه آن‌طور، یعنی زمینه هم نداریم، کمی روی ما فشار بیاید می‌گوئیم از روزی که در این راه آمده‌ایم جز بدبختی و بیچارگی و ناراحتی چیزی ندیدیم. یقیناً این وسوسه شیطان و القاء او است.

کمی در خودت فرو برو بین ناراحتیها و بدبختیهای در اثر چیست؟ تو آمدی با خدا تعهد کردی «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»^(۱) هر روز ده مرتبه گفتی: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و عهدشکنی کردی، خدای تعالی می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۲) دعا کن تا من اجابت کنم. در جای دیگر می‌فرماید: «فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»^(۳) مرا یاد کن تا من هم تو را یاد کنم. با من خوش رفتاری کن تا من هم با تو خوش رفتاری کنم. تو به عهدت وفا کن تا من هم به عهدم وفا کنم. «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^(۴)، آیا جزای خوبی غیر از خوبی است؟ «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^(۵) جزای بدی هم بدی است. ولكن خدای تعالی از بیشتر اشتباهات و لغزش‌های ما می‌گذرد «وَيَغْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»^(۶).

۱ - سوره یس آیه ۶۰.

۲ - سوره غافر آیه ۶۰.

۳ - سوره بقره آیه ۱۵۲.

۴ - سوره بقره آیه ۴۰.

۵ - سوره الرحمن آیه ۶۰.

۶ - سوره مائده آیه ۱۵ و سوره شوری آیه ۳۰.

سؤال چهل و چهارم:

درباره این حدیث توضیح دهید اگر خواستید به نماز بایستید و نماز خوبی بخوانید به عظمت روحی امام علیه السلام فکر کنید بعد بگویید خدایی را عبادت می‌کنم که این را خلق کرد.

پاسخ ما:

حدیثی در کتاب فقه الرضا علیه السلام به مضمون بالا دیده‌ام که متصوفه از آن سوء استفاده کرده‌اند.^(۱) ولی در مورد حدیث باید گفت برای اینکه انسان توجه بیشتری به خدای تعالی پیدا کند یکی از ائمه اطهار علیهم السلام را در نظر بگیرد و بگوید پروردگار من آن کسی است که این موجود با عظمت را خلق کرده است اما دچار غلو نشوید. حتی در حرم ائمه اطهار علیهم السلام که می‌خواهید زیارت جامعه کبیره بخوانید در سه مرحله صد مرتبه «الله اکبر» می‌گویید تا دچار غلو نشوید یک کلامی در این زیارت هست که بدون این الله اکبرها مبتلا به غلو می‌شود «ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه»^(۲) اگر خیری ذکر شود شما خاندان عصمت علیهم السلام اول و فرع و اصل آن خیر هستید.

۱ - فقه الرضا، علیه السلام و انو عند افتتاح الصلاة ذکر الله و ذکر رسول الله ص و اجعل واحداً من الائمة علیهم السلام نضب عینیک. مستدرک الوسائل جلد: ۴ ص: ۱۳۲

۲ - بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۱۳۱ و مفاتیح الجنان.

سؤال چهل و پنجم:

چرا در نماز جماعت باید صف منظم و آراسته باشد؟

پاسخ ما:

صف جماعت باید مانند صفی باشد که در دعای عهد می خوانیم خدایا ما را جزو آنهایی قرار ده که در قرآن وصف شان کردی «صَفَّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ»^(۱) مرصوص دیوار بتونی است یعنی محکم باشد،^(۲) که نشانگر جنبه های روحی مسلمان است یعنی وقتی در صف جماعت می ایستید نمونه صف بندی شما در مقابل دشمن است اگر جمعیتی را ببینید که عقب و جلو ایستاده اند یکی دیر، یکی زود آمده، سجده ها نامنظم باشد، نشانه این است که صف خیلی محکم نیست اما اگر یک دسته سرباز طوری پهلوی هم بایستند که کسی نتواند از وسط آنها عبور کند و همه مقید باشند در یک وضع خاصی بایستند می گوئید اینها منسجم اند. لذا نماز جماعت را باید خیلی مقید بود صفش منظم و آراسته باشد.^(۳)

۱ - سوره صف آیه ۴.

۲ - مجمع البحرین ذیل رصص فی قوله تعالی «کانهم بنیان مرصوص» ای لاصق بعضه ببعض. رصص: رصّ البنیان یرصه رصا...أحکمه و جمعه و وضعه بعضه الی بعض و کل ما احکم و ضم فقد رص.

۳ - در مستحبات جماعت فرموده اند: اقامة الصفوف و اعتدالها و سد الفرج الواقع فیها، و المحاذاة بین المناكب. (المستمسک العروة جلد ۷ صفحات ۳۵۶ و ۳۵۷).

سؤال چهل و ششم:

سجده و خصوصیات آن را بیان فرمائید.

پاسخ ما:

در قرآن کریم آمده است که هر چیزی برای خدای تعالی سجده می‌کند^(۱) و اگر بخواهیم سجده را ترجمه کنیم، سجده یعنی نهایت درجه خضوع یک موجود در مقابل موجود دیگر.^(۲) منتهی هر موجودی نهایت درجه خضوعش فرق می‌کند، در انسان‌ها نهایت درجه خضوع به این نحو است که پیشانی که بالای چشم‌ها قرار دارد و جزء سر انسان است بر پست‌ترین چیزها که خاک باشد گذاشته شود.

در ذکر سجده به دو موضوع مهم اشاره می‌شود اول «سبحان الله» و دوم اینکه «الحمد لله»، به خصوص «سبحان الله» که خداوند را از هرگونه عیب و نقص و هرگونه ظلم و ستمی پاک دانستن و تسبیح و تحمید خداوند را کردن و این دو موضوع خیلی پر اهمیت است برای اولیاء خدا و عرفا و آنهایی که با خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام نزدیک هستند.

۱ - وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ. سوره نحل ایه ۴۹.

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظُلُمًا ۖ لَّهُمْ بَالُغَةٌ ۚ وَالْأَصَالِ. سوره رعد ایه ۱۵.

۲ - عن مجمع البحرين: وقد تكرر في الحديث ذكر السجود وهو في اللغة الميل والخضوع والتطامن والاذلال.

تسبیح و تحمید بحث مفصل دارد و آنهایی که به مرحله اخلاص و فناء فی الله و توحید کامل رسیدند یکی از کارهایشان که دائمی است مسأله تسبیح و تحمید است.

و کلاً سجده حتماً باید در مقابل خدا باشد، چرا که بالاتر از سجده کمال خضوعی نیست و اگر برای غیر خدا انجام شود دیگر برای خدا چیزی باقی نمی ماند.

محبت درجه نهایی آن باید مال خدا باشد، خضوع درجه نهایی آن باید مال خدا باشد، نهایت درجه تعظیم باید مال خدا باشد و همچنین هر چیزی که خوب است باید در مقابل بزرگی انجام شود و چون خداوند بزرگ تر از آن است که وصف شود بنابراین سجده و هرگونه خضوعی مخصوص خدا است.

شاید این سؤال پیش بیاید که اگر سجده نهایت درجه خضوع است و اگر مخصوص خدا است پس چرا ملائکه برای حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) سجده کردند؟^(۱) و یا دیگر سؤال اینکه چرا ما در نماز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سجده می کنیم که روایات متعددی دارد که اگر سندش صحیح نباشد ولی مستفیض است که این طور در روایت است که اگر انسان حاجتی دارد نزد خدای تعالی دو رکعت نماز بخواند و سپس در سجده ذکر «یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی» را پنجاه مرتبه بگوید.^(۲)

پس معنا ندارد که انسان خطاب به کسی بکند و سجده اش برای کس دیگر باشد

۱ - سوره بقره آیه ۳۴.

۲ - مستدرک الوسائل جلد ۶ صفحه ۳۱۳ و بحار الانوار جلد ۹۱ صفحه ۳۰ و جلد ۹۹ صفحه ۲۵۴ و البلد الامین صفحه ۱۵۹.

بنابراین سجده برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

با بیانی دیگر شاید این مطلب خوب مشخص شود.

گاهی می شود یک آینه تمام قد را در مقابل شخصی قرار می دهیم و چهره این شخص در آینه منعکس می شود و چون چهره خود طرف است چه به خود طرف نگاه کنید و صبحت کنید و چه به آینه هیچ فرقی نمی کند چرا که هر دوی آنها یک نفر را مشخص می کند، پس بنابراین می توان این طور بیان کرد که گاهی می شود یک موجود آن چنان آینه تمام نمای پروردگار باشد که در این بُعد اگر به او سجده کنید مثل این است که به خدا سجده کردید. چرا که خداوند این اجازه را داده است.

در آیاتی از قرآن شریف است که خداوند تصریح فرموده است که «اسْجُدُوا لِآدَمَ»^(۱) خطاب به ملائکه است که سجده کنید برای حضرت آدم علیه السلام در این جا مشخص می شود که این سجده برای حضرت آدم علیه السلام بوده است چون خطاب خیلی صریح و واضح است.

چون حضرت آدم علیه السلام خلیفه الله است و آینه تمام نمای الهی است و ملائکه هر چه زحمت بکشند نمی توانند به این مقام برسند که حضرت آدم علیه السلام رسیده است لذا خداوند می فرماید سجده کنید برای آدم.

اگر تمام فیلسوف های جهان بیایند و بخواهند آن معارفی که خداوند به حضرت آدم علیه السلام تعلیم داد فرا بگیرند نمی توانند بدون راهنمایی پروردگار این معارف را کسب کنند و اگر همین مطالبی که از معارف و اسماء و نشانه های الهی است خداوند به ملائکه شرح بدهد آنها نمی فهمند چرا که استعدادشان محدود است، حتی به

۱- این عبارت در پنج مورد در قرآن کریم تکرار شده است.

جبرئیل که واسطه وحی بین حضرت رسول اکرم ﷺ و خدا است از روایات استفاده می شود که نمی تواند درک کند^(۱) البته جبرئیل سید ملائکه است.^(۲) ولی آن فهمی که حضرت رسول اکرم ﷺ از آیات دارند ایشان ندارد و نمی تواند عمق مطالب را درک کند^(۳) بنابراین سجده برای حضرت آدم ﷺ چون از ناحیه خداوند است و چون حضرت آدم ﷺ خلیفه الله است و آینه تمام نمای الهی است هیچ منافاتی با این مسأله ندارد که هرگونه خضوع که مخصوص پروردگار متعال است را ملائکه برای حضرت آدم ﷺ انجام دهند.

-
- ۱- در مورد شناخت خلقت و وظایف و حقیقت ملائکه مطالبی همراه مدارک آنها در کتاب «در محضر استاد» جلد ۲ صفحات ۲۲۸ الی ۲۵۰ از همین مولف آمده است.
 - ۲- عن سلمان الفارسی رضي الله عنه قال كنا عند رسول الله أنه ما أنزل الله كتابا ولا خلق خلقا إلا جعل له سيدا فالقرآن سيد الكتب المنزلة و جبرئيل سيد الملائكة أو قال إسرافيل وأنا سيد الأنبياء بحار الأنوار. جلد: ۲۷ ص: ۱۲۸
 - ۳- فلما بلغ إلى سدة المنتهى فانتهى إلى الحجب فقال جبرئيل تقدم يا رسول الله ليس لي أن أجوز هذا المكان و لو دنوت أنملة لاحترقت. بحار الأنوار جلد: ۱۸ ص: ۳۸۲

سؤال چهل و هفتم:

شخصی که فقط به جهت این که نماز خوانهای بد دیده، نماز نمی‌خواند ولی معتقد است و خواب‌های خوب از ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌بیند آیا این خواب‌ها دلیل خوبی او است؟

پاسخ ما:

یک نصیحت کلی به افرادی که دین‌شان را از مردم اقتباس می‌کنند بگویم اگر بگویم چون مردم بد هستند پس دین هم بد است این فکر غلطی است، چون هیچ وقت انسان عاقل نباید یک مکتب را از افرادش بشناسد گاه بعضی مکاتیب را انسان تا اساسنامه‌اش را ندیده نمی‌تواند بگوید و اظهارنظری درباره‌اش بکند، اسلام را با مسلمانها نمی‌شود شناخت بلکه هر کسی با اسلام تطبیق کرد مسلمان است چون عده‌ای نمازخوان اعمال بد دارند پس نماز بد است این فکر غلط است. باید به اصل مکتب مراجعه کرد اگر کسی این طور بود ضعف او است و این حرف غلط است. بدانید همه افراد بشر که روی کره زمین هستند مورد لطف خدای تعالی و ائمه علیهم‌السلام روی یک بُعد هستند اگر خدا دوست نداشت غذا، لباس، زندگی، خانه به آنها نمی‌داد و اما اینکه خواب خوب می‌بیند ما نمی‌توانیم بگوییم نمازی که در قرآن با آن شدت گفتند بخوانید هر که نخواند خواب خوب می‌بیند. اما گاه افراد با

این خوابها هدایت می‌شوند و آن کس که هدایت شده دلیلی ندارد خواب ائمه اطهار علیهم‌السلام را ببیند از این جور افراد زیاد بودند که با یک خواب، یک اظهار محبت ائمه اطهار علیهم‌السلام بیدار شدند. احتمال دومی هم هست که خواب پنجاه درصدش تخیلات است بعضی دانشمندان غربی معتقدند خواب صددرصد تخیل است اما ما این را نمی‌گوییم چون رؤیاهای صادقه هم هست در قرآن هم بوده و تعبیر شده است ولی اقلش این است که پنجاه درصد آنها تخیلات روزانه است این آدمی که اعتقاداتش خوب است و محبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام دارد با همان تخیلات که دارد می‌خوابد و خواب می‌بیند.

لذا خواب هیچ دلیل بر حقایقی نیست جریان علامه حلی است که در مسجد درس می‌داده دیوانه‌ای وارد می‌شود و چون روایتی است که دیوانه و بچه نابالغ را در مسجد راه ندهید علامه او را بیرون می‌کند شب در خواب می‌بیند آقایی (از همان آقاها که اگر ما ببینیم برای مان حجت است) به او می‌گوید چرا دیوانه را بیرون کردی و فردا باز سر درس آن دیوانه می‌آید و دوباره علامه بیرون می‌کند باز شب در خواب می‌بیند و روز سوم هم تکرار می‌شود شب سوم که خواب می‌بیند به آن آقا عرض می‌کند چون روایت داریم دیوانه را در مسجد راه ندهید شما هزار بار هم که در خواب به من بگویی باز من برای هزار و یکمین بار بیرونش می‌کنم و خواب هم حجت نیست و آن آقا می‌گوید «انت المحقق».

حال خواب هیچ دلیلی نمی‌شود میزان نیست. دستورات دین و شرع میزان است.

سؤال چهل و هشتم:

آیا نماز در معابر عمومی صحیح است؟ آیا این کار تبلیغ درستی برای مسأله نماز است؟

پاسخ ما:

در معابر عمومی نماز در مرحله اول جایز نیست چون طبعاً سد معبر می شود مگر جایی باشد که خلوت باشد یا وقت نماز تنگ باشد و انسان وقت نداشته باشد یا لااقل مزاحمتی در رفت و آمدها نداشته باشد و کراهت دارد در رودخانه حتی در تابستان یا در زیر دیوار شکسته نماز خواندن یا جایی که احتمال دارد ماشین حرکت کند و در بعضی جاها که حرام است.^(۱) اما در مواردی مانند نماز جمعه که مثلاً در تهران در دانشگاه تهران و خیابانهای اطراف خوانده می شود چون دستور ولی فقیه است و او می تواند حکم به چنین مسائلی بکند اشکال ندارد در واقع اگر کمی فکر کنیم اولاً در تهران مثلاً جایی که این همه جمعیت بروند نماز بخوانند نداریم و این نماز جمعه از نظر سیاسی و دینی و تبلیغاتی برای ما مهم است سنی ها نمازشان را در مسجدالحرام در همه جا نشان می دهند و یک تبلیغ سوء هم بر علیه شیعه

۱ - مستمسک العروة الوثقی جلد ۵ صفحه ۴۱۴.

کرده‌اند که شیعیان نماز جماعت نمی‌خوانند. خوب اگر ما نماز جمعه را بخوانیم این نشان می‌دهد که ما هم نماز را به جماعت بر پا می‌کنیم و ولیّ فقیه این قدرت و ولایت را دارد که در جایی که صلاح بداند خلاف امور عادی دستور بدهد، مثلاً یک خیابانی می‌خواهد ساخته شود یک خانه مانع هست هر چه هم پول می‌دهند صاحب آن راضی نمی‌شود ولیّ فقیه می‌تواند اجازه دهد در آن خانه تصرف کنند. اینها از اختیارات ولیّ فقیه است و لازمه حکومت هم هست.

سؤال چهل و نهم:

«الوضوء سلاح المؤمن» یعنی چه؟

پاسخ ما:

وضو سلاح مؤمن است. تعبیرات مختلفی در مورد وضو در روایات هست «الوضوء علی الوضوء نور علی نور»^(۱) هر کس با وضو بخوابد ولو تا اذان صبح خواب باشد مثل این است که تا صبح عبادت کرده است.^(۲)

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدای تعالی نقل می کنند که هر کس حدثی از او سر زد و وضو نگیرد به من جفا کرده و هر کس وضو بگیرد و دو رکعت نماز نخواند به من جفا کرده و هر کس دو رکعت نماز بخواند و از من چیزی نخواهد به من جفا کرده و هر کس این کار را بکند و من به او ندهم من به او جفا کردم و من خدای جفاکاری نیستم.^(۳)

۱ - من لا یحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۴۱.

۲ - این مطلب در مضمون حدیثی از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است. بحار الانوار جلد ۷۳ صفحه ۱۸۲ حدیث ۳۰۱.

۳ - وسائل الشیعه جلد ۱ صفحه ۳۸۲ حدیث ۱۰۱۰ و بحار الانوار جلد ۷۷ صفحه ۳۰۸ حدیث ۱۸.

سؤال پنجاهم:

«وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ» یعنی چه؟ و اهمیت خواندن نماز و فضیلت آن را بیان فرمائید.

پاسخ ما:

یعنی نماز را برپا دارید. برپا داشتن نماز یکی از صفات بسیار بزرگ ائمه اطهار علیهم السلام است ^(۱) از همه ما خواسته‌اند که نماز را برپا بداریم.

نماز خواندن با نماز بیاداشتن فرق دارد. نماز خواندن معنایش این است که انسان نماز می‌خواند و از بزرگ‌ترین مسائل زندگی انسان نماز است. کسی که نماز نمی‌خواند این شخص طبق روایت در یک مرحله از کفر قرار گرفته است. ^(۲)

کسی که نماز را عمدآگاهی خوابش می‌برد مسامحه می‌کند او مشمول شفاعت اهل بیت علیهم السلام واقع نمی‌شود.

طبق روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده که شفاعت ما خاندان عصمت علیهم السلام هرگز به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد. سبک شمردن

۱ - ابن عباس عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا قَالَ إِنَّمَا يَعْني أَوْلَى بِكُمْ أَيُّ أَحَقُّ بِكُمْ وَ بِأُمُورِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا يَعْني عَلَيَّا وَ أَوْلَادَهُ الْأَئِمَّةَ عليهم السلام إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ وَصَّاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ.

الكافي جلد: ۱ ص: ۲۸۸

۲ - عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ. (بحار الانوار جلد ۳۰ صفحه ۶۷۳ و عوالی اللئالی جلد ۲ صفحه ۲۲۴).



معنایش این است که اهمیّت به نماز ندهد. (۱)

روایت در این خصوص زیاد است. اجمالاً علامت انسان مسلمان خواندن نماز است. این نماز برنامه زندگی او است که در لابلای زندگی انسان گذاشته‌اند تا انسان را کنترل کند. اگر کسی نماز درستی بخواند در صراط مستقیم واقع می‌شود. نماز معراج مؤمن است، (۲) وسیله‌ای برای بالارفتن مؤمن است، (۳) یعنی اگر قبل از نماز در یک مرحله‌ای از کمال بودی باید بعد از نماز یک مرحله‌ای از کمال را طی کرده باشی و یک قدم بالاتر گذاشته باشی.

نماز افراد با تقوی را به خدا نزدیک می‌کند، (۴) نزدیکی معنایش این نیست که خدا از نظر مکانی در یک جا است انسان می‌رود به خدا نزدیک می‌شود. تقرب الی الله معنایش این است که انسان از نظر صفات روحی و کمالات روحی به خدا نزدیک بشود، قرب الی الله پیدا کند. قرب الی الله یعنی متخلق به اخلاق الله بشود، اگر صفت رذیله‌ای در او هست از بین برود هر چه انسان صفات رذیله بیشتر داشته باشد به حیوانات و شیطان نزدیک‌تر است و هر چه صفات رذیله در او کمتر باشد و از صفات رحمانیه و الهی در او پیدا بشود به خدا نزدیک‌تر است. اصلاً معنی قرب الی الله این است که می‌فرمایند: «الصلاة قربان کل تقی» (۵) نماز نزدیک کننده هر

۱ - أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السلام إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْوَفَاءَ قَالَ لِي يَا بُنَيَّ إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ.

الکافی جلد: ۳ ص: ۲۷۰

۲ - الصلاة معراج المومن. (بحارالانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۳).

۳ - الصلاة قربان کل تقی. (بحارالانوار جلد ۷۲ صفحه ۶۰).

۴ - الصلاة قربان کل تقی. (بحارالانوار جلد ۷۲ صفحه ۶۰).

۵ - عن ابی الحسن الرضا عليه السلام: الصلاة قربان کل تقی (کافی جلد ۳ صفحه ۲۶۵ و من لا یحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۲۱۰ حدیث ۶۳۷).

شخص با تقوی به خدا است. بنابراین نماز خواندن از ارکان دین است و نماز پایه دین است. «الصلاة عمود الدین»^(۱) اگر نماز قبول شود و انسان نماز را درست بخواند چون برنامه زندگی است بقیه کارهایش هم قبول است.^(۲) یکی از فزایندهائی که در زیارت حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام می خوانیم این است، شهادت می دهیم که تو نماز را پیاداشتی «اشهد انک قد اقمت الصلاة». نمی گوئیم شهادت می دهیم که نماز خواندی. چرا؟ چون برپا داشتن نماز و به دستورات نماز عمل کردن و مردم را معتقد و با تقوی کردن و در آنها تزکیه نفس به وجود آوردن که در نتیجه آن مردم خودشان نماز را بخوانند، این اهمیت دارد.

بهترین انسان آن کسی است که مردم را دعوت به خدا بکند و یک نمازخوان را نمازخوان کند.

یک وقت انسان می رود مسجد نماز می خواند ولی یک وقت خانواده فرزندان را وادار به نماز می کند و یا برای نماز تبلیغات می کند، نماز جماعت برپا می کند. چنین کسی اقامه نماز کرده است. و کسی را که طبق برنامه الهی کار نمی کند، او را طبق برنامه الهی وادار به کارش کند. تمام سخنانی که در عالم هست اگر شما بخواهید پهلوی هم بگذارید و ببینید پرارزش ترین سخن کدام است، آن سخن که طبق آیه شریفه قرآن این است که مردم را به سوی خدا دعوت کنید که بهترینش نماز است.^(۳)

۱ - عن ابی جعفر علیه السلام الصلاة عمود الدین الروایه (وسائل الشیعه جلد ۴ صفحه ۲۷).

۲ - عن ابا جعفر علیه السلام اَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا الْكَافِي جلد: ۳ ص: ۲۶۸

۳ - سوره فصلت آیه ۳۳.

سؤال پنجاه و یکم:

سه سلام آخر نماز را توضیح دهید و سلام‌ها شامل چه

کسانی می‌شود؟

پاسخ ما:

سه سلام در آخر نماز می‌دهیم در آیه شریفه: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(۱) ناظر به تشهد سلام است واجب این آیه در تشهد نماز است «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا»^(۲) واجب این آیه هم در نماز است و مستحبش در غیر نماز است واجب است وقتی امام جماعت سوره حمد قرائت می‌کند گوش دهید آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» واجبش در نماز است بعد از «صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» سلام بدهید به حضرت پیامبر ﷺ که این آیه هم واجبش در نماز است که تمام مسلمان‌ها این سلام را دارند منتهی نحوه آن

۱ - سوره احزاب آیه ۵۶.

۲ - سوره اعراف آیه ۲۰۴.

در سنی^(۱) و شیعه فرق دارد در نماز داریم که «قال التکبیر قال ما تحلیها قال التسلیم» اولش تکبیرة الاحرام و آخرش سلام است^(۲) این سه تا الله اکبر جزء نماز نیست تعقیب مستحب نماز است. مثل تسبیح حضرت زهرا علیها السلام و اگر در نماز مستحبی به قصد ورود بگوید حرام است و پایان دهنده نماز نیست در آخر نماز سه تا سلام می دهیم «السلام علیک ایها النبی» که این همان دستور قرآن است که معلوم است سلام بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است «وسلموا تسلیما».

«السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» سلام بر ما و بر بندگان صالح پروردگار که آل محمد صلی الله علیه و آله هستند چون وقتی سلام بر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داده می شود باید بر آل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله هم سلام داد. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لا تصلوا علی صلوٰة مبتورة»^(۳) یعنی بر من صلوات بترأ نفرستید و سؤال شد «ما الصلوٰة البترأ» صلوات بترأ چیست؟ حضرت فرمودند یعنی این که به من صلوات و سلام کنید ولی به آل من نفرستید. بنابراین همان طور که در صلوات می گوئیم در

۱ - در فرائض نماز اهل سنت چنین می گویند: «و منها الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله فی التشهد الاخر، و افضلها ان یقول: اللهم صل علی محمد و آل محمد، كما صلیت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد كما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم فی العالمین انک حمید مجید» و هذه الصیغة سنة عند المالکة و الحنفیة اما الشافعیة و الحنابلة فانظر مذهبهم تحت الخط. که در باورقی در مورد شافعیه می گوید: «الصلاة علی النبی صلی الله علیه و آله فی التشهد الثانی فرض» در این مورد حنابلة می گویند: «والافضل عند الحنابلة ان یقول: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد كما صلیت الی اخره». (کتاب الفقه علی المذاهب الاربعة جزء الاول صفحات ۲۶۱ و ۲۶۲).

۲ - عن زین العابدین علیه السلام الرجل سأله عن الصلاة... ما افتتاحها قال بسم الله التکبیر الی قوله، قال ما تحریمها، قال التکبیر قال ما تحلیها قال التسلیم. (بحار الانوار جلد ۸۱ صفحه ۲۴۴ حدیث ۳۵).

۳ - رسول الله صلی الله علیه و آله قال لا تصلوا علی صلاۃ مبتورة بل صلوا الی اهل بیتی و لا تقطعوا عنهم فان کل نسب و سبب یوم القيامة منقطع الا نسبی. وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۰۷ باب ۴۲ حدیث ۹۱۲۷



سلام هم باید آل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ضمیمه کنیم که این سلام هم شامل آل است و هم مؤمنین صالح و حتی بعضی گفتند آل شامل همه پیروان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می شود روایتی است که هر که پیروی آن حضرت را بکند آل است «کلّ تقیّ آلی»^(۱) اگر این باشد شامل بندگان صالح و ما که نماز می خوانیم هم می شود «السلام علیکم ورحمة الله و برکاته» که سلام آخر است همه متفق اند سلام به ملائکه است ظاهرش این است که بر ملائکه ای که موکل بر ما هستند سلام می دهیم حتی سنیها بر می گردند به طرف راست و چپ سلام می کنند یعنی به ملائکه راست و چپ رسماً محسوس سلام می کنند البته استحبابی دارد تمایل به راست پیدا کردن، تا خوب ملائکه بیشتر مواظب ما باشند و سلام کلام آدمی است و اگر وسط نماز عمداً بگویید نماز باطل است و ختم نماز با سلام است.

۱ - بحار الانوار جلد ۹۱ صفحه ۲۶۲، مطالب مفصلی در معنای آل در کتاب انوار الزهراء علیه السلام از همین مولف صفحه ۱۱۰ و بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۲۱۶ آمده است.

سؤال پنجاه و دوم:

«الله اکبر» یعنی چه؟

پاسخ ما:

«الله اکبر» یعنی خدا بزرگتر است از آنچه که مردم خواه، فلاسفه باشند یا علماء و دانشمندان و یا هر کس دیگر او را وصف می‌کنند. (۱)

فلاسفه از فکر خود استفاده می‌کنند در حالی که ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند که باید بیایند به ما بگویند خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» (۲) خدا از آنچه که مردم وصف بکنند منزّه است حتّی اگر گفتید خدا آن خدایی است که آسمان و زمین را خلق کرده خدا را کوچک کرده‌اید. مهندسی که برای بچه بادبادک درست می‌کند و قادر است سفینه بسازد شما اگر کار کوچک او را یعنی ساخت بادبادک است، دیدید و بگوئید این آقای مهندس این قدر مهم است که برای فرزندش بادبادک درست می‌کند به او توهین کرده‌اید.

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَجُلٌ عِنْدَهُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ فَقَالَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَدَّثَنِي فَقَالَ الرَّجُلُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلِ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ الكافي ج ۱ ص ۱۱۷ باب ۳۳ معاني الأسماء و اشتقاقها...

۲ - سورة صفات آیه ۱۵۹.

شما می دانید خدا چه قدرتی دارد؟ قدرت پروردگار بی نهایت است آسمان و زمین در مقابل عظمت قدرت پروردگار، از آن بادیادک هم کمتر است شما اگر گفتید خدا آن خدایی است که آسمان و زمین را خلق کرده عین همان است. «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» حضرت پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «ما عرفناك حقَّ معرفتك»^(۱) هر کس به اندازه عقل و درک خودش خدا را می شناسد والا انسان کجا می تواند خدای با عظمت را درک کند لذا بگو: «اللَّهُ اکبر».

«ما لثراب وربّ الارباب»^(۲). خاک چطور می تواند رب الارباب، یعنی کسی که همه موجودات را ایجاد کرده و قادر است صدها برابر آنچه ایجاد کرده باز هم ایجاد کند، را وصف کند.

۱ - بحار الانوار جلد ۶۶ صفحه ۲۹۱ و جلد ۶۸ صفحه ۲۳.

۲ - «ربّ الارباب» برای خدای تعالی زیاد در ادعیه و روایات آمده است. به عنوان نمونه بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۱۳۱ و جلد ۶۶ صفحه ۲۳۶.

سؤال پنجاه و سوم:

معنای تکبیره الاحرام چیست؟

پاسخ ما:

تکبیره الاحرام یعنی الله اکبری که انسان بوسیله آن مُحَرَّم می شود. ^(۱) احرام هر چیزی مربوط به خودش است شما اگر بخواهید مکه مشرف شوید و اعمال حج یا عمره انجام بدهید باید مُحَرَّم شوید یعنی احرامی ببندید و بیست و دو چیز را بر خود حرام کنید تا بتوانید به سوی خانه خدا یا اعمال حج بروید احرام حج هم تکبیر دارد منتهی با کلمه «لَبَّيْكَ» شروع می شود.

در تکبیره الاحرام انسان چند چیز را بر خود حرام می کند بعضی گفته اند اینکه می گویند دست را تا مقابل گوش بالا بیاور و الله اکبر بگو، معنایش این است همه چیزهایی که مربوط به خدا است را از ذهنت بیرون بیاور. وسایل حواس پرتی را هم از خود دور کن به سه جهت نگاه نکن. جای سجدهات را نگاه کن، حواست پرت نباشد و فکرت را به معانی کلمات بده. ^(۲)

۱ - دَعَا نِمْ الْإِسْلَامَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَفْتَتَاحُ الصَّلَاةِ تَكْبِيرَةُ الْإِحْرَامِ فَمَنْ تَرَكَهَا أَغَادَ وَ تَحْرِيمُ الصَّلَاةِ

التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ. مستدرک الوسائل ج: ۴ ص: ۱۳۷

۲ - المستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۲۷۵.



سؤال پنجاه و چهارم:

ذکر اکبر کدام است؟ قرآن مجید یا نماز؟

پاسخ ما:

ظاهراً سؤال شما در مورد «و لذكر الله اكبر»^(۱) است که آیا قرآن است یا نماز؟
ظاهرش این است که منظور نماز است.

۱ - اِنَّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. سوره عنكبوت ایه ۴۵.

سؤال پنجاه و پنجم:

اگر در نماز انسان از خوف خدا گریه کند و حواسش پرت شود

حکم چیست؟

پاسخ ما:

اگر حواس پرت شود گریه از خوف خدا نیست. گریه می‌کند تا حواسش جمع شود. اگر برای غیر خدا باشد حواسش پرت می‌شود و گرنه توجه او باید بیشتر شود. (۱)

۱ - در جواز استحباب گریه از خوف خدا در نماز به این منابع رجوع بفرمائید: المستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۲۸۵ الی ۲۸۶ و الوسائل جلد ۶ صفحه ۱۵۲ و بحار الانوار جلد ۸۲ صفحه ۲۴ و قرب الاسناد صفحه ۹۳ و وسائل علی بن جعفر صفحه ۱۶۷.



سؤال پنجاه و ششم:

در نماز یومیه زیاد دچار شک می‌شوم فقط گاهی که حال توجهی دارم شک نمی‌کنم بفرمائید چکار کنم؟

پاسخ ما:

هر چیزی که انسان کم آن را بتواند پیدا کند از زیاد کردن آن می‌تواند تمام آن را به دست آورد. شما وقتی آرام هستید گرفتاری و فشار روحی کم دارید توجه در نماز بیشتر دارید همین آرامش و احوال خوش را زیاد کنید، کم‌کم هیچ شک نمی‌کنید شک از شیطان است.^(۱) در اصول کافی و بحار باب عقل و جهل داریم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام برای هشام جنود عقل و جهل را تقسیم کردند که جهل شیطان است و عقل کل که «اوّل ما خلق الله نوری»^(۲) یعنی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۱ - عَنْ زُرَّارَةَ وَ أَبِي بصيرٍ قَالَا قُلْنَا لَهُ الرَّجُلُ يَشْكُ كَثِيرًا فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى وَلَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ قَالَ يُعِيدُ قُلْنَا لَهُ فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا عَادَ شَكَّ قَالَ يَمْضِي فِي شَكِّهِ ثُمَّ قَالَ لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ يَنْقُضِ الصَّلَاةَ فَتُطْمَعُوهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوِّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوُحْمِ وَلَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ قَالَ زُرَّارَةُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا يَرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَيْ أَحَدِكُمْ. الكافي جلد: ۳ ص: ۳۵۸

۲ - بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۹۷ حدیث ۷ ضمناً در کتاب «در محضر استاد» جلد ۲ صفحه ۳۶ از همین مولف بحث مفصلی در مورد عقل همراه با روایات متعدد آن آمده است.

هر چه انسان آینه قلبش رو به طرف شیطان و جهل بیشتر باشد جهلش بیشتر است و هر چه آینه قلبش رو به طرف حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر باشد عقلش بیشتر است. یکی از جنود شیطان شک است ^(۱) که با وسوسه شک ایجاد می کند اگر انسان در حال نماز حواسش پرت نشود کمتر شک می کند.



سؤال پنجاه و هفتم:

توجه در نماز یعنی چه لطفاً توضیح دهید؟

پاسخ ما:

بعضی فکر می‌کنند توجه به نماز یعنی توجه به خدا و چطور توجه به خدا کند؟ اگر خدا را تجسم کند شرک است و دستور هم نیست که به ذات خدا متوجه باشیم دستور است به معانی کلمات توجه پیدا کنیم در این صورت به خدا هم توجه پیدا می‌کنیم.^(۱)

۱- در مورد توجه در نماز از همین مؤلف در کتاب «حَلّ مشکلات دینی» صفحه ۴۰ و ۴۱ به طور مفصّل بیان شده است. توجه و لحاظ معانی آن چه که قرائت می‌شود در ششمین مورد از مستحبات قرائت همراه با مدارک آن در المستمسک العروة جلد ۶ صفحه ۲۷۵، آمده است.

سؤال پنجاه و هشتم:

آیا شهادت به ولایت جزو اذان و اقامه هست یا خیر؟

پاسخ ما:

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خاص از جمله سلمان و ابوذر فرموده بودند که در اذان به ولایت شهادت بدهید.^(۱) به دلیل این روایت شهادت به ولایت حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام جزو اذان است. آیا شما شهادت نمی‌دهید که حضرت علی علیه السلام ولی خدا است؟

انسان چه دلیلی دارد که شهادت ندهد علی ولی خدا است؟ بگوید عمر ولی خدا است!! حتی دشمنان حضرت، او را ولی خدا می‌دانستند و بهترین است که بگوئیم «اشهد ان علیاً ولی الله».

۱ - ان سلمان الفارسی ذکر فیهما ای فی الاذان والاقامة الشهادة بالولاية لعلی بعد الشهادة بالرسالة فی زمن النبی صلی الله علیه و آله فدخل رجل علی رسول الله صلی الله علیه و آله فقال: سمعت امرا لم اسمع قبل ذلك فقال: ما هو؟ فقال سلمان قد يشهد فی اذانه بعد الشهادة بالرسالة الشهادة بالولاية لعلی. فقال سمعتم خیرا. (جواهر الولاية صفحه ۳۷۹). ان اباذر یذكر فی الاذان بعد الشهادة بالرسالة ذلك و یقول اشهد ان علیا ولی الله فأخبر بذلك رسول الله صلی الله علیه و آله فقال كذلك، لو نسیتم قولی فی غدیر خم «من كنت مولاه فعلى مولاه» (جواهر الولاية صفحه ۳۸۰). هم چنین در کتابهای مستدرک سفینه البحار الشهادة الثالثة و کلمات الاعلام به نقل از کتاب السلافة فی امر الخلافة نوشته شیخ عبدالله مراغی مصری این روایات آمده است.



سؤال پنجاه و نهم:

چرا در تکبیرة الاحرام باید دستها را تا گوش بالا ببریم؟

پاسخ ما:

وقتی دستها را نزدیک گوش می‌بریم و «الله اکبر» می‌گوئیم یعنی هر محبوبی که داریم، هر معبودی که داریم هر چه را که در مقابل خدا دوست داریم (اگر به طوری باشد که هر چه او گفت گوش کنیم او معبود ما است. مثل شیطان، دوست ...). من تمام معبودها را پشت سر می‌ریزم گوش به حرف کسی نمی‌دهم، نمی‌خورم، نمی‌آشامم، حتی حرف نمی‌زنم حتی اقسام حرف زدن یعنی اشاره کردن یا بوسیله «الله اکبر» گفتن مطلبی را فهماندن، همه اینها را ترک می‌کنم. به طور کلی هر کاری که توجّه انسان را جلب کند و از نماز خارج کند همه اینها را ترک می‌کنم. با «الله اکبر» همه اینها را پشت سر می‌ریزم و با روکردن به مسجد الحرام مُحرم می‌شویم.

سؤال شصتم:

نمازهای مستحبی بهتر است در مسجد خوانده شود یا در

خانه؟

پاسخ ما:

نمازهای مستحبی چون برای خودسازی می باشد هر چه انسان حواسش جمع تر باشد برای خودسازی بهتر است. اگر مسجد خلوتی پیدا کردی، مثلاً من دیده بودم در زمان تحصیل در قم بعضی از علماء کلید مسجد نزدیک خانه خود را داشتند می رفتند در مسجد را باز می کردند و بعد می بستند و آنجا نمازشان را به تنهایی می خواندند. یک چنین جایی پیدا کردی ولو اینکه کلید هم دست نباشد افراد اندکی در چنین جایی بودند، برو آنجا نماز بخوان والا در خانه بهتر می باشد.^(۱)

۱ - روایات متعددی در این خصوص در وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۲۹۴ به بعد روایات آمده است.

سؤال شصت و یکم:

چرا در قنوت نماز عید فطر می‌گوییم خدایا این روز را برای
مؤمنین عید قرار دادی، ولی بعدش می‌گوییم برای حضرت
پیامبر ﷺ و اولادشان مایه اهمیت و اکرام؟

پاسخ ما:

البته تا به حال برای اهل بیت علیهم السلام این طور نبوده که عید واقعی داشته باشند. در
مقدمه زندگی بشر در دنیا این ده هزار سال یا ۱۴۰۰ هزار سال گذشته و بقیه‌اش که
شاید متجاوز از یک میلیون سال بعد از ظهور می‌باشد آنجا است که این عید برای
اولاد حضرت پیامبر اکرم ﷺ مفهوم دارد در زیارت حضرت معصومه علیها السلام که از
ناحیه امام معصوم علیها السلام رسیده است می‌خوانیم: «و ان یرینا فیکم السرور والفرج». (۱)
خدایا به ما نشان ده یک روزی را که شما دارای یک خوشحالی و فرجی باشید تا
زمان ظهور حضرت بقیة الله ﷺ اهل بیت حضرت پیامبر اکرم ﷺ نه
خوشحالی داشته‌اند و نه سرور. مثلاً آن کسی که پدرش مرده اگر وسط جلسه ختم
یک صحبتی کردید و او یک تبسمی کرد این علامت سرورش نیست، اگر بفهمد که

معنی پدر مردن یعنی چه، مثل خیلی از سادات که نمی‌دانند آن حکومتی که خدا برای آل پیامبر ﷺ در نظر گرفته یعنی چه، والا نمی‌توانند اصلاً خوشحالی داشته باشند. اگر بدانند که چه اجدادی داشتند و اینها را مردم با چه وضعی کشتند نمی‌توانند خوشحال باشند. پس این اعیاد برای سادات مایه اهمیت و اکرام است تا زمان ظهور حضرت بقیة الله ﷺ.



سؤال شصت و دوم:

اینجانب در نماز سستی می‌کنم و گاهی اوقات اصلاً فراموش می‌کنم نماز بخوانم. برای رفع کاهلی در نماز چه کنم؟ توضیح بفرمائید.

پاسخ ما:

کاهلی نکنید. برای خدا احترام قائل شوید، ارزش قائل شوید، خدائی که این همه به ما محبت کرده، نعمت داده، این همه لطف و محبت داشته است. به خدا مهربان‌تر باشیم. عاطفه داشته باشیم. انسان باشیم. انسانیت داشته باشیم. چیز دیگری نمی‌توانم بگویم. معرفت‌مان به خدا باید بیشتر باشد والا اگر انسان معرفتش به خدا بیشتر باشد نمی‌تواند خوابش ببرد موقع نماز، تا چه برسد به اینکه بیدار باشد و کاهلی کند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لا ینال شفاعتنا من استخف بالصلاة» شفاعت ما خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد. ^(۱)

سؤال شصت و سوم:

چگونگی خواندن نماز شب را توضیح دهید.

پاسخ ما:

نماز شب ملاقات خصوصی است با خدای تعالی. مخصوصاً در شب‌های کوتاه. از خواب بلند می‌شوید همه خوابیده‌اند و سرو صدائی نیست و به آسمان نگاه می‌کنید و این آیات را بخوانید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^(۱) یعنی آنهایی که خدا را یاد می‌کنند در حال ایستادن در حال نشسته در حال خوابیده در هر حال با خدا حرف می‌زنند و انس با خدای تعالی دارند، تا اینجا به یاد خدا و صنع پروردگار هستید. «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» از اینجا خدای تعالی اجازه می‌دهد که با او صحبت کنند خدای ما محبوب ما، عزیز ما، ای کسی که ما را تربیت کرده‌ای و رشد داده‌ای، این عظمت و این ستاره‌ها و این افلاک را باطل خلق نکرده‌ای. «سُبْحَانَكَ» تو پاکی همه گرفتاری‌ها از خود من است من بد هستم، من ضعیف هستم. «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» خدایا ما را از آتش جهنم نگره دار.

۱ - عن أبي جعفر عليه السلام قال إذا قمت بالليل من منامك فانظر في آفاق السما الى عن قال ثم اقرأ الخمس الآيات من آخر آل عمران إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الى اخره بحار الأنوار جلد: ۸۴ ص: ۱۸۷ حدیث ۵.

شخصی خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام) آمد عرض کرد آتشی به جانم افتاد که من را می‌سوزاند. آن آتش چیست؟ در قرآن هر کجا که کلمه نار به کار برده شده است بعید نیست که شامل همه جور آتش‌ها بشود. آتش بدبختی، فقر، آتش بی‌شعوری، کم‌درکی، بی‌تفکری، بی‌سوادی، بی‌معرفتی، بی‌محبتی به خدا و ائمه (علیهم‌السلام) اینها همه آتش است. کسی که نمی‌داند نماز شب یعنی چه این آتش است. و این آتش بی‌محبتی به خدا است که به جان تو افتاده و تو را توی رختخواب خوابانده و نمی‌توانی برای نماز شب بلند شوی. خود شیطان آتش است که می‌گوید معصیت خدا را بکن.^(۱) «وقنا عذاب النار» عذاب آتش را خدایا از ما بردار! این آیات را بخوانید و بعد وضو بگیرید. در آن نصف شب گفت تا نخوری ندانی، این طور انسان از خواب بلند شود و چرت نزند، چون ملاقات خصوصی با خدا دارد بعد نماز را شروع می‌کند، با یازده رکعت خودتان را پاک می‌کنید و در قنوت یازدهمین رکعت از نماز دست را به طرف پروردگار دراز کنید و بگوئید: «هذا مقام العائد بك من النار» این جا کجا است که ایستاده‌ای. و جایی است که از آتش‌ها پناه می‌آورند. آتش شقاوت آتش برزخ و جهنم. این دعا را هفت مرتبه بگوئید بعد هفتاد مرتبه استغفار کنید «استغفر الله ربی و اتوب الیه» از خدای عزیزت بخواه که تو را

۱- پس از بررسی کاملی که در آیات و روایات انجام گرفت برخی مصادیق «نار» موارد زیر هستند که فقط به آنها اشاره می‌کنیم: نار الحرص (مستدرک الوسائل جلد ۲ صفحه ۱۰۵). نار المعانده (مستدرک الوسائل جلد ۸ صفحه ۴۵۳). نار الکفر (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۳۴۸). نار الغضب (مستدرک جلد ۱۲ صفحه ۱۱). نار الحرمان (بحار الانوار جلد ۸۷ صفحه ۱). نار الحرب (ثواب الاعمال صفحه ۲۰۸). نار الجهل (منية المريد صفحه ۱۲۶). نار الفتن (غرر الحکم صفحه ۴۶۴). الحقد نار (غرر الحکم صفحه ۲۹۹). الولوع بالغیبة نار (غرر الحکم صفحه ۴۸۱). نار الشهوة (بحار الانوار جلد ۶۷ صفحه ۲۳). نار تسعر (مستدرک جلد ۱۶ صفحه ۲۰۸).

ببخشد و از تو راضی باشد و بعد سیصد مرتبه «العفو» بگوئید از خدا گذشت و عفو نخواهید تو خیلی کوتاهی کرده‌ای و بعد، آن قدر با عظمت می‌شوی که در آن نصف شب چهل نفر را از مؤمنین می‌توانی شفاعت کنی و از خدا بخواهی که گناهان‌شان را ببخشد. این خیلی مهم است که به شما ملاقات خصوصی داده‌اند. با حضرت حق ملاقات کرده‌ای و آن قدر مهم شده‌ای که چهل نفر از دوستان و آشنایان را می‌توانی شفاعت کنی. و این اشخاص نمی‌خواهد که مثل سلمان و ابوذر باشند، هر چقدر گناهکارتر ولی شیعه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام باشند بهتر است. غیر شیعیان را به شما اجازه نمی‌دهند که شفاعت‌شان کنید آنها کارشان از جای دیگر خراب است و با واسطه شدن شما کارشان درست نمی‌شود چون اعتقاد خیلی مهم است و به این زودبها هم شما را اجابت نمی‌کنند، شیعیان معصیت‌کار را شفاعت کنید. یک کسی از بزرگان می‌گفت همین طور که من چهل نفر مؤمن را در نظر می‌گرفتم منتظر بودم بینم که چه کسی به ذهنم می‌آید یک دفعه یک شخصی در نظرم آمد دیدم یک نفر هم پشت سرش ایستاد. و او خیلی معصیت‌کار است می‌خواستم از او رد شوم در همان الهامات قلبی گفتند که این شخص را هم بگو، پس هر چقدر معصیت‌کارتر باشد، مخصوصاً اگر از دنیا رفته باشد و از اقوام‌تان هم باشد بگوئید بهتر است. نماز شب آن قدر به انسان مقام می‌دهد که نه تنها خودتان را می‌بخشند بلکه اجازه می‌دهند که چهل نفر را هم شفاعت کنید اگر این طور درباره نماز شب فکر کنید دیگر در مورد آن کوتاهی و سهو نمی‌کنید و شامل «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^(۱) نمی‌شوید.

سؤال شصت و چهارم:

نماز یعنی چه؟ (۱)

پاسخ ما:

یعنی سخن گفتن با خدای تعالی یعنی خدا شما را به حضور بپذیرد. مثلاً فردا شما می‌خواهید با یک قدرتمند یا رئیس جمهور صحبت خصوصی کنید از حالا خواب ندارید و خوشحال هستید. حالا می‌خواهد عادل باشد یا عادل نباشد. خدا با این آقا چقدر فاصله دارد؟ چقدر عظمتش بیشتر است؟ چقدر خوشحال هستید که هر چه زودتر صبح بشود و با خدا ملاقات کنیم؟ این طور نباشید که صبح نزدیک آفتاب از خواب بیدار شوید و با حال بی‌توجهی و چرتی نماز بخوانید و چشمهایتان را به سختی باز نگه دارید، شخصی می‌گفت نمی‌شد در تابستان که شب‌ها کوتاه

۱ - نماز: خدمت و بندگی، اطاعت، فرمانبرداری، سجده، سر به زمین نهادن کرنش (دهخدا).
الصلاة:

«من صلو» الصلاة من الملائكة الدعاء والاستغفار ومن الله رحمة، و به سمیت الصلاة لما فيها من الدعاء والاستغفار، وعن ابن الاعرابی: الصلاة من الله رحمة ومن المخلوقين الملائكة والانس والجن: القيام والركوع والسجود والدعاء والتسبيح، و الصلاة من الطير والهوام التسبيح، و قيل الصلاة بيت لاهل الكتاب يصلون فيه (لسان العرب).

است نماز صبح را حذف می‌کردند. در زمان‌های قدیم برق نبود بعد از نماز مغرب و عشاء، شام را می‌خوردند و می‌خوابیدند و صبح هم برای نماز بیدار می‌شدند ولی حالا خیلی مشکل است به دو علت یکی اینکه خدا را نشناخته‌ایم و خدا را قبول نداریم و یکی هم اینکه برنامه‌های رادیو و تلویزیون و این شب‌نشینیها سبب شده که شب خواب سیری نکرده باشیم و نتوانیم برای نماز صبح بیدار شویم، ولی اصلش همان است که خدا را قبول نداریم. شما می‌گوئید مگر می‌شود، در عقیده‌مان قبول داریم، این آسمان و زمین را می‌شود که خدا خلق نکرده باشد؟ ولی اعمال‌مان می‌رساند که خدا را قبول نداریم «عَجَباً لِلْمَحَبِّ كَيْفَ يَنَامُ»^(۱) من کسی را سراغ داشتم که تا حدوداً یک ساعت سرش را نمی‌گذاشت روی متکا و گریه نمی‌کرد و خداجان نمی‌گفت و اظهار ارادت به خدا نمی‌کرد خوابش نمی‌برد.

۱ - مرحوم حضرت علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه این عبارت را از قول شاعر در ذیل روایت می‌فرمایند. (بحار الانوار جلد ۶۷ صفحه ۱۶۰).

سؤال شصت و پنجم:

آیا معصیت کار را در نماز شب می شود دعا کرد؟

پاسخ ما:

در نماز شب انسان بعد از استغفار و طلب بخشش وقتی پاک شد به مقامی می رسد که می تواند شفیع دیگران باشد می گویند چهل نفر را شفاعت کن! ^(۱) یعنی خدایا حالا که مرا بخشیده ای آن برادر معصیتکار مرا هم ببخش. معصیت کارها را بیشتر دعا کنید.

یکی از اقوام ما خودکشی کرده بود در نماز شب حالتی برایم پیش آمد که دیدم او می گوید مرا هم دعا کن چون از او بدم می آمد رویم را گرداندم، در حالت مکاشفه ای به من گفته شد او بیشتر نیاز دارد. لذا افراد معصیت کار خصوصاً آنها که دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و معصیت کار هستند را دعا کنید. ^(۲) مؤمنین معصیت کار، اقوام، خویشان و دوستان را یک سال دعا کنید تا خدا آنها را ببخشد. اگر در دنیا شفیع چهل نفر شدید در آخرت هم می توانید شفیع چهل نفر باشید.

۱ - عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ما من مؤمن أو مؤمنة مضى من أول الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة إلا و هم شفعاء لمن يقول في دعائه اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات و إن العبد لیؤمر به إلى النار يوم القيامة فيسحب فيقول المؤمنون و المؤمنات یا ربنا هذا الذي كان يدعو لنا فشفعنا فيه فيشفعهم الله فينجو. بحار الأنوار ج : ۹۰ ص ۳۸۴ حدیث ۷.

۲ - قال النبي صلی الله علیه و آله يلزم الحق لأمتي في أربع يحبون التائب و يرحمون الضعيف و يعينون المحسن و يستغفرون للمذنب بحار الأنوار ج : ۹۰ ص : ۳۸۴

سؤال شصت و ششم:

معنای «من ترك الصلوة متعمداً...»^(۱) چیست؟

پاسخ ما:

یعنی اینکه شما شب دیر بخوابید با اینکه می دانید نماز صبحتان قضا می شود. یا بلند شدی ولی این شانه و آن شانه می کنی، می بینی هوا هنوز تاریک است می گویی بلند می شوم، بخوابی و بعد از آفتاب بلند شوی!

اینها عامداً متعمداً است. حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) فرمود: «ملعون ملعون»، از رحمت خدا بدور است کسی که نماز مغربش را وقتی بخواند که ستاره های آسمان شمرده بشود و نماز صبحش را وقتی بخواند که ستاره های آسمان شمرده نشود^(۲) البته یک دفعه و دو دفعه ممکن است منظور نباشد ولی کسی که

۱ - عن النبي ﷺ من ترك الصلاة متعمداً فقد كفر (بحار الانوار جلد ۳۰ صفحه ۶۷۳) و عوالی اللئالی جلد ۲ صفحه ۲۲۴.

۲ - عَنْ الْكَلْبِيِّ رَفَعَهُ عَنِ الزُّهْرِيِّ أَنَّهُ طَلَبَ مِنَ الْعُمَرِيِّ أَنْ يُوصِلَهُ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ فَأَوْصَلَهُ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ سَأَلَهُ فَأَجَابَهُ عَنْ كُلِّ مَا أَرَادَ ثُمَّ قَامَ وَ دَخَلَ الدَّارَ قَالَ فَذَهَبْتُ لِأَسْأَلَ فَلَمْ يَسْتَمِعْ وَ مَا كَلَّمَنِي بِأَكْثَرٍ مِنْ أَنْ قَالَ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْفُضِيَ النُّجُومُ وَ دَخَلَ الدَّارَ وَ سَأَلَ الشَّيْعَةَ ج: ۴ ص: ۲۰۱

همیشه وقتی به خانه می آید می خواهد شامش را بخورد و بخوابد بعد نماز بخواند، بعضی ها هستند من دیده ام اگر شما ندیده اید، اصلاً برنامه اش این است. شغلش را طوری انتخاب کرده است باید این جور باشد که نباید این طور شغلی داشته باشد یا همیشه نمازش را اول آفتاب می خواند. لاقلاً اگر همیشه باشد، من تخفیف بدهم که شما خیلی غصه نخورید با یک مرتبه و دو مرتبه بعید است این قدر شدت داشته باشد ولو اینکه از روایت حضرت امام صادق علیه السلام استفاده می شود که همان یک مرتبه هم نباید باشد فرمود شفاعت ما اهل بیت علیهم السلام به کسی که نمازش را اهمیت ندهد، نمی رسد. استخفاف کند، خفیف بشمارد، ^(۱) بگوئید کار لازمتری دارم، الان گرسنه ام ناهار بخورم بعد نماز بخوانم (تا این حد) البته باز هم وقتی که دائماً این طور باشد روحیه اش این طور باشد، با یک دفعه و دو مرتبه انشاءالله این طور نیست. ^(۲)

۱ - کافی جلد ۳ صفحه ۲۷۰ و بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۷.

۲ - در کتاب «سؤال شما، پاسخ ما» از همین مؤلف صفحه ۲۴۸ در مورد استخفاف نماز توضیحات مفصّلی فرموده اند.

سؤال شصت و هفتم:

شما به عنوان طبیب روحی، ما را راهنمایی کنید که چه کنیم در نماز حضور قلب داشته باشیم؟ و چرا اغلب در نماز حواسمان پرت می‌شود؟

پاسخ ما:

علت عمده این است که خدا را آن طور که باید دوست ندارید، افرادی که هر چیزی را دوست دارند حواسشان پرت است هر چه چیزی را بیشتر به آن محبت داشته باشید حواستان به آن چیز جمع‌تر است. شما یک برلیان در کیف‌تان می‌گذارید تمام حواستان جمع آن است تا محفوظ باشد اما اگر سنگی در جیب‌تان باشد یادتان می‌رود چون به آن محبت ندارید.

حضور قلب در نماز، مربوط به شناختن و محبت به خداوند است. اگر کسی بخواهد حضور قلب در نماز داشته باشد، باید هم یقینش و هم شناختش و هم محبتش به خدا تشدید شود. اگر ما ابتدا خدا را بشناسیم و بعد به او محبت پیدا کنیم حواسمان پرت نمی‌شود چون چیزی محبوب‌تر از خدا برای ما نیست.

البته محبت، فرع بر شناخت و معرفت است. عمده‌اش معرفت به خدا و یقین به

خدا است.^(۱) اگر شما مثلاً چیزی یا کاری را خیلی دوست داشته باشید وقتی مشغولش هستید، آن چنان حضور قلب دارید که اگر در مقابل تان چیزهای دیگری باشد اعتنا نمی‌کنید به اصطلاح تمرکز فکری پیدا می‌کنید. تمرکز فکری وقتی پیدا می‌شود که انسان تمام حواسش روی آن کار جمع باشد. یعنی چشمش جز آن چیز را اگر دیدنی است نمی‌بیند. گوشش نمی‌شنود. لامسه‌اش لمس نمی‌کند. ذائقه‌اش نمی‌چشد. یعنی تمام حواسش روی آن چیزی که مقابلش است تمرکز پیدا می‌کند و نتیجه این است که قلب انسان حاضر می‌شود. یعنی حضور قلب پیدا می‌کند و متوجه خدا می‌گردد این معنای حضور قلب است. شناخت و محبت زیاد، سبب حضور قلب می‌شود. هیچ راه دیگری ندارد که فکر کنید مثلاً یک آقای یک دعایی بخواند و به شما فوت کند که شما در نماز حضور قلب پیدا کنید نمی‌شود. یا مثلاً خودتان را در فشار قرار دهید که حضور قلب پیدا کنید. باز حواس تان پرت می‌شود. راهش شناخت و معرفت پروردگار و در نتیجه ایجاد محبت است. محبت که پیدا شد انسان قلبش متوجه خدا خواهد بود، اما متأسفانه چیزهایی را که بیشتر از خدا دوست داریم، در نماز پیش می‌آید و غالباً حواس مان پرت آنها می‌شود. بچه می‌آید از جلوی مان عبور می‌کند می‌گوئیم به به عجب خوب راه می‌رود و حواس مان پرت

۱ - الصَّادِقُ (ع) نَجَوَى الْعَارِفِينَ تَدْوَرُّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصُولٍ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ وَالْحُبِّ فَالْخَوْفُ فَرَعَ الْعِلْمَ وَالرَّجَاءُ فَرَعَ الْيَقِينَ وَالْحُبُّ فَرَعَ الْمَعْرِفَةَ فَدَلِيلُ الْخَوْفِ الْهَزَبُ وَدَلِيلُ الرَّجَاءِ الطَّلَبُ وَدَلِيلُ الْحُبِّ إِثَارُ الْمُحِبُّوبِ عَلَى مَا سِوَاهُ فَإِذَا تَحَقَّقَ الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ خَافَ وَإِذَا خَافَ هَرَبَ وَإِذَا هَرَبَ نَجَا وَإِذَا أَشْرَقَ نُورُ الْيَقِينَ فِي الْقَلْبِ شَاهَدَ الْفَضْلَ وَإِذَا تَمَكَّنَ مِنْ رُؤْيَةِ الْفَضْلِ رَجَا وَإِذَا وَجَدَ حَلَاوَةَ الرَّجَاءِ طَلَبَ وَإِذَا وَفَّقَ لِلطَّلَبِ وَجَدَ وَإِذَا تَجَلَّى ضِيَاءُ الْمَعْرِفَةِ فِي الْقَوَادِ هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ وَإِذَا هَاجَ رِيحُ الْمَحَبَّةِ اسْتَأْنَسَ فِي ظِلَالِ الْمُحِبُّوبِ وَآثَرُ الْمُحِبُّوبِ عَلَى مَا سِوَاهُ وَبَاشَرَ أَمِيرَهُ وَاجْتَنَبَ نَوَاهِيَهُ. مستدرک الوسائل جلد: ۱۲ ص: ۱۶۸ ح

می شود و یا مبدا به پائین پرت شود و بالاخره در اثر محبت به او، توجه مان متمرکز به او می شود، چون به او بیشتر اهمیّت می دهیم، ما باید حتّی حضرت امام زمان علیه السلام را برای خدا دوست داشته باشیم محبوب اصلی و اساسی خدا است که با زحمت زیاد باید انسان به این مرحله برسد که معرفت پیدا کند و در اثر معرفت، محبت پیدا کند. خدا ما را از هرگونه انحرافی نجات دهد.

دوم معنای کلمات نماز را بلد شود و توجّه پیدا کند. مهم معنای نماز است. شما «الله اکبر» می گوئید باید توجّه به معنایش داشته باشید.



سؤال شصت و هشتم:

نماز معراج مؤمن^(۱) است یعنی چه؟ و در چه قسمت از نماز با خدا حرف می‌زنیم؟

پاسخ ما:

روی هر جمله نماز اگر انسان بخواهد بحث کند کلی انسان را رشد می‌دهد و به کمال می‌رساند. نماز معراج مؤمن است. یعنی وسیلهٔ بالا رفتن، شما وقتی که نماز می‌خوانید به جایی می‌رسید که من معتقدم اگر چشم دل را باز کنید به مقام «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»^(۲) می‌رسید. نماز باید معراج باشد کسی که می‌خواهد فقط رفع تکلیف کند حتی رفع تکلیف هم نکرده چون نه به خدا فایده رسانده نه به کمالات خود افزوده است. وقتی انسان نماز می‌خواند می‌گوید «اللَّهُ اکبر» مثل کسی که سوار براق شده است می‌رود بالا، در یک چشم به هم زدن می‌رود خدمت خدا.

«اللَّهُ اکبر» یعنی خدا بزرگتر از آن است که من بتوانم وصفش کنم. بعضی نماز را

۱ - بحار الانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۳.

۲ - اشاره است به آیه ۹ سوره نجم.

هم می‌خواهند با حال بخوانند البتّه منافاتی ندارد، امّا اگر گفتی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و تعهدی با خدا بستی و از آن ساعت گناه نکردی معنای معراج در وجودت ایجاد می‌شود. هر عبادتی مغزی دارد. نماز هم یک مغزی دارد، مغز نماز صلوات، بر حضرت پیغمبر ﷺ و آل پیغمبر ﷺ است. شما می‌گوئید چطور صلوات مغز نماز است؟ برای اینکه در نماز هیچ دعای واجبی که به قصد دعا خوانده شود و از اوّل نماز تا آخر، جایی که مستقیماً با خدا حرف بزنیم نیست به جز صلوات. حمد و شهادتین و تسبیح و تحمید و سجده احترامات است. در صلوات می‌گوئیم «اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» ببینید چه مقامی است نمی‌توانیم تصورش کنیم منتهی برای ما فرقی نمی‌کند از اوّل شهادت تا آخر صلوات.

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» دعا است ولو خود این هم مربوط به همین جهت است ولی باید به قصد قرآنی بخوانیم یعنی خدا دارد می‌گوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» در قنوت هم دعا می‌خوانیم می‌گوئیم «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» امّا به عنوان مستحب خوانده می‌شود. در هیچ جای نماز دعای واجبی نیست جز صلوات در تشهد. ببینید چقدر اهمیّت دارد صلوات.

صلوات پرارزش‌ترین و بزرگترین ذکر است، چون هم دعا است که دعا مخ عبادت است و هم ولایت است، اظهار محبّت به خاندان عصمت و طهارت ﷺ و هم ذکر خدا است.^(۱) صلوات اوج رسیدن به کمال است که انسان با خدا صحبت می‌کند و آنجا حضرت پیامبر ﷺ را می‌بیند یعنی جائی می‌رسد که «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» حضرت پیامبر ﷺ کنار خدا آمده و انسان بوسیله نماز به همان معراج رسیده کنار خدا. امّا ذکرهای دیگر مثل «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یا «اللَّهُ أَكْبَرُ» یا «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

۱ - عن النبی ﷺ: الدعاء مخ العبادة. (وسائل الشیعه جلد ۷ صفحه ۲۷).

فقط ذکر خدا است.

هیچ ذکری نیست که این سه خصوصیت را داشته باشد و به اصطلاح مادی، معجون کاملی است که تمام ویتامین‌ها را دارد. زیاد صلوات بفرستید، شب و روز جمعه خدای تعالی ملائکه‌ای را می‌فرستد روی کره زمین که فقط صلوات‌ها را به حساب اشخاص ببرند. عصر روز جمعه آن ملکی که موکل بر شما است، مراقب باشید جیش خالی نباشد^(۱) اقلأ در شب و روز جمعه دو یا سه هزار تا صلوات بفرستید. هزار تا صلوات روایت دارد،^(۲) شما نگوئید که کار خیلی سختی است، یک ساعت بیشتر طول نمی‌کشد. با خدا می‌خواهید صحبت کنید کار خیلی مهمی است.^(۳) من نمی‌خواهم معنای صلوات را برایتان بگویم می‌ترسم به خودتان خیلی مغرور شوید، صلوات می‌دانید یعنی چه؟ یعنی شما واسطه می‌شوید که خدا رحمتش را بر حضرت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام و فرزندان حضرت پیغمبر ﷺ نازل کند شما واسطه این جریان هستید خیلی مقام است و عظمت دارد

۱ - عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا عُمَرُ إِنَّهُ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ بَعْدَ الذَّرِّ فِي أَيْدِيهِمْ أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَ قَرَاطِيسُ الْفِضَّةِ لَا يَكْتُبُونَ إِلَّا لَيْلَةَ السَّبْتِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَأَكْثَرُ مِنْهَا وَقَالَ يَا عُمَرُ إِنَّ مِنَ السَّنَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ مِائَةً مَرَّةً وسائل الشيعة ج: ۷ ص: ۳۸۷ ح ۹۶۵۵

۲ - عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَا عُمَرُ إِنَّهُ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَائِكَةٌ بَعْدَ الذَّرِّ فِي أَيْدِيهِمْ أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَ قَرَاطِيسُ الْفِضَّةِ لَا يَكْتُبُونَ إِلَّا لَيْلَةَ السَّبْتِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَأَكْثَرُ مِنْهَا وَقَالَ يَا عُمَرُ إِنَّ مِنَ السَّنَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ مِائَةً مَرَّةً وسائل الشيعة جلد: ۷ ص: ۳۸۷ ح ۹۶۵۵

۳ - فضائل صلوات بقدری زیاد است که ابواب مهمی از کتب حدیث و حتی کتابهای مستقلی را علماء اسلام به آن اختصاص داده‌اند مانند مستدرک الوسائل جلد ۵ صفحه ۳۴۰ و وسائل الشيعة جلد ۷ صفحه ۳۷۶.

و این که می گویند نماز معراج مؤمن است، با یک «الله اکبر» اول نماز بالا می رود و شیطان را از خودش دور می کند و می گوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» و خدا شروع می کند با او حرف می زند (سوره حمد و توحید یا سوره دیگر) اینها کلام خدا است و خدا با او حرف می زند بعد تعظیم می کند و سر بر خاک می گذارد، دو مرتبه بلند می شود باز خدا با او حرف می زند، تعظیم می کند و سر بر خاک می گذارد بعد می نشیند. حالا می خواهد نتیجه تمام این دو رکعت نماز را این معراج را انجام دهد ای کاش در تمام عمرمان دو رکعت نماز این طوری بخوانیم که ما را به معراج برساند.

اول می گوید به جایی رسیده ام که «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له» حالا می فهمم که تنها خدا است که مؤثر در تمام چیزها است و شهادت بر رسالت حضرت رسول اکرم ﷺ هم می دهم، حالا من اینجا به جایی رسیده ام و آن قدر بالا رفته ام و به تو ای خدا نزدیک شده ام که محبوب هایم را آنهایی که خیلی دوست شان دارم می خواهم دعایشان کنم. محبوب اصلی انسان باید خدا باشد. اما اظهار محبت را نسبت به حضرت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام باید داشته باشد. اینها دست خدا هستند. وجه الله و اذن الله هستند.

آنجا که خدا و حضرت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام را از خودش راضی کرده است که اول برای حضرت پیامبر اکرم ﷺ از خدای تعالی طلب رحمت می کند بعد به حضرت پیامبر اکرم ﷺ سلام می کند «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و برکاته» یعنی لیاقت پیدا کرده ام که جنب الله و وجه الله را ببینم و سلام عرض کنم.^(۱) لحظات آخر نماز اوج معراج است. «الصلاة معراج المؤمن» معنایش این

است حضرت پیامبر ﷺ در شب معراج تا آنجا بالا رفت که خدا می فرماید: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ»^(۱) مثل دو تا قوس یکی شوند وقتی سر دو تا قوس به هم برسند یک دایره تشکیل می شود انسان کنار اینها می رود وقتی به خدا می رسد از خدا برای پیامبری که یک طرف قوس است طلب رحمت می کند و برای فرزندان حضرت پیامبر ﷺ طلب رحمت می کند و ادب هم همین را ایجاب می کند که انسان اول عرض ادب و انسی و محبتی با پروردگارش پیدا کند و بعد رو به حضرت پیامبر ﷺ کند و بگوید «السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد هم تمام صالحین و خودش را مخاطب قرار می دهد. «السَّلامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ الصَّالِحِينَ» آن قدر اوج گرفته که بر بندگان صالح مقدم شده و می گوید سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا. اول به خودت سلام کن آن قدر بالا رفتی که خودت جلوتر از تمام بندگان صالح (جز ائمه عليهم السلام) نیازمندی که به خودت سلام کنی.

بعد انسان آنجا ملائکه را می بیند و چشمش باز می شود که انشاء الله خدا چشم همه ما را باز کند. لذا انسان با دو رکعت نماز به جایی می رسد که با خدا حرف می زند چشمش را باز می کند می بیند بندگان صالح خدا هستند و خودش در میان آنها است و به خود و به آنها سلام می کند و بعد به تمام ملائکه ای که خدمتگزارند، تواضع می کند.^(۲)

۱ - سوره نجم آیه ۹.

۲ - در مورد نماز معراج مؤمن است از همین مؤلف در کتاب «حَلَّ مشکلات دینی» صفحه ۱۸۵ با الفاظ دیگری آمده است.

سؤال شصت و نهم:

چرا اختلاف عمل در این زمان در شکل و محتوای نماز، بین فرق اسلامی وجود دارد و هر یک در زمان خاصی نماز می خوانند؟

پاسخ ما:

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گاهی نماز ظهر را ظهر، می خواندند و نماز عصر را عصر و نماز مغرب را اول غروب آفتاب و نماز عشا را یکی دو ساعت بعد می خواندند. مختلف نماز خواندن را خود حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام دادند.

در کتب شیعه و سنی، من جمله در «صحیح بخاری» هر دو نحوه نماز خواندن آمده که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم نمازها را با هم می خواندند و هم جدا. ^(۱) «من

۱ - ابن عباس قال جمع رسول الله ﷺ بين الظهر والعصر من غير خوف ولا سفر فقال أراد أن لا يخرج أحد من أمتيه وسائل الشيعة ج : ۴ ص : ۲۲۱ و پاورقی ص ۸۵ ش ۲

ما ذكره الحميدي في كتابه في الجمع بين الصحيحين من عدة طرق في مسند عبد الله بن عباس في الحديث الثامن والمائتين من المتفق عليه قال صلى رسول الله ص الظهر والعصر جميعا والمغرب والعشاء جميعا من غير خوف ولا سفر وفي رواية زهير بالمدينة وفي رواية أبي الزبير فسألت سعيدا لم فعل ذلك فقال سألت ابن عباس كما سألتني فقال أراد أن لا يخرج أحد من أمته. الطرائف ج : ۲ ص : ۵۴۴

غیر خوف ولا سفر ولا عذر» یعنی بدون آنکه خوفی داشته باشد یا در سفر باشد و یا عذر دیگری داشته باشد. حضرت پیامبر ﷺ نمازهای شان را جمع می کردند. ظهر و عصر را پشت سر هم می خواندند بدون خوف و بدون اینکه مسافر باشند و بدون اینکه عذری داشته باشند و گاهی جدا می خواندند. اگر وقت داشتند جدا جدا می خواندند و اگر کاری داشتند، پشت سر هم می خواندند و به کارشان می رسیدند. این متفق علیه شیعه و سنی است.^(۱) منتهی سنی ها آن طرف را انتخاب کرده اند و شیعه این طرف را انتخاب کرده است و کم کم جنبه شعاریت پیدا کرده است. شیعه تعصب این را ندارد که بگوید اگر کسی جدا خواند، کار بدی کرده. ولی آنها تعصبش را دارند. خیال می کنند اگر با هم بخوانند کار بدی کرده اند و بعضی علما و مراجع در گذشته گاهی در فتوایشان دیده می شد که می فرمودند اگر جدا جدا بخوانید، افضل است. به نظر من افضل هم نیست و دلیلی نداریم که جدا خواندن آنها افضل باشد، چون همان وقتی که حضرت پیامبر اکرم ﷺ با هم می خواندند، باید بگوئیم حضرت پیامبر اکرم ﷺ ترک اولی کرده است، چون او نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم جمع می کردند و می فرمایند: بدون عذر و بدون سفر و بدون هیچ مشکلی این کار را می کردند. یعنی در حال عادی نماز ظهر و عصر را با هم می خواندند. اگر جدا جدا خواندن افضل باشد باید بگوئیم امروز که حضرت پیامبر ﷺ آن دورا با هم خواندند، ترک اولی کردند و حضرت پیامبر ﷺ ترک اولی

۱ - تعدادی از مصادر معتبر و مشهور اهل سنت که روایت صفحه قبل در این مورد نقل کرده اند: کتاب صلاة المسافرين، صحیح مسلم حدیث ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۵۱. سنن ترمذی کتاب الصلاة حدیث ۱۷۲ و کتاب العلل النسائی، کتاب المواقیت حدیث ۵۹۷ و ۵۹۸، سنن ابوداود کتاب الصلاة حدیث ۱۰۲۴، ۱۰۲۵. مسند احمد، کتاب مسند بنی هاشم، حدیث ۳۱۵۲، ۱۸۵۲. موطأ مالک، کتاب النداء الصلاة حدیث ۳۰۰.

نمی‌کند. پس باید گفت: همان طوری که جدا جدا خواندن خوب است، همان طور پشت سر هم خواندن هم خوب است. اختیار را با شما گذاشته. نماز ظهرتان تمام شد می‌توانید بایستید نماز عصر را بخوانید. به اندازه دو رکعت نماز ظهر که گذشت (چون گاهی انسان در مسافرت است) می‌تواند نماز عصر را بخواند و ظهر در آن لحظه‌ای است که خورشید در نصف النهار بوده و بعدش عصر است، نماز عصر را ما در عصر خوانده‌ایم ولو اینکه یک لحظه از دو رکعت نماز ظهر گذشته، نماز عصر را شروع کرده باشیم. ظهر عند الزوال است وقتی که خورشید روی خط می‌آید و سایه شاخص بلند می‌شود، همان لحظه ظهر است. بعدش در عصر وارد می‌شویم.

اما در مورد دست بسته نماز خواندن، در کتاب «شبهای مکّه» در مورد دست بسته نماز خواندن بحث کرده‌ام.^(۱)

در کلمات و مطالبی که گفته می‌شود تقریباً متفق هستیم. در تعداد رکعات متفق هستیم. آنها بسم الله را نمی‌گویند، چون معاویه نگفت، ولی ما در سوره حمد می‌گوییم. شهدشان با تشهد ما فرق دارد که آنها التّهای می‌خوانند. در مسأله اینکه سجده روی چه بکنیم؟ آنها می‌گویند هر چه در کره زمین است از زمین است و تنها تحولی در آنها ایجاد شده. حالا این چوب شده و آن فرش شده، ما می‌گوییم قدر مسلم از زمین که در روایت دارد «جعلت لی الارض مسجداً و طهوراً»^(۲) خاک را باید بگیریم که خاک و سنگ و نهایت چیزی که از زمین بیرون می‌آید که البته اگر خوردنی

۱- شرح مفصل دست بسته نماز خواندن، غیر از کتاب «شبهای مکّه» در کتاب «سؤال شما، پاسخ ما» از همین مؤلف در صفحه ۱۱۸ توضیح داده شده است.

۲- عن رسول الله ﷺ: فضّلت بأربع: جعلت لأمتی الارض مسجداً و طهوراً، و ایما رجل من امتی اراد الصّلاة فلم یجد ماء و وجد الارض فقد جعلت له مسجداً و طهوراً. (بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۱۴۷ حدیث ۴ و مشابه آن حدیث ۵ و همان صفحه سطر ۹ و ۱۴).

باشد زمین نمی‌گوئیم. گلابی را زمین نمی‌گوئیم. پوشیدنی هم باشد زمین نمی‌دانیم. اگر سنی‌ها بخواهند احتیاط کنند باید در سجده به خاک یا سنگ سجده کنند. زیرا چهار امام اهل سنت می‌گویند خاک یا سنگی جلوی نمازگزار باشد نمازش درست است. چون آنها می‌گویند نمازگزار سرش روی هر چه بیاید نمازش درست است. اما اگر روی فرش گذاشتید، چهار امام اهل سنت می‌گویند درست است،^(۱) ولی امام صادق علیه السلام می‌گویند درست نیست. احتیاط این است که سرت را روی خاک یا سنگ بگذاری.^(۲) بعلاوه سنگ را می‌شود کنترلش کرد، آبش کشید و پاک نگاهش داشت. اختلافات آنها با توجه به اینکه میزانی مثل ائمه علیهم السلام نداشتند، شدیدتر است و در مورد ما اختلافات ضعیف‌تر است. چون مثلاً در مورد تسبیحات اربعه، اختلافات در فتواها هست که سه دفعه واجب است یا یک دفعه.

اما در مورد «صدق الله العلیّ العظیم» و «صدق الله العظیم» که پس از قرائت قرآن، سنی و شیعه می‌گویند، این را بدانید که نه «العلیّ العظیم» گفتن برای شیعه مسأله‌ای باید باشد و نه «صدق الله العظیم» گفتن برای سنی مسأله‌ای است. چون منظور در هر دو، خدای علیّ عظیم یا خدای عظیم است. در قرآن هر دو آیه آمده:

- ۱ - فی کتاب الفقه علی المذاهب الاربع جلد ۱ صفحه ۲۳۲ افرض السادس من فرائض الصلاة السجود و شروطه: و یشرط فی صحة السجود ان یکون علی یابس تستقر جبهته علیه، کالحصیر و البساط بخلاف القطن المندوف الذی لا تستقر الجبهة علیه، فانه لا یصح علیه السجود، و مثله التین و الارز و الذره و نحوها اذا كانت الجبهة لا تستقر علیها، اما اذا استقرت الجبهة فانه یصح السجود علی کل ذلک.
- ۲ - فی کتاب الفقه علی آراء فقهاء الاسلام للشیخ موسی الزنجانی کتاب الصلوة صفحه ۴۱ و ۴۲: و یجب ان یکون موضع السجده الارض و ما ینبت منها و لا یجوز علی الجلود و الصوف و الشعر و المعادن و لا علی کور العمامة و لا علی بعض الاعضاء فی حال الاختیار عند جعفر بن محمد علیه السلام و قال الجوهری السجود و وضع الجبهة علی الارض.

«اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»^(۱) «اللّٰهُ الْعَظِيمُ»^(۲) شیعه طبق آیه قرآن مخصوصاً در آیه الكرسي که هست «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ». «عَلِيٌّ» آنجا منظور حضرت علی علیه السلام نیست که شیعه بگوید به خاطر حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام می گوئیم «صدق الله العلیّ العظیم» و سَنَی بگوید به خاطر آنکه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان خلیفه بلا فصل حضرت پیامبر اکرم ﷺ قبول نداریم نمی گوئیم بلکه این یک شعار شده است. وقتی یک سَنَی می گوید «صدق الله العظیم» می فهمیم سَنَی است در سال گذشته در هتل لاله تهران دو نفر از قراء مصری آمده بودند به خاطر ما که می گوئیم «صدق الله العلیّ العظیم» آنها بعد از قرائت قرآن گفتند «صدق الله العلیّ العظیم» و از شعار شیعه پیروی کردند. ولی شیعه این کار را نمی کند، چون شیعه باید شعارش را حفظ کند بنابراین فرقی ندارند، فقط جنبه شعاریت پیدا کرده است. در مورد دست باز نماز خواندن هم ما معتقدیم حضرت پیامبر اکرم ﷺ دست باز نماز می خواندند. چون اهل بیت علیهم السلام در روایات این طور نقل کرده اند.^(۳)

- ۱ - «إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ». (سوره الحاقه آیه ۳۳).
- ۲ - «وَلَا يُؤَدُّهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ». (سوره بقره آیه ۲۵۵). و آیه «كُلُّ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ». (سوره شوری آیه ۴۲).
- ۳ - عن الصادق عن آبائه عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام لا يجمع المسلم يديه في صلاته وهو قائم بين يدي الله عز وجل يتشبه بأهل الكفر يعني المجوس. بحار الأنوار ج : ۸۱ ص : ۳۲۵ ح ۱
علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال قال علي بن الحسين عليه السلام وضع الرجل إحدى يديه على الأخرى في الصلاة عمل وليس في الصلاة عمل. بحار الأنوار ج : ۸۱ ص : ۳۲۵ ح ۳

سؤال هفتادم:

چرا در نماز تشهد می‌گوئیم و معنای آن چیست؟

پاسخ ما:

ما نماز را که می‌خوانیم هر دو رکعت نماز مقدمه تشهد است. اساساً نماز خواندن مقدمه تشهد است. در سوره حمد و توحید که کلام خدا است ثنای خدای تعالی در توحید خلاصه می‌شود و در حمد ابراز عبودیت و اعتماد به خدا و بعد دعا است عیناً این مطالب در تشهد هست به عنوان ابراز عقیده در رکوع و سجود، مقدمه‌ای برای ابراز عقیده است. چون همه چیزها در ابراز عقیده خلاصه می‌شود و به همین دلیل نماز را در لابلای زندگی ما قرار دادند در اوّل تشهد «الحمد لله» مستحب است بعد «اشهد ان لا اله الا الله» شهادت بر وحدانیت خدا و نداشتن شرک که خیلی مهم است و اگر این مسأله در زندگی ما درست شود تمام دنیا و آخرتمان درست است روایات زیادی هست که خدای تعالی شخص موحد را ابداً به جهنم نمی‌برد^(۱) در حدیث سلسله الذهب که حضرت امام رضا علیه السلام در نیشابور

۱ - روایات در این مورد فراوان در بحار الانوار جلد ۳ باب ۱ حدیث ۹: عن ابی عبد الله علیه السلام ان الله تبارک و تعالی حرم اجساد الموحدين على النار.

فرمودند: «کلمه لا اله الا الله حصنی» یک حصار محکمی است که اگر کسی در این حصار وارد شود «فمن دخل حصنی امن من عذابی» و حضرت بعد از چند قدم ایستادند فرمودند: «بشروطها و انا من شروطها»^(۱) یعنی کلمه «لا اله الا الله» حصن است اما به شرطی که توحید را از راه ولایت به دست آورید که یکی از آن ائمه و ولی مردم من هستم. پس خدای تعالی را باید از راه ائمه اطهار علیهم السلام بشناسیم.^(۲)

اگر یک کافر که نجس است به اصطلاح دست تربه او نمی شود زد و اگر بمیرد حتماً به جهنم می رود اگر بگوید «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» چه تأثیری در او می گذارد؟ پاک می شود، همین آدم اهل بهشت است آن وقت در نماز می گوئید «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له» و هیچ تأثیری در تو نمی گذارد. شما نمی فهمید تأثیرش هست، شما متوجه نمی شوید چون آن قدر دیوار جلوی خود گذاشته اید که هر چه خراب می کنند از آن طرف در تاریکی خودت را می گذاری اما نمی فهمی. کلمه «اشهد» معنایش این است که من مشاهده می کنم که جز خدا، خدایی دیگر نیست. من می بینم که همه کارها در دست خدا است. «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» ما در سوره حمد که «اَیُّکَ نَعْبُدُ» گفتیم. در اینجا الگو به دست ما می دهند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبد خدا است. خدای تعالی می فرماید: «وَمَا یَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»^(۳) روی هوای نفس کلمه ای نمی گوید اگر کسی بخواهد بنده واقعی خدا بشود نباید کلمه ای روی هوای نفس بگوید، اعمال و رفتار و سکوت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه حجت است. پس بنابراین باید بنده شد که نمونه کامل بندگی،

۱ - بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۱۲۳ حدیث ۴.

۲ - عَنْ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ بِنَا عَبْدِ اللَّهِ وَ بِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَ بِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مُحَمَّدٌ حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. الکافی ج: ۱ ص: ۱۴۵

۳ - سوره نجم آیه ۳.

حضرت پیامبر اکرم ﷺ است. بارزترین نشانه عبودیت حضرت پیامبر اکرم ﷺ این است که یک کلمه روی هوای نفس حرف نمی‌زنند پس بنابراین این دو شهادت را باید تحت برنامه ائمه اطهار علیهم السلام بگوئیم. و صلوات هم که واجب است در تشهد گفته می‌شود روایت داریم «الدعاء العبادۃ»^(۱) و تنها دعای واجب در نماز، گفتن صلوات است که انسان به جایی می‌رسد که واسطه بین خدای تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ می‌شود و تقاضا می‌کند خدای تعالی رحمت خاصه‌اش را بر حضرت پیامبر اکرم ﷺ و آل او بفرستد و از این هم بالاتر انسان خود را در کنار حضرت پیامبر اکرم ﷺ می‌بیند که می‌گوید: «السَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» آن قدر بالاتر می‌رود که خود را با معصومین و بندگان صالح خدا مخلوط کرده و بلکه اول خود را می‌گوید: «السَّلامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِیْنَ».

سؤال هفتاد و یکم:

شهادتین یعنی چه؟ شاهد به چه کسی و به چه نوع مشاهده‌ای شهادت می‌گویند؟

پاسخ ما:

از نظر واقع یک دیدن داریم که رؤیت گفته می‌شود. اما یک وقت تمام خصوصیات را در نظر می‌گیرد. دیدن دقیق چیزی با جمیع خصوصیات و بدون کمی و کاستی شهادت است. اگر خصوصیات کامل یک ازدواج را نمی‌دانی، نمی‌توانی شهادت بدهی و بگویی من دیدم این دو با هم ازدواج کرده‌اند. می‌گویند شهادت بدهید تمام آنها در مغز انسان می‌آید لذا در دادگاه شاهد می‌خواهند، شاهد باید حتماً تمام خصوصیات را دیده باشد سطحی نمی‌شود باشد. شاهد یعنی دیدم با کمال عمق و خصوصیات و اعتقاد دارم، این معنای شهادت است. شما ممکن است یک نفر را در خیابان دیده باشید حدس بزنید فلانی است، نمی‌توانید بگوئید حتماً او است. انسان باید از نظر علمی به جایی برسد که یقین بداند خدا شریکی ندارد و همه خصوصیات را بداند و شهادت بدهد «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». ما درباره وحدانیت خدای تعالی می‌گوئیم: «اشهد» یعنی معنای بالاتر از دیدن است یعنی من دارم حس می‌کنم، لمس می‌کنم، با تمام وجود درک می‌کنم، خدایی جز خدا نیست. این بالاتر



از رؤیت و علم است. انسان باید به مرحله حق‌الیقین برسد تا بگوید: «اشهد» در نماز، تشهد هم به همین معنا است. به کسی که در راه حق کشته شده شهید می‌گویند یعنی روحش بعد مرگ شاهد تمام خصوصیات است و حقایق را می‌بیند به خلاف کسی که معمولی می‌میرد.

شهادتین دو جمله است، در جمله دوم خصوصاً اسم برده شده تا دقیق باشد و بدانیم این خدای با عظمت که همه حیوانات را راهنمایی به مصالح و مفاسدشان کرده، بشر را رها نکرده واسطه‌ای قرار داده که حضرت محمد صلی الله علیه و آله است او رسول است. کسی که این را معتقد باشد هیچ برنامه‌ای از خود ندارد برای اینکه اعمال مقبول خدای تعالی شود باید پشت سر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله حرکت کنیم و احدی بین ما و خدا جز او واسطه نیست و باید از ایشان تبعیت کرد. پس جمله دوم شهادتین یعنی من شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول است و هر چه گفت باید عمل کنم. این دو جمله کافر را پاک می‌کند و سبب می‌شود به امامت و قیامت اعتقاد پیدا کنیم.

سؤال هفتاد و دوم:

«الصلاة قربان کلّ تقی»^(۱) لطفاً درباره این حدیث توضیح بفرمائید.

پاسخ ما:

نماز وسیله نزدیک شدن هر با تقوایی است به خداوند. البتّه انسان وقتی به خدا نزدیک می شود که صفات رذیله اش را ترک کرده باشد، کسی که صفات حیوانی دارد همان صفات حیوانی و سیرت حیوانی او ظاهر می شود و او را به صورت یک حیوان در می آورد.

۱ - عن ابی الحسن الرضا علیه السلام: الصلاة قربان کل تقی. (کافی جلد ۳ صفحه ۲۶۵، وسائل الشیعه جلد ۴ صفحه ۴۳).

سؤال هفتاد و سوم:

گاه اموری مهم پیش می‌آید چکار کنیم تا راه صحیح را انتخاب

کنیم؟

پاسخ ما:

روایت است هر وقت کاری داشتید دو رکعت نماز بخوانید و از خدا بخواهید راه صحیح را به شما نشان دهد و هر چه به دل‌تان آمد و الهام شد همان را انجام دهید که به صلاح شما است این یک نوع استخاره صحیح است.^(۱) با دو رکعت نماز انسان پاک می‌شود وقتی انسان در سجده است نزدیک‌ترین وضع به خدا است. خدای تعالی طبق صریح قرآن همه موجودات را هدایت کرده است^(۲) آن وقت

۱ - کافی جلد ۳ صفحه ۴۷۱ حدیث ۴ و ۷.

۲ - عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ رَبِّمَا أَرَدْتُ الْأَمْرَ يَفْرُقَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَخِيهِمَا يَأْمُرُنِي وَالْآخَرُ يَنْهَانِي قَالَ فَقَالَ إِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَرَّةً ثُمَّ أَنْظِرْ أَخْرَمَ الْأَمْرَيْنِ لَكَ فَافْعَلْهُ فَإِنَّ الْخَيْرَ فِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ لَتَكُنِ اسْتِخَارَتُكَ فِي عَافِيَةٍ فَإِنَّهُ رَبُّمَا خَيْرٌ لِلرَّجُلِ فِي قَطْعِ يَدِهِ وَ مَوْتِ وَلَدِهِ وَ ذَهَابِ مَالِهِ. الكافي جلد: ۳ ص : ۴۷۲

انسان کر و کور باشد «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^(۱) باید با خدا ارتباط داشته باشد، انسان از انس گرفته شده است یعنی باید با پروردگار انس بگیرد. مثل کوری در موقع دعا هستیم که سفیدی و سیاهی برایمان فرقی نمی‌کند. صداها را می‌شنویم اعتنا نمی‌کنیم مناجات با پروردگار یک لذتی دارد.



سؤال هفتاد و چهارم:

چرا در نماز جماعت حمد و سوره را نباید مأوم بخواند؟

پاسخ ما:

اگر جمعی نزد بزرگی بروند و نماینده آنها درخواستی بکنند آن بزرگ زودتر درخواست آنها را عنایت می‌کند. روابط انسان با خداگاه خصوصی و گاه جمعی است. در مسجد همه دسته‌جمعی به ملاقات خدا آمده‌اند و سوره حمد می‌خوانند لذا نباید مأومین حمد و سوره را بخوانند چون امام جماعت که نماینده همه است می‌خواند و صحبت می‌کند.^(۱) این را بدانید اصل نماز به جماعت وارد شده است. «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»^(۲) نماز فرادی فرع بر جماعت است.

۱ - عن زرارة قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول يجب الإنصات للقرآن في الصلاة و في غيرها و إذا قرئ عندك القرآن وجب عليك الإنصات و الاستماع بحار الأنوار ج : ۸۵ ص : ۱۰۸

۲ - سوره بقره آیه ۴۲.

سؤال هفتاد و پنجم:

آیا واجب است همسایگان مسجد، نماز را در مسجد بخوانند؟

پاسخ ما:

از آداب نماز جماعت این است که اذان اعلانی بگویند. اذان اعلانی که گفته می‌شود همه همسایگان مسجد موظف هستند به مسجد بیایند و ده دقیقه تا یک ربع مستحب است بین اذان اعلانی و اقامه نماز فاصله شود. روایت است از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لا صلاة لجار المسجد الا فی مسجد»^(۱) ما از مسجد خیلی فاصله گرفتیم و توقع داریم خدا به ما تفضل کند همین که زنده ما را نگه داشته خیلی تفضل است. نماز اول وقت در حقیقت یک ربع بعد از اذان است تا همه به نماز جماعت برسند. البته زودتر در خانه بخوانید اشکال ندارد ولی در نماز جماعت خصوصاً برای امام جماعت کراهت دارد.

۱ - التهذیب جلد ۱ صفحه ۹۲ حدیث ۹۳ و جلد ۳ صفحه ۶۰ وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۱۹۴ حدیث ۶۳۱۰.



سؤال هفتاد و ششم:

آیا اجتماع در نماز جماعت و ثواب آن اثری دارد؟

پاسخ ما:

بله، به همین جهت است که فرموده‌اند در رکوع اگر کسی برسد مستحب است امام جماعت دو برابر رکوع را طول دهد تا او بتواند به نماز برسد. در نماز جمعیت هر چه بیشتر باشد اهمیت نماز بیشتر است. دو نفری ثواب سه نفری ندارد وقتی به ده نفر رسید آن قدر ثواب دارد که کسی ثواب آنها را نمی‌تواند جمع کند.^(۱) لذا امام جماعت باید صبر کند تا همه برسند. کسانی که اذان را می‌شنوند نباید کاری واجب‌تر از نماز جماعت و اول وقت خواندن داشته باشند و کسی که مسامحه کند به خدای تعالی توهین کرده است چون خدا در صف قرار گرفته و جلو آمده و او خدا را عقب زده است.

به نماز اول وقت اهمیت بدهید احترام به خدا است و احترام به خدا احترام به خودتان است.

۱ - روایات در این خصوص فراوان است به عنوان نمونه: من لایحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۳۷۵ و تهذیب الاحکام جلد ۳ صفحه ۲۴ و وسائل جلد ۸ صفحه ۲۸۵.

سؤال هفتاد و هفتم:

من در جایی هستم معمولاً نماز دیر می شود چه کار کنم؟

پاسخ ما:

از ایشان باید سؤال شود اگر همان روز که نمازت دیر شد بلیط پرواز داشتی آن هم دیر می شد؟ اگر این طور بود بر تو حرجی نیست، اما اگر نه دیر نمی شد اهمیت می دادی و نماز را اهمیت نمی دهی این کار شما مشمول همان جمله حضرت امام صادق علیه السلام می شود که شفاعت ما به کسانی را که نماز را سبک بشمارند شامل نمی شود. (۱)

شما به اندازه یک بلیط اهمیت نمی دهید. یک وقتی پدرم همسایه ای آورده بود دیدیم یک خروس با خود آورده پرسیدیم این چیست؟ گفت من خمیرگیر نانوایی هستم خروس بخواند باید بروم و همین طور هم بود انسان اگر به نماز اول وقتش اهمیت بدهد نمازش از بین نمی رود اگر واقعاً کار انسان این طور است که حتی اگر پرواز داشت هم نمی توانست برود خدا به او آسان می گیرد.

سؤال هفتاد و هشتم:

در نماز جماعت وقتی طولانی می شود حال توجّه بهتری پیدا

می کنم آیا صحیح است طولانی بخوانم؟

پاسخ ما:

نماز جماعت طولانی خواندن و حضور قلب پیدا کردن خوب و تردیدی در آن نیست اما به طور کلی در دستورات مربوط به آداب جماعت دستور می دهند که نماز جماعت را طوری بخوانید که ضعیف ترین مأمومین که با شما نماز می خوانند اذیت نشوند.^(۱)

حضرت رسول اکرم ﷺ سریع نماز می خواندند.^(۲) لذا برای امام جماعت بهتر است سریع بخواند. گاه در نمازی که سریع خوانده می شود حضور قلب بیشتر است البته نه آن قدر سریع که دیگران به او نرسند و مأمومین اذیت شوند به اندازه ای که انسان بتواند واجبات را درست و صحیح انجام دهد استحباب دارد که سریع بخواند.

۱ - قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ آخِرُ مَا فَارَقْتُ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي ص أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً أَضْعَفَ مِنْ خُلْفِكَ وَلَا تَتَّخِذَنَّ مُؤَدَّنًا يَأْخُذُ عَلَى أَذَانِهِ أَجْرًا. من لا يحضره الفقيه جلد: ۱ ص: ۲۸۳ ح ۷۸۰

۲ - وسائل الشيعة جلد ۸ صفحه ۴۱۹.

سؤال هفتاد و نهم:

از ابتدا نماز به چه صورت بوده آیا از اول خلقت حضرت آدم عليه السلام وجود داشت؟

پاسخ ما:

ما از زمان حضرت آدم عليه السلام به بعد را اطلاع داریم. نماز به معنای ارتباط انسان با خدا است و سخن گفتن خدا با انسان و جواب گفتن انسان به خدا. خود ارتباط معنایش این است که دو نفر با هم حرف بزنند من با او حرف بزنم و او با من حرف بزند. یقیناً در همه ادیان یکسان نبوده و به مقتضیات ادیان فرق داشته. قبل از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حمد و سوره نبوده و یقیناً نماز آنها حمد و سوره نداشته از قول حضرت عیسی عليه السلام در قرآن می‌گوید: «أَوْضَانِي بِالصَّلَاةِ»^(۱) ما معتقدیم «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»^(۲) پس نماز آنها چه طور بوده؟ آنها نماز خودشان را می‌خواندند و هر پیامبری نماز و زکات خاص داشته پیامبران آمده‌اند بشر را با خدا مرتبط کنند، ارتباط بوده اما به چه نحوه‌ای گاهی به نحوه مناجات با خدا و خدا هم

۱ - سوره مریم آیه ۳۱.

۲ - المستدرک جلد ۴ صفحه ۱۵۸ و عوالی الالی جلد ۲ صفحه ۲۱۸.

واقعاً با آنها حرف می‌زده گاهی همان کتاب آسمانی را می‌خواندند عین این هم در اسلام هست و حرفهایی که در نماز می‌زنیم اگر متوجه باشیم جواب ما به خدا است یعنی جواب سوره حمد است. خدا گفته این کار را بکن ما داریم انجام می‌دهیم نماز در همه ادیان بوده ولی شکلش با نماز ما فرق دارد.^(۱) اگر قبل از حضرت آدم هم بشری بوده نماز هم بوده است.

-
- ۱- به عنوان نمونه موارد زیر در آیات قرآن دیده می‌شوند:
- میثاقی که خدای تعالی از بنی اسرائیل گرفت: سوره بقره آیه ۸۳ و سوره مائده آیه ۱۲.
- در وحی‌ای که به حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون شد: سوره یونس آیه ۸۷.
- مناجاتهایی که حضرت ابراهیم علیه السلام با خدای تعالی داشت: سوره ابراهیم آیات ۳۷ و ۴۰.
- وحی خدای تعالی با حضرت موسی علیه السلام: سوره طه آیه ۱۴.
- اقوامی که پس از هر یک از انبیاء نماز را ضایع کردند: سوره مریم آیه ۵۹.
- سفارش جناب لقمان حکیم به فرزندش: سوره لقمان آیه ۱۷.
- قول حضرت عیسی علیه السلام در ابتدای تولد: سوره مریم آیه ۳۱.

سؤال هشتم:

در نماز جماعت اگر انسان جلوتر از امام سر به سجده بگذارد
آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ ما:

معنای جماعت این است «اذا رکع فارکعوا»^(۱) اگر جلوتر از امام انسان ذکر بگوید و عمداً باشد باطل است. اگر بی توجهی کند ثواب ندارد و اگر دقیق با امام باشد یعنی یک لحظه بعد امام باشد درست است تأخیر مفرط نداشته باشید بعضی مقدسها سر به سجده می گذارند همه مردم تشهد خواندند و آنها سر بلند نکردند، دقیق باشید «اذا رکعوا فارکعوا» من در درس آقا سید ابوالحسن اصفهانی بودم ایشان معتقد بود اگر بعد امام فوری سر بر ندارید به روایت عمل نشده است «فارکعوا» یعنی شما رکوع کنید. لذا شما زحمت می کشید طوری عمل کنید که صحیح باشد.



سؤال هشتاد و یکم:

ترتیب وضو گرفتن و نماز خواندن که ما الان رعایت می‌کنیم آیا همان ترتیب وضو و نماز زمان حضرت رسول اکرم ﷺ است؟

پاسخ ما:

آنچه علما در نماز استنباط کرده‌اند این است که نماز به همین شکلی بوده که می‌خواندیم ممکن است مهر گذاشتن را حضرت پیامبر اکرم ﷺ رعایت نمی‌کرده‌اند ولی مسلم روی زمین سجده می‌کرده برای نماز دو شرط در سجده است یکی اینکه روی زمین سجده کنیم دوّم جای سجده پاک باشد و جایی باشد که زمین اطلاق می‌شود بر خاک و سنگ و چیزهایی که از زمین می‌روید و خوردنی و پوشیدنی نباشد، صحیح است، اما این فرش که از پشم گوسفند درست شده صحیح نیست فرش، ملحفه، تشک جزو زمین نیست. حضرت امام صادق علیه السلام سجده را روی این چیزها صحیح ندانسته‌اند و برای اینکه در کف اتاق خاک پیدا نمی‌شود به خاطر اینکه راحت باشند یک تکه خاک تمیز به نام مهر درست کرده‌اند در اتاق گذاشته‌اند. وضو چون سیره مردم مسلمان بوده، وضو را به همین شکل می‌گرفتند اختلاف شیعه و سنی هم بر می‌گردد به آیه قرآن که «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ

أَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ»^(۱) صورتهایتان را بشوید بعد دستهایتان را بشوید ما می‌گوئیم اصل دست شستن طبیعی است اینکه از پائین آب می‌ریزند به بالا طبیعی نیست غیر طبیعی می‌شود. طبیعی این است که دست به طرف پایین است آب رویش بریزیم از بالا به پایین بریزد اگر بخواهیم دست از طبیعی بیرون بکشیم باید فرمان الهی داشته باشیم، اما فرمانی نداریم که از پایین به بالا بریزیم خدای تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» برخی فکر کرده‌اند در تعیین حد، انتها را گفته‌اند که از نظر دین هم غلط است. یک طرف شستن معلوم است، سر انگشتان. آن طرف معلوم را روشن می‌کند و می‌گوید تا آنجا بشوید. اما مسح سر، آقایان اهل سنت پایشان را می‌شویند خدا می‌فرماید: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ» سر و پایتان را مسح کنید. مسح کنید را ترجمه می‌کنیم دست بکشید سرتان را یا پایتان را تا بلندی پا مسح کنید و دست بکشید صورت را گفته: «فَاغْسِلُوا» صورت را بشوید اگر سر را جلوتر می‌گفت و وصل به دست و پا می‌کرد معنای شستن می‌داد. اشتباهی که پیش آمد، به خاطر این است که سابق جوراب و اینها نبوده برای نماز پاها را می‌شستند که برای نماز تمیز باشد. شستن پا خارج از وضو خوب است اما ربطی به وضو ندارد و از احکام اسلام نیست. بنابراین مسح یعنی دست کشیدن.^(۲)

۱ - سوره مائده آیه ۶.

۲ - (مسح) قوله تعالى: و امسحوا برءوسكم الآية المسح بفتح الميم فالسكون إمرار الشيء على الشيء، و يقال مسح برأسه و تمسح بالأحجار و الأرض، و الباء فيه للتبعيض عند الإمامية، و وافقهم على ذلك جمع من أهل اللغة، و ورد بها النص الصحيح عن الباقر عليه السلام، و إنكار سيبويه و ابن جني مجيئها له مرجوح بالنسبة إلى خلافه. مجمع البحرين



سؤال هشتاد و دوم:

اگر در نماز واجب قنوت را فارسی بخوانند آیا نماز باطل است؟

پاسخ ما:

نظر مرجع تقلید را باید بپرسید که البتّه به ندرت اجازه داده‌اند در قنوت دعا را فارسی بخوانید اما اگر مرجع تقلید فتوا نداده و به سلیقه خود خوانده اشکال دارد.^(۱)

۱ - این مطلب در بین نظرات مراجع عظام مورد اختلاف است که بحث آن همراه مدارکش در المستمسک العروة الوثقی جلد ۶ صفحه ۴۹۸ تا ۵۰۰ مسئله ۳ و مطالب ذیل آن آمده است.

سؤال هشتاد و سوم:

چگونه دو عمل هر دو برتر حساب می شوند مثلاً یک روایت می فرماید: بهترین اعمال نماز^(۱)، و دیگری می فرماید: بهترین اعمال انتظار فرج است.^(۲) این دو با هم چگونه جمع می شوند؟

پاسخ ما:

اعمال را اگر بر سه بخش تقسیم کنیم: ۱- اعمال عبادی ۲- اعمال نیکی کردن ۳- انتظارها.

در بخش اول که اعمال عبادی است افضل و بهترین اش نماز است. در نیکی کردن ها برترین نیکی کردن، نیکی به پدر و مادر است در قسمت سوم که انتظارها هست بهترین نوع انتظار، انتظار فرج است. لذا اینها را با هم نباید مقایسه کرد.

۱ - النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ وَ أَقْبَلَ عَلَى أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ فَقَالَ يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِطَرِيقِ الْحَقِّ إِلَى أَنْ قَالَ ص يَا أُسَامَةُ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ وَ عَمُودُهُ وَ ذِرْوَةُ سَنَامِهِ
مستدرک الوسائل ج: ۳ ص: ۹۲ ح ۳۲-۳۰۹۹

۲ - عن النبي ﷺ: افضل الاعمال امتي انتظار الفرج من الله عز و جل. (بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۱۲۸).



سؤال هشتماد و چهارم:

چرا در دستورات و اذکار تکرار زیاد وارد شده است؟

پاسخ ما:

تکرار بعضی اذکار و کلمات برای این است که دل‌های ما جور و اجور است یکی دلش سنگ است، یکی سیمان، دیگری گچ و یکی هم کاهگل است اگر سنگ باشد میخ فرو نمی‌رود باید آرام آرام بکوبند، تکرار کنند تا قدری فرو برود بلکه از قرآن استفاده می‌شود «قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً»^(۱) هیچ چیز در آن فرو نمی‌رود. گاه دیوار سیمانی است خوب میخ چدنی را با چکش بکوبی فرو می‌رود لذا باید کوبید تا در سیمان فرو رود، اما در گچ راحت‌تر فرو می‌رود. در کاهگل خیلی شل است. دل‌های ما هم این طوری است بترسید خدای نکرده دلتان سنگ نشود که اگر سنگ بشود انسان را وامی‌گذارند. «قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» نه با تکرار، نه با کوبیدن، نه با دعای زیاد خواندن و نه موعظه زیاد، هیچ چیز در او اثر نمی‌کند، به او می‌گویی آقا این صفت خوب نیست نمی‌فهمد. گاه در یک جمله دل انسان سنگ است، اما در بعضی چیزها خوب است

۱ - سوره بقره آیه ۷۴.

در صفات مختلف روحی گاه دل انسان سنگ است باید در جمیع صفات نرم باشد روایت دارد شخصی خدمت حضرت پیامبر اکرم ﷺ رسید گفت تا فقری پیش من می آید مثل این است که آتشی به سوی من می آید حضرت فرمودند: دور شو من می ترسم آتشی بر تو نازل شود مرا هم بگیرد. (۱) خدا به حضرت پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى» (۲) تو به مرده نمی توانی چیزی بفهمانی. «طه ما أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (۳) ای پیامبر قرآن بر تو نازل نشده که خودت را به مشقت بیندازی. مواظط حسنه باید خیلی اثر کند. گاه شخص یک ظلم کرده تذکری به او می دهی می بینی اثر می کند. کسانی که دل شان مثل سیمان است با تکرار اذکار این میخ فرو می رود و دلشان باز می شود بالاخره سوراخ می شود. مهمترین اذکار، بهترین میخ ها برای انفجار قلب و بهترین چکش ها برای سوراخ کردن دیوار سیمانی، صلوات با توجّه است و معنایش این است «اللّهُمَّ» ای خدا «صلِّ» رحمت مخصوصهات را نازل کن بر عزیزترین فردت، این شخص صلوات فرستنده باید خیلی مقامش بالا برود مثل اینکه یک همسایه دیوار به دیوار بگوید به بچه ات محبّت کن به انسان می خندند. باید خیلی نزدیک باشد که بپذیرد و محبّت کند خیلی مهم است پیامبری که اگر خدا می خواست فرزند داشته باشد او را انتخاب می کرد زیرا خدای تعالی می فرماید: «قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ» (۴) خدایا به چنین فردی نیکویی و محبّت کن، محبّت را نازل کن. ببینید چه مقامی است و باید چقدر شخص صلوات فرستنده عزیز باشد. لذا صلوات با این توجّه

۱ - بحار الانوار جلد ۲۲ صفحه ۱۳۰ و جلد ۶۹ صفحه ۱۳.

۲ - سوره نمل آیه ۸۰.

۳ - سوره طه آیات ۱ و ۲.

۴ - سوره زخرف آیه ۸۱.

میخ بسیار برنده و چکش قوی است تکرار کنید. در قنوت نماز اگر کسی صلوات بفرستد بهترین دعاها و بالاترین دعاها است هر چه می‌توانید و حال‌تان ایجاب می‌کند تکرار کنید، گاه بعضی زودتر و گاه بعضی دیرتر، بعضی با ده صلوات به آسمان می‌روند. یکی از علمای قم آقای رضوی می‌گفت من در اتاق نشسته بودم صلوات می‌فرستادم که ناگهان سقف باز شد من بالا رفتم، انسان با صلوات به معراج می‌رود. صلوات رفتن نزد خدا است و شفیع شدن بین خدا و حضرت پیامبر اکرم ﷺ و آل او که خدا رحمتش را بر آنها نازل کند ببینید کجا پا گذاشتید، آن وقت برای آب خوردن منبری صلوات می‌فرستند. با مرحوم استاد رضوان الله علیه در ماشین نشسته بودم یکی بلند شد گفت برای سلامتی امام زمان ﷺ صلوات، برای سلامتی آقای راننده صلوات، این مرد مثل اینکه بچه‌اش مرده با یک ناراحتی فوق‌العاده‌ای گفت تو راننده را با امام زمانت ﷺ کنار هم می‌گذاری! معنای صلوات را بفهمید و بدانید صلوات بهترین ذکر برای باز شدن دل است وقتی حضرت موسی ﷺ عصایش را بلند کرد به آن سنگ بزند از اسم حضرت پیامبر اکرم ﷺ و آل ایشان تبرک جست والا سنگ منفجر نمی‌شد.^(۱) دومین ذکر «لا اله الا الله» است که به انحاء مختلف اینها خیلی مؤثر است سَوَم «لا حول ولا قوّة الا بالله» این سه ذکر خیلی مهم است و باید برای رفتن به عالم غیب و ملکوت و جدا شدن از این عالم خیلی گفته شود.

۱ - تفسیر امام العسکری ﷺ ذیل آیه ۶۰ سوره بقره، بحار الانوار جلد ۱۳ صفحه ۱۸۴ و جلد ۱۶ صفحه ۴۰۸.

سؤال هشتاد و پنجم:

انسان در نماز آیات چگونه باید فکر کند؟

پاسخ ما:

نماز صد درصد با فطرت انسان سازش دارد. مهمترین نماز که با فطرت انسان سازش دارد، نماز آیات است که مثلاً منجمین تا سیصد سال دیگر می‌توانند سایه ماه را که بر زمین می‌افتد تعیین کنند. اگر انسان را محدود نکنند، دوست دارد دائم به رکوع برود و خضوع کند، خورشید را ببیند، خضوع کند به رکوع برود، اما او را به پنج رکوع در نماز آیات محدود کرده‌اند.

مثلاً اگر به شما بگویند فلان جا به سر فلان ثانیه بایست اگر توانستید؟! یا اینکه بگویند سر فلان ثانیه ماشینت را فلان جا بگذار، کار مشکلی است ولی دانشمندان می‌توانند برای سیصد سال بعد کسوف یا خسوف را تعیین کنند. یعنی بفهمند که خورشید را در جای خود، خدای تعالی قرار می‌دهد و حتی ثانیه‌اش را تعیین کنند این خیلی مهم است. شاید در صدها کهکشان، ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی باشد اما این خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی مربوط به کره زمین ما است و منجمین ما به عنوان نمونه آن را در لحظات معلوم تعیین می‌کنند. پس در نماز آیات به قدرت پروردگار و نظم عجیب عالم که به وسیله پروردگار به وجود آمده فکر می‌کنیم.



سؤال هشتاد و ششم:

گاهی انسان خسته نیست ولی حال و توجه در عبادت ندارد اما
گاه با اینکه خسته است توجه دارد این چگونه است؟

پاسخ ما:

در واقع همین حالت روحی و فکری قبض و بسط است. یک مقدار مربوط به جنبه‌های روحی انسان است و بخشی مربوط به جنبه‌های مادی است. مثلاً گاه انسان معده‌اش سنگین است و یا کم‌خوابی کشیده (البته خسته نیست). گاه لازمه حرکت به سوی خدا همین قبض و بسطها است. چراغ ماشین وقتی از دور خاموش و روشن می‌شود نشان‌دهنده حرکت آن ماشین است در قرآن آمده که قبض و بسط دست خداوند است.^(۱) اگر شخص در مسیر کمالات باشد همین قبض و بسط نشانه ترقی است. در غیر این صورت نشان‌دهنده گناهان شخص است. ما فکر می‌کنیم گناه یعنی قمار و مشروب خوردن است. در روایت آمده که انسان حرکتی می‌کند، حرفی می‌زند و کسی را از خود محزون می‌کند. این هم ممکن است گناه محسوب شود

۱ - مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
(سوره مبارکه بقره آیه ۲۴۵).

یکی از اولیاء خدا می‌گفت یک دقیقه محزون کردن کسی یک ماه انسان را عقب می‌اندازد. حاج ملا آقا جان می‌فرمود: پنج نفر را در روز خوشحال کنید. سعی کنید حتی یک نفر را از خود ناراحت نکنید. محزون کردن افراد در روحيّات انسان خیلی مؤثر است به خصوص اگر مظلوم باشد. اگر طرف هم ظالم بود بروید و عذرخواهی کنید یا فوری با او رابطه برقرار کنید البتّه در قرآن آمده با یک عدّه از ظالمین نباشید. گاه انسان فکر می‌کند کاری نکرده و طرف هم حقش بوده امّا اینها از گناهانی است که در مسائل روحی مؤثر است و قبض به دنبال دارد و از کمالات روحی انسان را عقب می‌اندازد و به حساب هم نمی‌آید و انسان نمی‌داند چه شده است.

مکرّر گفته‌ام وقتی گرفتاری‌های غیر مترقبه برای تان پیش می‌آید از سه حال خارج نیست:

۱- یا مال حرامی در مال انسان وارد شده است.

۲- یا فرد مظلومی را محزون کردید.

۳- یا گناهی را زیاد انجام دادید قبح آن در نظرتان از بین رفته است. (البتّه مکروهات هم در سطح پائین‌تر مؤثر است).

سؤال هشتاد و هفتم:

سوره حمد که در نماز می خوانیم چه ارتباطی با سایر اعمال نماز دارد؟

پاسخ ما:

سوره حمد مثل نامه ای است که خدای تعالی برای انسان فرستاده است و دستور خدا است که ما باید بخوانیم. در حمد و سوره خدای تعالی با ما صحبت می کند و در بقیه نماز ما با خدا صحبت می کنیم. پس در حمد و سوره روی ما به خدا نیست در واقع خدا گفته بگو می گوئیم، چون انشاء خداوند است. حمد به معنای گُرنش است و ما باید از نظر بدنی و زبانی کرنش کنیم. رکوع و سجود جواب «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» است. در رکوع هم زبانی و هم بدنی کرنش کرده و حمد و ستایش می کنیم در سجده نهایت کرنش است که خود را به نهایت «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می رسانیم. لذا چون خدای تعالی فرموده حمد کنید و به ما دستور داده در رکوع و سجود عملاً و زبانه انجام می دهیم یعنی بقیه نماز عمل به دستور پروردگار در سوره حمد است.

سؤال هشتاد و هشتم:

وقتی به یک جمله یا کلمه در نماز می‌رسیم و به آن فکر می‌کنیم از بقیه نماز غافل می‌شویم چه کار کنیم؟

پاسخ ما:

در نماز مستحبی این کار را می‌شود کرد مثلاً حدود پنجاه تا صد مرتبه بگوئیم «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» بدون قصد و جزئیت در نماز تا از آن مفهوم و معنی یک جمله از حمد ارضاء بشویم. ولی در نماز واجب این کار را نمی‌شود کرد.



سؤال هشتاد و نهم:

بهترین ذکر برای رکوع و سجود کدام است؟

پاسخ ما:

اذکار معروف در سجده و رکوع واجب نیست. سه تا «سبحان الله»^(۱) یا یکی و یا یک «لا اله الا الله» کافی است^(۲) اما بهتر آن است که در سجده چنین بگوئیم «سبحان ربی الاعلی و بحمده»^(۳) البتّه در سجده که «ربی الاعلی» می گوئیم بالاتر از «ربی العظیم» در رکوع است یعنی در سجده پروردگار را بالاتر حمد و ستایش می کنیم و ذکر سجده بالاتر از ذکر رکوع است.

۱ - وسائل جلد ۶ صفحه ۳۰۳.

۲ - وسائل جلد ۶ صفحه ۳۰۷.

۳ - وسائل جلد ۶ صفحه ۲۹۹.

سؤال نودم:

اذکار نماز را چگونه بگوئیم که دروغ نگفته باشیم؟

پاسخ ما:

در سجده و رکوع می گوئیم «سبحان ربی الاعلی، سبحان ربی العظیم» معنی این جمله این است که در نماز می گوئید مربی اعلی یا مربی عظیم من خدای تعالی است. آیا این گفتار با اعمال ما مطابقت می کند که ما دارای گناهان زیادی از قبیل سرقت و غیبت و... باشیم و مدعی این باشیم که مربی ما خدای تعالی است؟ او مربی تو بود که این طور دزدی می کنی؟ او مربی تو است که تو را تربیت کرده و تو دروغ می گویی؟ اگر به یک نفر بگوئید تو مربی من هستی و همه کارهای خلاف منظور او را انجام بدهی آیا می توان گفت او مربی تو است؟!

بیچۀ شما وقتی زیاد خلاف کند می گوئید من او را تربیت نکرده ام، مربی او نیستم. آیا خدای رحمان و رحیم مربی تو است که در مقابلش ضعیف ترین افرادی که زیر نظر تو هستند، مثل همسر و فرزندان را اذیت می کنی؟!

خیلی عجیب است بر روی این مسأله فکر کنید «سبحان ربی، یارب» ای مربی من، ای پروردگار من، ای کسی که مرا تربیت می کنی؟ یعنی خدا این طور تو را

تربیت کرده است و از تو اینها را خواسته است؟

باید هر آن چه را که ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند بر روی خود پیاده کنیم و به آن عمل نماییم تا ربّ ما خدا باشد. اما تو تربیت شده فرهنگ اروپا و کوچه و بازار کفار هستی! تو تربیت شده پدر و مادر تارک الصلّاتی، اگر تربیت شده خدا باشی علم و حکمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در دل تان می‌آید. ارتباط با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام پیدا می‌کنید. دیگر جز حکمت از زبان شما خارج نمی‌شود. جز حکمت عمل نمی‌کنید. همان طور که خدا هر چه گفته حکیمانه است و اسم قرآن را حکیم گذارده است.^(۱)

۱ - سوره یونس آیه ۱ و سوره یس آیه ۲.

سؤال نود و یکم:

اهمیت نماز غفيله را توضیح دهید؟

پاسخ ما:

تمام قسمتهای نماز غفيله با نمازهای دیگر فرقی ندارد همان حمد و رکوع و سجود و تشهد و قیام است، فرقی این است که در رکعت اول بعد از حمد جریان حضرت یونس را تذکر می دهد. حضرت یونس در میان قومش خیلی خوب و عالی تبلیغ می کرد اما زیاد مؤثر نبود البتّه تقصیر و قصور از حضرت یونس نبود چون گاه می گویند فلانی اگر اهل عمل باشد حرفهایش تأثیر دارد تا حدی این حرف درست است.

در آیه شریفه خدا می فرماید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا»^(۱) حضرت یونس در میان قومش بود مردم را تبلیغ می کرد به همه شرایط هم عمل کرده بود. ۱- از مردم چیزی نخواهد ۲- استقامت باید داشته باشد ۳- محبت داشته باشد و اظهار محبت کند، یعنی با مردم کنار بیاید.

به هر حال حضرت یونس این کارها را می کرد اما مردم خراب بودند چون غذاها

حرام، معاشرت‌های بد، زندگی غیر سالم، همه معاصی وارد خانه‌ها شده بود و قلبها را قساوت گرفته بود.

حضرت یونس صحبت می‌کرد، حرف می‌زد، ولی ابداً مردم اعتنا نمی‌کردند، حضرت یونس در حقیقت مأیوس شد اما خدا مهربان است؛ خدائی که از فرعون نمی‌گذرد به طریق اولی از قوم حضرت یونس هم نمی‌گذرد حضرت یونس مأیوس شد، قهر کرد غضبناک از میان قومش بیرون رفت «فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» با خودش فکر کرد خدا بر من سخت نمی‌گیرد، خدا مرا دوست دارد تنگ نمی‌گیرد حضرت رضاعلی^(ع)، چون از ظاهر کلمه «أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» ممکن است بعضی فکر کنند منظور این است که خدا به او قدرت پیدا نمی‌کند و این از مقام نبوت دور است، فرمود: معنایش این است که به او سخت نمی‌گیرد^(۱) خدا او را تنبیه کرد. مبلغین، انبیاء، روحانیین یک تکالیف سخت‌تری دارند. در کشتی نشسته به خیال خودش می‌رود و خدا هم که سخت نمی‌گیرد، ماهی دهن باز کرد حال هر طور ماهی بود چون ما از اسرار دریا خبر نداریم طعمه می‌خواهد آن وقتها این طور بود اگر طعمه می‌خواست باید حتماً به ماهی بدهند تا برود قرعه به نام حضرت یونس افتاد او را بلند کردند و در دهان ماهی انداختند. چطور؟ فقط اینکه خدا می‌خواست او را نگه دارد در زندان تاریک «فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ» ظلمت‌های مختلف، خود دیوار شکم ماهی یک ظلمت، کف دریا با آن همه فاصله از نور یک ظلمت، بالاخره ظلمات است. اینجا گفت: «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» خدایی جز تو نیست. خدا می‌فرماید اگر حضرت یونس در

۱ - علي بن موسى الرضا عليه السلام قوله عز وجل وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ انما ظن أن الله عز وجل لا يضيق عليه رزقه ألا تسمع قول الله عز وجل وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتُلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ أَي ضيق عليه ولو ظن أن الله لا يقدر عليه لكان قد كفر بحار الأنوار ج : ۱۱ ص : ۷۳

زندان او را تسبیح نمی‌کرد و گناه را به گردن خودش نمی‌گرفت و به گردن خدا می‌انداخت «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ»^(۱) می‌خواست تا روز قیامت در زندان باشد.^(۲) ولی گفت: «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ» تو پاکی خدایی جز تو نیست، تو محبت به من کردی، نعمت به من دادی «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» من از ظالمین هستم، من هستم که بد کردم، به خودم ظلم کردم. هر شب این ذکر را بگوئید. تا این ذکر را گفت و متوجه خطایش شد خدای تعالی می‌فرماید: «وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ» ما او را از غم نجات دادیم تا اینجا قضیه حضرت یونس بود اما جمله بعدی مهم است «وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^(۳) همین طور اگر یک مؤمنی، مسلمانی، اشتباه کرد و در غم و ناراحتی افتاد او را نجات می‌دهیم.

این کاری است که در قرآن خدای تعالی خاصیت آن را گفته است حالا چند دفعه؟ بعضی دلها مثل دیوار سیمانی است وقتی میخ می‌خواهید بکوبید با یک ضربه فرو نمی‌رود مدام باید بکوبید تا فرو رود. دل ما از سنگ سخت‌تر است باید چکش برداری و مکرر ذکر یونسیه را بگویی شاید یک سانت فرو رود اینکه گفته‌اند تکرار کنید برای این است والا با یک دفعه گفتن تمام می‌شود. بعضی دیوارها کاهگلی است، نرم است یک چکش بزنید همراه میخ، چکش هم به دیوار فرو می‌رود. دل انسان باید این طور نرم باشد با یک دفعه گفتن این ذکر باید اثر کند. خدا رحمت کند استادم به من می‌گفت اگر خواستی فلان دعا را بخوانی دو سه دفعه بخوان می‌گفتیم چرا؟ می‌گفت برای اینکه در دفعه اول دلت نرم می‌شود، دفعه دوم

۱ - سوره صافات آیه ۱۴۳.

۲ - سوره صافات آیه ۱۴۴.

۳ - سوره انبیاء آیه ۸۸.



مقداری، دفعه سوّم درست می‌شود. این اذکاری که دستور می‌دهند تکرار کنید برای همین است و الاّ در همان دفعه اوّل درست است چرا وقتی یک منبری، منبر را خاتمه می‌دهد ده مرتبه می‌گوئید یا الله، ده مرتبه هم که می‌گوئید نمی‌فهمید برای چیست؟ یک نفر با یک یا الله کارش درست می‌شود اما یکی زبانی بگوید اگر کسی شما را این طور صدا بزند واقعاً ناراحت می‌شوید. یا الله یعنی ای خدا، دارم خدا را صدا می‌زنم خدایی که حاضر است، ناظر است، باید با حضور قلب بگویی تا خدا به تو لبیک بگوید و الاّ افرادی هستند وقتی می‌گویند یا الله خدای تعالی به آنها می‌گوید: «لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، عَبْدِي سَلِّ حَاجَتَكَ»^(۱) حاجتت را بپرس. ولی گاه ما صد مرتبه «یا الله» می‌گوئیم ولی همان چیز که بودیم هستیم.

در رکعت اوّل ذکر یونسیه گفتی نجات پیدا کردی نوبت شناخت پروردگار است انسان تا توبه نکند، خود را پاک نکند، آن معرفت واقعی در دلش واقع نمی‌شود. در رکعت دوّم نماز غفيله گفته‌اند این آیه را بخوانید «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ» تمام کلیدهای غیب و پنهانی که مهمترین‌اش معرفت پروردگار است و غیبت حضرت ولیّ عصر (ارواحنا فداه) است، «لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» هیچ کس نمی‌داند مگر خدای تعالی «لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»^(۲).

به هر حال انسان باید در رکعت دوّم نماز غفيله بجایی برسد که توحیدش کامل شود. یک برگ از درخت نمی‌افتد جز اینکه خدا می‌داند که این برگ از درخت می‌افتد. هیچ ترو خشکی نیست مگر اینکه در کتاب هست، در کتاب مبین که امام مبین است،

۱ - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ وَهُوَ سَاجِدٌ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَجَابَهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَبَّيْكَ عَبْدِي سَلِّ حَاجَتَكَ. وسائل الشيعة جلد: ۷ ص: ۸۶ ح ۸۷۹۹

۲ - سوره انعام آیه ۵۹.

خدا احصاء کرده است. شما فکر نکنید الان حضرت امام عصر (ارواحنا فداه) ما را نمی‌بیند. چون این کتاب مبین با امام مبین که در سوره «یس» است یکی است «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^(۱).

عمار بن یاسر می‌گوید در یکی از غزوات همراه حضرت امیر علیه السلام در بیابان‌ها راه می‌رفتیم یک وادی مورچه بود. در جاهای گرمسیر، گاه مورچه در یک قسمت از زمین سیاه می‌زند حالا چند میلیون باشد خدا می‌داند. می‌گوید من به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم آقا کسی هست که تعداد این مورچه‌ها را بدانند؟ فرمودند عدد این مورچه‌ها را که می‌داند هیچ، بلکه تعداد نرو ماده‌ها و حالات اینها را و بزرگی و کوچکی و حتی خطورات قلبی اینها را امام مبین می‌داند عرض کردم دلیل از قرآن دارید؟ فرمودند آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^(۲).

۱ - سوره یس آیه ۱۲.

۲ - [الفضائل لابن شاذان] عن عمار بن یاسر رضي الله عنه قال كنت عند أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في بعض غزواته فمررنا بواد مملوء نملا فقلت يا أمير المؤمنين ترى يكون أحد من خلق الله تعالى يعلم عدد هذا النمل قال نعم يا عمار أنا أعرف رجلا يعلم عدده وكم فيه ذكر وكم فيه أنثى فقلت من ذلك الرجل يا مولاي فقال يا عمار ما قرأت في سورة يس وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ فقلت بلى يا مولاي فقال أنا ذلك الإمام المبين بحار الأنوار ج: ۴۰ ص: ۱۷۶

سؤال نود و دوم:

در قرآن خدای تعالی می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»^(۱) آیا در ادیان دیگر هم نماز بوده است؟

پاسخ ما:

همین طور که در کتاب «توضیح آیات قرآن» گفتیم رکوع در نمازهای مسیحیت و یهودیت و غیر اینها ممکن است نباشد بلکه گاهی به رو بر خاک می‌افتند، یک نحوه دعاهاى مختلف هست اما رکوع کردن نیست «وارکعوا» یعنی شما مسلمان شوید و با مسلمان‌ها رکوع کنید که این درباره بنی اسرائیل است.^(۲) «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ»^(۳) منظور این است که شما هم بیايید با مسلمان‌ها باشید. برای خود نماز خاصی نداشته باشید، در آیه مورد نظر به حضرت مریم عليها السلام می‌فرماید شاید منظور نماز خاصی که مربوط

۱ - سوره آل عمران آیه ۴۳.

۲ - مجمع البیان و التبیان ذیل آیه ۴۲ سوره بقره.

۳ - يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ سوره بقره آیه ۴۰

به او بوده باشد، یا شاید در دین آنها بوده ولی تحریف کردند. رکوع یک نحوه خشوع است که از یک جهت از سجده مهمتر است و برای آدم‌های متکبر مشکل‌تر است. یک نحوه تعظیم که تا کمر خم می‌شود نهایت تعظیم از سجده است چون در سجده روی خاک می‌افتند چشم می‌بندند هیچ چیز نمی‌بینند هندوها به رو به زمین می‌افتند. در کلیسای واتیکان می‌نشینند روی صندلی و دعا می‌خوانند. یکی دو ساعت برنامه دارند اما رکوع و سجود ندارند. اما چون دین خدا واحد است و همیشه بوده شاید رکوع جزو همه دین‌ها بوده است اینکه می‌گوئیم در هیچ دینی نبوده منظور الان و در زمان کنونی در هیچ دینی غیر از دین اسلام رکوع نیست، در کنیسه یهودیان به زبان عبری تورات می‌خوانند بلند می‌شوند، سر تکان می‌دهند اما سجده نمی‌کنند. اما در هندو و سیکها سجده هست ولی رکوع ندارند. «وارکعوا» در تفاسیر گفتند یعنی نماز جماعت بخوانید، با رکوع‌کننده‌ها رکوع کنید^(۱) در نماز جماعت اگر به رکوع برسید یک رکعت حساب می‌شود یعنی رکوع اساس رکعت است.^(۲) در آیه فوق‌الذکر احتمالاً همان معنا را می‌تواند داشته باشد که تو هم در زمرة مسلمان‌ها باش.

۱ - بحار الانوار ج ۱۴ صفحه ۱۹۳.

۲ - من التبیان: ذیل آیه ۴۲ سوره بقره: قال بعض المفسرون: انّ المأمورین هم اهل الكتاب و لا رکوع فی صلاتهم کان الا حسن ذکر المغتمی دون المشترك، لانه ابعد من اللبس، و قيل لانه یعبر الركوع عن الصلاة يقول القائل: فرغت من رکوعی ای من صلاتی. و أنّها فعل ذلک لانه لعل ما یشاهد مما یدل علی ان الانسان فی الصلاة.

سؤال نود و سوم:

آیا درک خطبه نماز جمعه برای صحت نماز جمعه ضروری است؟ و آیا بعد از نماز جمعه باید نماز ظهر را خواند؟

پاسخ ما:

دو خطبه نماز جمعه جانشین دو رکعت نماز ظهر است بنابراین در واقع وقتی خطبه قرائت می شود باید انسان بنشیند و گوش دهد و چون خطبه طولانی است و مشکل است انسان آداب نماز را رعایت کند واجبات نماز در اینجا مستحب می شود مثل اینکه مستحب است دوزانو بنشیند، حرکت نکند، حرف نزند، اینها کراهت دارد اگر کسی به خطبه ها نرسید از همان لحظه که رسید بنشیند گوش دهد. (۱)

نماز جمعه بالاصالة واجب است، هر کس بگوید واجب نیست نجس می شود مثل منکر نماز ظهر و عصر شدن چون صریح قرآن است و حرفی در وجوب آن نیست الا اینکه اقوال مختلف درباره نماز جمعه است. ۱ - مطلقاً واجب است مثل

۱ - عن ابی عبدالله علیه السلام: انما جعلت الجمعة رکعتین من اجل الخطبتین فهی صلاة حتی ینزل الامام. (وسائل الشیعة جلد ۷ صفحه ۳۱۳ و روایاتی در وجوب و شرایط و فضل و آداب و احکام نماز جمعه در بحار الانوار جلد ۸۶ صفحه ۱۲۲ آمده است).

نماز ظهر و در هر زمان و با هر شرایطی واجب است. ۲- در صورت حضور امام معصوم واجب است اگر او نبود واجب نیست. ۳- از شئون امام است اگر نبود حرام است بخوانند. ۴- بعضی احتیاط می‌کنند نه حرام است نه واجب اما اگر نماز جمعه خواندید نماز ظهر را هم بخوانید. آنها که می‌گویند واجب است به دلیل آیه قرآن است که می‌فرماید: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»^(۱) و قتی ندای نماز جمعه بلند می‌شود همه کارها را رها کنید به طرف نماز جمعه بروید. و این نمی‌تواند به معنای یک کار مستحب باشد بلکه این امر الهی به معنای وجوب است.

جمعی می‌گویند نماز جمعه، از شئون حضرت امام زمان علیه السلام است و باید وسیله اتحاد باشد. چون اگر امام معصوم باشد بر همه واجب است شرکت کنند اگر امام معصوم نباشد یا امام جمعه را او تعیین نکرده باشد ممکن است یک عده از مردم او را به عدالت قبول نکنند. لذا به نماز نمی‌روند یک عده نماز ظهر و یک عده نماز جمعه می‌خوانند و این سبب تفرقه می‌شود. چون اگر امام معصوم بگوید پشت سر این آدم نماز بخوانید اگر نروند کافر می‌شوند، یعنی اگر آن شخص را قبول نکنند در حقیقت حکم امام را قبول ندارند و کافرند. پس در غیبت امام علیه السلام این وسیله اتحاد ممکن است سبب تفرقه شود.

در عصر غیبت این اندازه فشار نیست و این بهانه است که می‌گوئیم امام جمعه را عادل نمی‌دانیم و از نظر مسلمانان شما معذور هستید که نماز جمعه نروید.

بهتر از نماز جماعت نماز جمعه است که در هر هفته از یک فرسخ تا یک فرسخ در شهرهای اسلامی در یک جا جمع شوند و با یک زبان و یک حرکت و یک وحدت



نماز جمعه بخوانند. و واجب است از صبح جمعه خودت را برای شرکت در نماز جمعه آماده کنی.

وقتی که آقا امام زمان (ارواحنا فداه) ظاهر شدند و وضع روبراهی به نماز جمعه دادند دیگر هیچ عذری ندارید که نماز جمعه نخوانید.

وقتی که برای نماز جمعه ندا داده می شود سعی کنید بی تفاوت نباشید بدوید و حرکت کنید.

مشغول معامله پر نفعی هستید رها کنید. این برای شما بهتر از هر چیز است، ولی مسلمانان ضعیفی که پیش خدا ارزش ندارند وقتی که تجارتی را می بینند و صدای آهنگی را می شنوند اینها تو را تنها می گذارند و به نماز جمعه حاضر نمی شوند.

بنابراین علماء می گویند اگر در زمان غیبت نماز جمعه تشکیل شد، تا می توانید شرکت کنید و نماز جمعه را پر حجم و پر جمعیت کنید اما واجب نیست.

در مورد نماز ظهر هم فتواها فرق می کند اگر کسی نماز جمعه خواند خصوصاً ولی فقیه دستور داده باشد خواندن نماز ظهر لازم نیست.

سؤال نود و چهارم:

از عباداتی مثل نماز شب چه سرمشقی باید بگیریم؟

پاسخ ما:

این عبادات نمونه‌ای از مراحل تزکیه نفس است نه اینکه به این آسانی به مراحل مثلاً انس با پروردگار برسید، بلکه همان طوری که انسان اول در مدرسه سرمشق از معلم می‌گیرد اما تا زمانی که آن گونه بنویسد کلی طول می‌کشد. ما هم یک مسیر فکری از نظر رشد و کمالات انسانی در عبادات خصوصاً در ماه مبارک رمضان داریم. مثلاً در قنوت نماز وتر انسان به جایی می‌رسد که با خدا مانوس می‌شود. در قنوت نماز شب انسان هفت مرتبه می‌گوید «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ»^(۱) خدایا اینجا که من ایستاده‌ام جایی است آنهایی که به تراز آتش پناه می‌برند می‌ایستند. نار در همه جا معنی آتش جهنم نیست گاه در دنیا نار شامل انسان می‌شود. هر یک از صفات رذیله که در انسان باشد آتش در وجود انسان شعله‌ور است حسد، بدخواهی، سوءظن به دیگران اینها آتشی است که انسان را می‌سوزانند، گاه انسان

۱ - رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوُتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً تَنْصِبُ يَدَكَ الْيُسْرَى وَتَعُدُّ بِأَيْمَنِكَ الْإِسْتِغْفَارَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوُتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَقُولُ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ. من لا يحضره الفقيه ج : ۱ ص : ۴۸۹

می‌گویند به قدری که نسبت به فلانی کینه و بغض و حسادت دارم مثل این است که آتش گرفتم. آتش فقط هیزم نیست.

خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^(۱) آتش‌هایی است که از باطن انسان شعله می‌گیرد، در دنیا یک آتش مُلکی هست که بوسیله نفت و گاز و هیزم شعله‌ور می‌شود یکی هم قلب انسان است که آتش می‌گیرد.^(۲)

در نماز شب اگر درست باشید در جایی ایستادید که از آتش‌هایی که انسان را می‌سوزاند به خدا پناه می‌برید، خدایا این محلی است آنهایی که از آتش به تو پناه می‌برند می‌ایستند. تو چهار تا دو رکعت نماز خوانده‌ای یعنی فرسخ‌ها حرکت به سوی خدا کردی. که «الصَّلَاةُ مَعَاجِزُ الْمُؤْمِنِ»^(۳) به سوی خدا است.

۱ - سوره بقره آیه ۲۴ و سوره تحریم آیه ۶.

۲ - مدارک این مطلب که تنها مصداق نار، جهنم نمی‌باشد مفصلاً در ذیل سؤال ۶۸ ذکر کردیم.

۳ - بحار الانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۳.

سؤال نود و پنجم:

نماز اگر با نیت قربه الی الله نباشد اشکال پیدا می کند معنای این کلام را توضیح دهید؟

پاسخ ما:

نماز قربه الی الله باید باشد یعنی شما را به خدای تعالی نزدیک کرده باشد اگر الان خدای جواد، رحمان، رحیم خواسته با شما انس داشته باشد به خاطر اینکه شما جواد، رحمان و رحیم نیستی با شما انس نگرفته، یک نماز بخوان و در سوره حمد در هر رکعت چهار مرتبه کلمه رحیم را به زبان جاری کن یا در هر رکعت نماز انسان شش مرتبه یا دوازده مرتبه کلمه رحمان و رحیم یعنی مهربان بودن خدای تعالی را به زبان جاری می کند و این با تو که مهربان نیستی، کینه توز و کینه دل هستی فاصله دارد. وقتی که دو رکعت نماز خواندی این جمله را دوازده مرتبه گفتی باید معنای رحیم را در دلت به وجود آورده باشی و الا نمازت قربه الی الله نیست و نمازت تقریبی برای تو به خدا به وجود نیاورده است و سایر کارهای هم این طور، کم کم باید قربه الی الله باشد. یعنی هر کاری می کنی بگویی خدایا برای تو می کنم، برای نزدیک شدن به تو انجام می دهم، و واقعاً هم باید تو را به خدای تعالی نزدیک کند. «الصلوة قربان کلّ



تقی»^(۱) نماز هر با تقوایی را به خدا نزدیک می‌کند اگر نماز خواندی دیدی صفات رذیله‌ات از بین نرفت (البته ممکن است با یک نماز همه صفات رذیله از بین نرود اما با نمازها و عبادات و کارهایی که موجب قرب است باید به خدای تعالی نزدیک شد) و اگر صفات حیوانی و شیطانی در شما بود بدان که قربۀ الی الله نبوده است حتی دو دوست که به هم می‌گویند من قربانت یعنی من با تو صمیمیتی پیدا کنم که نزدیک به تو بشوم روحیاتمان یکی شود با یک صمیمیت با هم زندگی کنیم، با او وحدت و صفایی پیدا کنیم. این معنای قربانت کردم است که در بین ما زیاد گفته می‌شود ولی همان طور که به خدا دروغ می‌گوئیم به دوستانمان هم در حقیقت دروغ می‌گوییم و قصد نزدیکی به آنها را نداریم.

۱ - الفقیه جلد ۱ صفحه ۲۱۰، وسائل جلد ۴ صفحه ۴۳، بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۶۰.

سؤال نود و ششم:

رکوع یعنی چه و آیا ما تنها برای خدا رکوع می‌کنیم؟

پاسخ ما:

رکوع یکی از ارکان نماز است که اگر کسی عمداً یا سهواً ترک کند نمازش باطل است و خصوصیتی است که برای خدای تعالی در قرآن آمده و می‌فرماید: «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»^(۱) ولی نفرموده است: «وَأَسْجُدْ مَعَ السَّاجِدِينَ».

تنها در میان نوع حیوانات، انسان است که مستوی القامة است یعنی راست ایستاده و سرش بالا است والا تمام حیوانات اعم از خزندگان و پرنندگان و چهارپایان همه در حال رکوع و تعظیم هستند. انسان فقط راست است حال ممکن است سؤال شود چرا؟ به خاطر اینکه همه حیوانات و جاندارها در مقابل بشر رکوع کرده‌اند و برای بشرنده خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»^(۲) خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین را برای شما خلق کرده است تمام حیوانات وحشی و اهلی به یک نوعی به نفع زندگی بشر هستند. تمام جاندارها از

۱ - سوره بقره آیه ۴۳.

۲ - سوره انعام آیه ۷۳.

آن پشه کوچک گرفته تا آن فیل و کرگدن و حیوانات بزرگ، اینها به نوعی در خدمت انسان و رفاه او خلق شده‌اند. همه این حیوانات و گیاهان را خدا برای بشر خلق کرده و برای او تعظیم می‌کنند، حتی خدای تعالی خورشید و ماه و تکوینات را برای شما مسخر کرده خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ»^(۱) آسمان‌ها و زمین و آنچه در اینها است مسخر شما است. شما بنده خدا بشوید با خدا دوست باشید بعد از آن اگر خواستید، همه اینها در اختیار شما است. خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ»^(۲) در بهشت هر چه دلت بخواهد هست، تو بنده خدا بشو، هر چه خواستی هست. منتهی بنده خدا خواسته‌ای غیر خواست خدا ندارد، مانند حضرت علی عليه السلام.^(۳) پس همه چیز در اختیار و تحت نفوذ شما است حتی مرغی که در برابر شما راه می‌رود مسخر شما است. معنای رکوع حیوانات و راست بودن ما این است که آنها در اختیار تو هستند و تو باید در برابر خداوند رکوع کنی. چرا ما باید رکوع کنیم؟ تو برای خدا هستی و همه چیز برای تو است «خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي»^(۴) اینکه می‌گویند ما دیگر در عصر صنعت و تکنیک زندگی می‌کنیم و عبادت دیگر چه معنا دارد؟ اینجا آن الاغ، چون بندگی خدا را می‌کند بهتر از این انسان است.

۱ - سوره ابراهیم آیه ۳۳.

۲ - سوره فصلت آیه ۳۱.

۳ - عن أبي الحسن الثالث عليه السلام أنه قال إن الله جعل قلوب الأئمة موددا لإرادته فإذا شاء الله شيئا شاءوه و هو قول الله وَمَا تَشَاوُنْ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ. بحار الأنوار ج: ۲۵ ص: ۳۷۲

۴ - و جاتنی الاحادیث القدسیات ان الله يقول: عبدی خلقت الاشیاء لاجلک و خلقتک لاجلی. (جواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة صفحه ۳۶۱).

سؤال نود و هفتم:

اهل تسنن بدون مهر نماز می‌خوانند و به ما اشکال می‌گیرند. خودشان بر فرش یا جا نمازهایی که دارند سجده می‌کنند. لطفاً صحت عمل ما و اشکال کار آنها را بفرمائید.

پاسخ ما:

مهر هم برای ما واجب نیست. برخی فکر کرده‌اند و در این کار افراط و تفریط شده است. در حرم حضرت رضا علیه السلام سنگهای کف حرم مطهر حضرت اکثراً قابل سجده است. من یک روز مهر پیدا نکردم. آنجا داشتم نماز می‌خواندم یک جوان گفت آقا مگر شما سنی هستید؟ گفتم نه ولی روی سنگ هم می‌شود نماز خواند. روی خاک و چوب و بالاخره هر چه خوردنی یا پوشیدنی نباشد و جزء زمین باشد می‌شود سجده کرد. و فرش تقریباً هم مثل پوشیدنی می‌باشد. مثلاً شما الان رفته‌اید مسجد و مسجد زمینش سنگ فرش است یا خاک، می‌توانید نماز بخوانید. من در مسجد النبی یک آقای را دیدم، با وجود اینکه هوا گرم بود و مسجد فرش نشده بود این آقا با یک زحمتی مهر را در دستش مخفی می‌کرد. من از ایشان پرسیدم مهر شما تربت کربلا است؟ گفت نه گفتم پس چرا این طور می‌کنید تربت کربلا یک امتیازی

دارد ثواب دارد. (۱)

من به ایشان گفتم پس اگر خاک معمولی است سنگ‌های اینجا از آن متبرک‌تر است. زیرا سنگ حرم حضرت پیامبر ﷺ است این سنگ‌ها ارزشش بیشتر از آن مهر معمولی است.

در روایتی حضرت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «جعلت لی الارض مسجداً و طهوراً» (۲) خدای تعالی برای من زمین را محل سجده قرار داده و هم جای تیمم، منظور از تیمم اینکه هم از خاک تیمم می‌کنم و هم بر خاک سجده می‌کنم و این روایت را شیعه و سنی نقل کرده‌اند.

حالاً این فرشی که در مسجد انداخته‌اند آیا جزء ارض است و آیا می‌شود گفت زمین و می‌شود روی آن نماز خواند؟ نه این را نمی‌گویند زمین، چون فرش از پشم گوسفند است و جزء زمین نیست. لباس من جزء زمین نیست، خوراکیها به طور کلی مال خوردن است جزء زمین نیست. (۳)

جزء زمین خاک و سنگ است و نهایت چیزهایی که از زمین بیرون می‌آید. مأکول و

۱ - فی المستمسک العروة الوثقی جلد ۵ صفحه ۵۱۰ و ۵۱۱: السجود علی الارض افضل من النبات و القرطاس و لا یبعد کون التراب افضل من الحجر و افضل من الجمیع التربة الحسینیة. فانها تخرق الحجب السبع و تستنیر الی الارضین السبع.

۲ - عن رسول الله ﷺ: فضلت بأربع: جعلت لأمتی الارض مسجداً و طهوراً، و ایما رجل من أمتی اراد الصلاة فلم یجد ماء و وجد الارض فقد جعلت له مسجداً و طهوراً. (بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۱۴۷ حدیث ۴ و مشابه آن حدیث ۵ و همان صفحه سطر ۹ و ۱۴).

۳ - المستمسک العروه جلد ۵ صفحه ۴۹۳ مسئله ۴ و ذیل آن و من لا یحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۲۶۸ باب ما یسجد علیه و ما لا یسجد و صفحه ۲۷۲ باب علة النهی عن السجود علی المأكول، وسائل جلد ۵ باب اول از ابواب ما یسجد علیه.

ملبوس هم نباشد. پنبه را وقتی بافته شد دیگر جزء زمین نیست.^(۱) در مکه بودم و بر سر همین موضوع با یکی از علمای اهل سنت بحث داشتیم او می‌گفت شما می‌گوئید فرش از زمین نیست پس از آسمان آمده؟ گفتم نه جزء زمین نیست. چون عین روایت دارد که خدای تعالی زمین را برایم مسجد قرار داده و طهور، به ایشان گفتم: شما روی گلابی تیمم می‌کنید؟ گفت نه، طهور هم هست، روی فرش تیمم می‌کنید؟ گفت نه، گفتم هر جا تیمم کنید همان جا هم می‌توانید سجده کنید.^(۲) منتهی ما در سجده باز هم توسعه قائل هستیم. چون روی چوب نمی‌شود تیمم کرد اما می‌توان سجده کرد. چون در قرآن «صَعِيداً طَيِّباً»^(۳) دارد. گفتم چهار مذهب اهل تسنن معتقدند که سرت هر جا فرود آمد همان جا می‌توان سجده کرد ولو سرگین باشد. می‌شود سجده کرد؟^(۴) و حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: روی زمین

۱ - المستمسک العروه جلد ۵ صفحه ۴۹۳ مسئله ۴ و ذیل آن و من لا یحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۲۶۸ باب ما یسجد علیه و ما لا یسجد و صفحه ۲۷۲ باب علة النهی عن السجود علی الماء کول، وسائل جلد ۵ باب اول از ابواب ما یسجد علیه.

۲ - اهل سنت برای تیمم ارکانی قائلند که یکی از اهم آنها این است: و منها الصعید الطهور الی آخره. که در این مورد چنین می‌گویند: الشافعیه قالوا: ان المراء بالصعید الطهور. التراب الذی له غبار. الحنابله قالوا: ان المراد بالصعید هو التراب الطهور فقط. الحنفیه قالوا: ان الصعید الطهور هو کل ما کان من جنس الارض المالکیه قالوا: المراد بالصعید ما صعد ای ما ظهر من اجزاء الارض فیشمل التراب. و هو افضل من غیر عند وجوده. (الفقه علی المذاهب الاربعه جلد ۱ صفحه ۱۶۰).

۳ - سوره نساء آیه ۴۳ و سوره مائده آیه ۶.

۴ - چهار فرقه اهل سنت در شرایط صحت سجود می‌گویند: «و یشرط فی صحة السجود ان یکون علی یابس تستتر جبهته علیه، کالحصیر و البساط بخلاف القطن المندوف الذی لا تستقر الجبهه علیه، فانه لا یصح علیه السجود و مثله التین و الارز و الذره و نحوها اذا کانت الجبهه لا تستقر علیها، اما اذا استقرت الجبهه فانه یصح السجود علی کل ذلک». (الفقه علی المذاهب الاربعه جلد ۱ صفحه ۲۳۲).

پاک باید سجده کرد.^(۱) حالا اگر روی زمین پاک سجده کردی هم به آن چهار مذهب عمل کردی هم به فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام. یک راه احتیاط این است شما اگر روی خاک سجده کردی آنها نمی‌گویند نمازت باطل است، می‌گویند درست است. حضرت امام صادق علیه السلام هم می‌فرمایند درست است. اما اگر شما روی فرش سجده کردی چهار امام مذهب شما می‌گویند درست است اما حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: باطل است. احتمال نمی‌دهید که آنها اشتباه کرده باشند چون معصوم هم نبودند امام صادق علیه السلام که خودتان می‌گوئید صادق امام راستگو می‌باشد^(۲) فکر نمی‌کنید که این کار درست باشد و باید قبول کرد؟

ما هم روی مهر واجب نیست نماز بخوانیم مهر ضرورت ندارد، زمین یا چوب یا سنگ باشد صحیح است. سابقاً در مسجد گوهرشاد حصیر پهن بود و مردم روی همین حصیرها نماز می‌خواندند.

سنگ‌ها هم پاک است برای سجده، سنگ‌های معدنی که قیمتی است مثل عقیق و فیروزه، اینها را بعضی از مراجع می‌گویند چون از زمین بودن بیرون آمده جایز نیست.^(۳)

یک مقدار در سجده خضوع و تواضع لازم دارد. اگر شما یک مهر بزرگ و تمیزی داشته باشید ولو بهترین خاک هم باشد. این خضوع را در شما به وجود نمی‌آورد که گوشه فرش را بزنید کنار، سرتان را بگذارید روی خاک زیر فرش این یک حالت

۱ - المستمسک جلد ۵ صفحه ۴۸۷.

۲ - در کتاب «پاسخ به سؤالات فلسفی و اعتقادی» صفحه ۱۴۱ از همین مولف مطلبی از ابن خلکان به همراه توضیحات و روایات دیگری آمده است.

۳ - المستمسک العروة جلد ۵ صفحه ۴۸۹.

بیشتری از خضوع را دارد من یک دفعه در یک منزلی میهمان بودم. موقع نماز شد، صاحب‌خانه تا آمد جانماز را باز کند من مقداری از حمد و سوره را خوانده بودم این قدر تشریفات داشت این جانماز که اینها دیگر زیادی افراط است. یا روی مهر گنبد و گلدسته و آرم جمهوری اسلامی را می‌زنند، خدا رحمت کند آیه‌الله بروجردی را که جلوی این کار را گرفت که آئینه می‌گذاشتند در یک طرف مهر که آدم سجده می‌رود خوب خودش را ببیند و امثال اینها سبب می‌شود که سنی‌ها لج می‌کنند و از آن طرف می‌افتند و ما هم لج می‌کنیم از این طرف می‌افتیم. آن وقت نه ما در صراط مستقیم هستیم و نه آنها و در سجده ترتیبی ذکر نکرده‌اند و در تیمم ترتیب هست که بین غبار و خاک بهتر است البته در سجده تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام اول ذکر شده اما در بقیه ترتیبی نیست. (۱)

۱ - در احکام ما یصح السجود علیه اگر چه افضلیت را مطرح فرموده‌اند ولی بین موارد آن ترتیب نیست. المستمسک جلد ۵ صفحات ۵۱۰ و ۵۱۱. ولی در مورد مواردی که تیمم بر آنها صحیح است ترتیب وجود دارد به این معنا که مثلاً تا وقتی خاک باشد احوط عدم تعدی به غیر آن است و الی آخر. مستمسک جلد ۴ صفحات ۳۸۶ و ۳۸۷.

سؤال نود و هشتم:

همان طور که نماز بر اساس روز و شب یا طلوع و غروب خورشید است، لطفاً بفرمائید دستور علماء دربارهٔ کشورهایی که در قطب شمال یا جنوب هستند، چیست؟ و بستن چشم در نماز چه حکمی دارد؟

پاسخ ما:

کرهٔ زمین در مقابل خورشید می‌گردد و طبعاً دو قسمت‌اش یعنی بالا و پائین‌اش یک قسمت شش ماه شب و یک قسمت دائماً روز است. در قطب شمال که تاریک است یک طرفش دریا است و مسکونی نیست یک طرفش هم باز جای سکونت نیست، الان با بشری که در جایی که شش ماه شب یا شش ماه روز باشد و در آن منطقه زندگی کند روبرو نیستیم و هم چون جایی نداریم حالا اگر خواستند زندگی کنند و یا عبور کنند علماء در مورد نماز در این مکان‌ها سه نظریه دارند:

نظریهٔ اول: ساعت را با شب و روز تنظیم کنید یک بیست و چهار ساعت را قرار دهید دوازده ساعت شب و دوازده ساعت روز بعد نماز را با ساعت بخوانید.

نظریهٔ دوم: این است که می‌گویند در هر جای زمین که باشید چون زمین هم دور خودش می‌چرخد و هم دور خورشید، چرخش دور خورشید را می‌توانید متوجه

شوید. مثلاً صبح خورشید سمت راست، غروب سمت چپ، نصف شب و اوّل صبح را می‌توانید تعیین کنید هم وقتی خورشید هست می‌شود تنظیم کرد هم وقتی نیست. انسان می‌تواند قرار بگذارد که الان که خورشید آنجا است اوّل غروب است وسط ظهر هم اینجا است و نمازش را این طور بخواند و آن طرف که تاریک است باز روشنائی می‌زند یعنی انسان می‌بیند که اینجا روشن می‌شود و انسان باید تنظیم کند یعنی یک طرح برای تعیین شب و روز در نظر بگیرد.

نظریه سوّم این است که بروید و ببینید نزدیکترین مکانی که شب و روز مرتبی دارد به این محلّ کجا است طبق برنامه آن محلّ نماز و روزه را انجام دهید یعنی ساعت را با آنجا تنظیم کنید البتّه بهترین نظریه، نظریه دوّم است. و بستن چشم در نماز کراهت دارد.^(۱)

۱ - المنتهى بكرة تغميض العين في الصلاة و روي النهي عنه من طريق العامة عن ابن عباس عن النبي ﷺ و من طريق الخاصة عن مسمع عن أبي عبد الله ﷺ أن النبي ﷺ نهى أن يغمض الرجل عينه في الصلاة. بحار الأنوار ج : ۸۱ ص : ۲۶۷



سؤال نود و نهم:

لطفاً اوقات نماز یومیه و زمان نافله یومیه را بفرمائید؟

پاسخ ما:

برای به دست آوردن ساعت ظهر باید اول آفتاب و غروب آفتاب را در نظر گرفته و وسط آن را ظهر حساب کنیم آنجا موقع نماز ظهر است و از آن به بعد عصر می شود. و بعضی ها فکر می کنند که دو ساعت مانده به غروب عصر است که این طور نیست.

ظهر یعنی آن لحظه نصف النهار و از آن به بعد عصر می شود. لذا نماز عصر را شما بعد از چهار رکعت نماز ظهر می توانید بخوانید. و برای نافله ظهر حدوداً دو تا دو ساعت و نیم بعد از ظهر می توانید نافله ظهر را بخوانید و تا سه ساعت بعد از ظهر می توانید نافله عصر را بخوانید. و نافله مغرب که بعد از نماز مغرب است تا وقتی که هوا صد درصد تاریک شود و حدوداً یک ساعت و نیم بعد هوا صد درصد تاریک می شود و بعد از آن می توانید نافله عشاء را بخوانید تا آخر وقت. چون بعد از نماز عشاء هر وقت بخواهید می توانید بخوانید تا قبل از نصف شب.

نافله صبح و قش از اذان صبح است تا وقتی که هوا تقریباً روشن می شود البته نه خیلی روشن، در زمان فضیلت نماز صبح که مطابق فتوای اکثر فقهاء است.^(۱)

۱ - المستمسک العروة جلد ۵ صفحه ۱۰۲.

سؤال صدم:

چرا در نماز باید حمد خواند؟

پاسخ ما:

در روایت است «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^(۱) حتماً باید سوره حمد خوانده شود یعنی اگر سوره را نخوانید نماز باطل نمی‌شود اما حمد را باید خواند. سوره حمد از سه بخش تشکیل شده یک بخش حمد و تمجید الهی است که تا «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» می‌باشد. بخش دوم اظهار عبودیت و کمک گرفتن از خدای تعالی است، در بخش سوم دعا است که این دعا باید به قصد قرآنی خوانده شود و مهم‌ترین دعاها در زندگی انسان همین دعا است «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» خدایا ما را به راه راست هدایت کن «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای. یک عده را خدا نعمت نداده است البته منظور از نعمت مادیات تنها نیست چون درباره آیه «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^(۲) از امام علی(ع) سؤال شد این چه نعمتی

۱ - مستدرک الوسائل جلد ۴ صفحه ۱۵۸.

۲ - سوره تکاثر آیه ۸.



است که خدای تعالی سؤال می‌کند؟ حضرت فرمودند فکر نکنید خدا از این آب خوردن و غذا خوردن سؤال می‌کند خدا از نعمت ولایت سؤال می‌کند^(۱) «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» راه کسانی که به آنها نعمت دادی یعنی مقام ولایت را به آنها دادی. ولایت، آن نعمت الهی است.^(۲)

۱ - روایات در ذیل این مطلب بسیار زیاد هستند به عنوان مثال بحار الانوار جلد ۲۴ باب ۲۹ و تفسیر فرات الکوفی و تفسیر قمی و عیون اخبار الرضا علیه السلام روایاتی در ذیل آیه شریفه وارد شده است.

۲ - بحار الانوار جلد ۲۴ صفحه ۱۰ و تفسیر امام عسکری علیه السلام ذیل آیه ۷ سوره فاتحه.

سؤال صد و یکم:

آیا کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز شب بخواند و مستحبات دیگر به جا آورد؟

پاسخ ما:

کسی که نماز قضا دارد نماز قضایش را بخواند، نماز شب هم بخواند. هر کدام به جای خودش اگر نماز شب مزاحم نماز قضای واجبش می شود و باید یکی از این دو را انتخاب کند پس نماز شب نخواند. (۱)

۱ - المستمسک العروه جلد ۵ صفحه ۱۳۱ الی ۱۴۰: يجوز الاتيان بالنافلة ولو المبتدأة في وقت الفريضة ما لم تتضييق و لمن عليه فائتة على الاقوى.



سؤال صد و دوم:

چرا مسجدالاقصی در احکامی مانند کامل خواندن نماز
مانند مساجد بزرگ دیگر نیست؟

پاسخ ما:

حضرت صادق علیه السلام فرمودند: نماز (مسافر) در چهار وطن تمام خوانده می شود در مسجد الحرام و مسجد الرسول صلی الله علیه و آله و مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام.^(۱) ولی مسجدالاقصی را مطرح نفرموده اند، چون خدای تعالی در قرآن می فرماید بنی اسرائیل به مسجدالاقصی حمله می کنند^(۲) و در اوّل سوره اسراء می فرماید که بنی اسرائیل وارد مسجد می شوند و یک جمعی که صاحب قدرت و قوت هستند (که در تفسیر اشاره به اصحاب حضرت بقیّة الله (ارواحنا فداه) است) اینها را از مسجد بیرون می کنند.^(۳)

این مسجد همیشه در معرض حملات بوده و مورد اعتماد نبود که انسان بتواند آن طور آرامش داشته باشد تا در آنجا بماند لذا در آنجا نگفته اند مخیری در نماز،

۱ - المستمسک العروة جلد ۸ صفحه ۹۹.

۲ - سوره اسراء آیه ۴.

۳ - سوره اسراء آیه ۵، تفسیر العیاشی جلد ۲ صفحه ۲۸۱.

چون معنای کلام این است اگر خیلی علاقمند هستی که اینجا بمانی، بمان. چون بعضی ملکوت مسجدالنبی یا مسجدالحرام یا مسجد کوفه را می فهمند و آرامش پیدا می کنند و در آنجا نماز را کامل می خوانند مثل کسی که در وطن خودش است. بنابراین در مسجدالاقصی دستور نیست شاید برای اینکه این نیت دائمی در آنجا نبود اما مسجدالحرام و مسجدالنبی مأمّن است (مسجد کوفه هم بر عکس آنچه متأسفانه روضه خوانها معرفی می کنند آن قدر روایات درباره خوب بودن مردم و شهر کوفه وارد شده که زیاد است.^(۱) مردم کوفه الان هم مردم خوبی هستند آن وقت هم مردم خوبی بودند بی وفائی آنها یقیناً از مردم الان کمتر بود آن خوف و وحشت زیادی که از یزید و ابن زیاد داشتند باعث آن بی وفائی شد. و الا آن هفتاد و دو نفر که در رکاب حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) بودند بیشتر از کوفه بودند). شاید در بلاد اسلامی مردمی بهتر از کوفه و نجف نداشته باشیم، چون نجف زائیده شده کوفه است مردم نجف در حقیقت کوفی هستند. نسبت به روحانیت در هیچ جا ندیدم آن طوری که مردم نجف و کوفه محبت می کنند، انجام شود.

لذا مسجد کوفه مأمّن است یک آرامشی دارد یا کربلا بسیار مردم خوبی دارد و مأمّن است ولو یک روز در آنجا بمانی احساس آرامش می کنی فکر می کنی خانه خودت است.

۱ - التهذيب جلد ۶ صفحه ۳۱ و وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۱۶۱ و بحار الانوار جلد ۹۷ صفحه ۲۳۱ و المزار للشیخ المفید صفحه ۴.



سؤال صد و سوم:

چرا در بین دو سجده مستحب است انسان استغفار کند؟

پاسخ ما:

بعضی از علماء دربارهٔ چنین کلمه‌ای بحث‌های زیادی کردند که سر استغفار بین دو سجده چیست؟ حتی کتابی دربارهٔ آن نوشته شده است یک روایت است که این دو سجده در نماز به خاطر این است که ما در قرآن می‌خوانیم «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى»^{(۱)(۲)} یعنی شما را از خاک خلق کردیم و شما را از خاک خارج می‌کنیم و روز قیامت شما را بر می‌گرداند در زمین. ببینید اگر دقت کنیم هر چه انسان می‌خورد در بدن مادهٔ اولیش تبدیل به نطفه می‌شود و نطفه در رحم مادر پرورش پیدا می‌کند، که در رحم هم از همان موادّ غذایی که گیاه یا گوشت است نطفه تغذیه می‌کند اینها اگر گیاه باشد که از زمین خارج شده و اگر گوشت باشد با واسطه از زمین است یعنی حیوان گیاه را خورد و گیاه تبدیل به گوشت شده و بعد هم وقتی می‌میریم دوباره به خاک برمی‌گردیم و در روز قیامت دوباره از خاک

۱ - سورة طه آیه ۲۳.

۲ - بحار الانوار جلد ۵۷ صفحه ۶۰.

برمی‌خیزیم. در مورد استغفار هر چه ادب انسان بیشتر باشد استغفار او بیشتر است. هر چه معرفت انسان به خدا بیشتر باشد در هر ساعت بیشتر استغفار می‌کند لذا بین دو سجده که حسّاس‌ترین لحظات نماز است باید از سجده‌اش هم استغفار کند یعنی مغرور نشود که دو رکعت نماز خوانده نه این نماز، نمازی که خدای تعالی از اولیائش خواسته نیست، یعنی در بین دو سجده انسان به جایی می‌رسد که قرب خدا است و باید استغفار و طلب بخشش کند. معنای سجده را گفتیم یعنی خدایا همه این زنده کردن‌ها و میراندن‌ها را تو انجام می‌دهی و انسان در نهایت درجه خضوع، این حرف‌ها را به خدای تعالی می‌زند یعنی هم قلب و دلش خاضع است و هم جسماً خضوع کرده است.



سؤال صد و چهارم:

در اقامه نماز «قد قامت الصلوة» می‌گوئیم این کلام به چه معنا است؟

پاسخ ما:

از وقتی که «قد قامت الصلوة» می‌گویند همه باید آمادگی خاصی جهت مشرف شدن به حضور خدای تعالی داشته باشند وقتی اقامه می‌گویند باید همه بایستند و آماده نماز شوند البته شاید از نظر فتوا واجب نباشد اما اگر کسی آماده نشد این اهانت به پروردگار است، اینهایی که در نماز اول وقت یا جماعت بی‌حالتند اگر عمداً بی‌حال باشند که نماز قبول واقع نمی‌شود شما هم اگر باشید این نماز را قبول نمی‌کنید تو باید از همه زودتر بروی باید آماده باشی وقتی با بی‌حالی می‌روی یعنی محبت نداری. تا دست امام جماعت بالا می‌رود دستهای همه باید پشت سر او بالا رود مثلاً جایی باشید که روی هر دقیقه‌ای هزار تومان پول بدهند شما هیچ وقت دقیقه آخر نمی‌روید بلکه اول می‌دوید. ما نسبت به دین و معنویات خیلی سست و بی‌حال هستیم.

سؤال صد و پنجم:

در نمازهای واجب مستحباتی مانند صلوات و تکبیر هست
آیا در نمازهای مستحب هم هست؟

پاسخ ما:

در نمازهای مستحب هم تکبیرات و قنوت مستحب است ولی اذان و اقامه و
تکبیرهای قبل از نماز^(۱) در نماز مستحبی نیست و اگر کسی بگوید و به قصد ورود
باشد بدعت است و حرام است.

۱ - منظور تکبیرات سبعة مستحبه است. وسائل الشیعه جلد ۶ صفحه ۲۰.



سؤال صد و ششم:

چرا نماز جماعت را مستحب است سریع تر خوانده شود؟

پاسخ ما:

چون روایت است حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر توصیه می فرمایند که در کارهای دسته جمعی و اجتماعی یک جوری برخورد کند که مردم حوصله شان سر نیاید در نماز جماعت نماز را سریع تر بخواند^(۱) و به طور کلی در کارهای اجتماعی کسی که رهبر و امام است و جلو می ایستد و اختیار مردم را به دست گرفته باید طوری برنامه را پیاده کند که مردم خسته نشوند، خیلی بترسید از وسواس که بعضی از بزرگان و اهل علم گرفتار شدند نماز را باید سریع خواند تا حوصله مأمومین سر نیاید لذا هر چه انسان بتواند مستحباتش را کمتر بخواند البته مواظب باشد توهین به نماز نباشد و آن قدر هم سریع نباشد که مأمومین نرسند. در کل در نمازهای جماعت یومیه یک مقداری مدارا کنید.

۱ - بحار الانوار جلد ۳۳ صفحه ۶۰۹.

سؤال صد و هفتم:

آیا حکایت اذان وارد شده؟

پاسخ ما:

وقتی اذان گفته می‌شود حرفهای متفرقه ننزید. روایت است که وقتی اذان می‌گویند انسان حکایت اذان کند یعنی همراه اذان گو، او هم اذان را آرام بگوید خصوصاً وقتی که جمعی در مسجد نشسته‌اند همراه مؤذن اذان را آرام بگویند.^(۱) و در هنگام اذان همه باید ساکت باشند و کسی که در موقع اذان چه اعلانی چه اذان نماز سخنی بگوید روایت است که در موقع مرگ زبانش بند می‌آید. «من تکلم بکلام الدنیا عند الاذان یتلجلج لسانه عند الموت»

۱ - روایات در استحباب حکایت اذان زیاد است مانند وسائل الشیعه جلد ۱ صفحه ۳۱۴ و بحار الانوار جلد ۸۱ صفحه ۱۷۳.



سؤال صد و هشتم:

در این آیه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^(۱) از سوره ماعون، سهو در این آیه چه معنا دارد؟ یا سهو در نماز در چه مواردی است؟

پاسخ ما:

یکی سهو در رکعت‌های نماز است و یکی سهو در خود نماز می‌باشد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که نماز یک تکلیف است و اعتراض می‌کنند که چرا باید دخترها از سن نه سالگی نماز بخوانند و پسرها از سن پانزده سالگی، این چه ظلمی است که خدا به دخترها کرده است و یا می‌گویند که نماز را اول وقت بخوانی چاق و سرحال می‌شوی چون اگر بگذاری برای آخر وقت همیشه فکر می‌کنی که یک بار تکلیفی روی دوش هست و غصّه‌ات می‌گیرد که نماز را نخوانده‌ای اینها نماز را سهو کرده‌اند خیال می‌کنند نماز یک تکلیف تحمیلی برخلاف وجدان، برخلاف خواسته روح انسان برخلاف حقیقت و یک کار پرزحمت است. و نماز را خیلی سریع می‌خوانند که روایت دارد که یک نفر تندتند نماز می‌خواند و حضرت رسول

۱ - سوره ماعون آیه ۵.

اکرم ﷺ فرمودند مثل کلاغی که منقار را روی زمین می‌زند.^(۱) نماز یک کار پر زحمت برای انسان نیست ولی برای حیوانات است. الان شما یک حیوانی را می‌خواهید سرش را بگذارید روی سجده خیلی برای او سخت است. بنی اسرائیل این طور بودند. برای خدا سجده نمی‌کردند جبرئیل یک سنگی را می‌آورد روی سرشان نگه می‌داشت تا سرشان را روی سجده بگذارند، ولی از زیر نگاه می‌کردند هر وقت سنگ را کنار می‌بردند سرشان را بر می‌داشتند می‌خواستند به سجده کردن عادت‌شان بدهند.^(۲)

۱ - عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ فَصَلَّى فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ فَقَالَ ﷺ نَقَرَ كَنْفَرُ الْغُرَابِ لَيْنِ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَاتُهُ لَيُمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي.

تهذيب الأحكام ج : ۲ ص : ۲۳۹

۲ - تفسير الامام العسكري عليه السلام صفحه ۲۶۶ حديث ۱۳۴.



سؤال صد و نهم:

در مورد اهمیت نماز جماعت و نیز دربارهٔ عید و نماز عید توضیحاتی را بفرمائید.

پاسخ ما:

نماز در حقیقت یک عبادت فردی است. یعنی یک نفر به تنهایی می‌تواند این عبادت را انجام دهد. اما ارزش و اهمیت نماز جماعت بیشتر از نماز فرادی است. و باز اهمیت خواندن نماز در مسجد و با جماعت بالأخص مسجد جامع خیلی بیشتر است. به ما دستور داده‌اند که نماز را با جماعت و در مسجد جامع بخوانیم که اگر در مسجد الحرام باشد بهتر است چرا؟ برای اینکه ما مسلمانان دور هم جمع شده و یکدیگر را ملاقات کرده و با هم در ارتباط باشیم.

جلساتی که انسان تشکیل می‌دهد، اینکه عده‌ای دوستان هم عقیده و هم فکر دور هم بنشینند از نظر اسلام خیلی پر ارزش است به شرط آن که به غیبت و سخنان لغو و حرف‌های دنیا و مطالب بی‌ارزش نگذرد.

در روایتهای زیادی ائمه اطهار علیهم‌السلام فرمودند که دور هم بنشینید و مجلس تشکیل دهید و امر ما را احیاء کنید. (غالباً در هر جا مسأله «امرنا» ذکر شده منظور سیطره بر تمام عالم و حکومت عدل و واحد جهانی است که تمام مردم دنیا تحت پوشش

حکومت الهی قرار می گیرند.^(۱) «فأحيوا امرنا» احیاء کنید و امر ما را زنده نگه دارید.^(۲)

در قنوت نماز عید پنج دفعه جملائی خوانده می شود که خدایا تو برای مسلمانان امروز را عید قرار دادی. عید به معنای برگشت به وضع تازه ای است. از نظر روحی در روز عید انسان تجدیدنظری در خودش نموده و وضعش را روبراه می کند.

از برای حضرت پیغمبر ﷺ و اولاد پیغمبر ﷺ «ذخراً و شرفاً و مزیداً»^(۳) مایه اهمیت و اکرام است. البته تا به حال نبوده است. دوازده هزار سال عالم ارواح و عالم ذر و هزار و چهارصد سال که تا به حال گذشته مقدمه زندگی انسان بوده است. بقیه اش که متجاوز از یک میلیون سال باشد بعد از ظهور است و آنجا است که برای آل پیغمبر ﷺ و اولاد ایشان عید مفهوم دارد.

در زیارت حضرت معصومه علیها السلام که از ناحیه حضرت امام رضا علیهما السلام رسیده است می خوانیم که ای آل پیغمبر ﷺ خدا به ما نشان دهد که یک روز صاحب خوشحالی باشید و فرجی برای شما باشد. تا ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفداء) اهل

۱ - روایات متعددی در این مطلب ظهور دارند که صریحترین آنها عده ای هستند که امام علی علیهما السلام انتظار امر را مطرح می فرمایند مانند: کافی جلد ۴ باب فضل الحج حدیث ۳۴ و جلد ۸ باب حدیث الناس یوم القیامه حدیث ۱۵۸ و مشکاة الانوار صفحه ۶۳ و کافی جلد ۱ باب فی انه من عرف امامه... حدیث ۶ و کافی جلد ۵ باب الجهاد حدیث ۲.

۲ - عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال لفضیل: تجلسون و تحدثون قال نعم جعلت فداک قال ان تلك المجالس احبها فأحيوا امرنا یا فضیل فرحم الله من احیا امرنا. (بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۳۵۱ و وسائل جلد ۱۲ صفحه ۲۰).

۳ - مصباح الکفعمی صفحه ۴۱۶.



بیت حضرت پیغمبر ﷺ نه خوشحالی و نه سروری دارند. (۱)

یک قاعده کلی برای نماز:

۱ - نمازهای واجب که در جمعیت و با جمعیت خواندنش بهتر است ولو اینکه در خانه خلوت با حال نماز بخوانی و در نماز جماعت و مسجد بی حال نماز بخوانی. (۲)

۲ - نمازهای مستحبی چون نمازهای مستحبی را انسان برای خودسازی می خواند هر جا بیشتر حواس جمع است آنجا بخواند. (۳)

۱ - بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۲۶۵.

۲ - وسائل الشیعه جلد ۸ باب اول از ابواب صلاة الجماعة.

۳ - بحار الانوار جلد ۸۵ صفحه ۲۱.

سؤال صد و دهم:

کسی که مهر در نماز نمی‌گذارد و موهایش هم عمداً بیرون است (اگر خانمی باشد) آیا این عبادت او را به خدا نزدیک می‌کند؟

پاسخ ما:

امر الهی باید صحیح و بدون کم و زیاد آن طور که گفته می‌شود انجام شود. اگر یک خورده کمتر بود در این که قبول باشد شک داریم. یک لیوان آب به من گفته‌اند بیاورم این را نصفه کرده‌ام آورده‌ام. آیا این قبول است؟ یک لیوان آب می‌خواسته‌اند آن چیزی که او گفته نیاورده‌ام. به من می‌گویند شربت بیاور آب آورده‌ام، یا مثلاً یک فضله موش هم در آن انداخته و آورده‌ام. اگر به ما گفته‌اند با این خصوصیات نماز بخوانید حالا یا مرجع تقلید اجتهاد کرده و گفته و یا اجتهاد خودشان است می‌دانیم نمازمان در غیر این صورت درست نیست ایشان نوشته عمداً موی سرشان را بیرون گذاشته یا عمداً روی خاک سجده نمی‌کند یعنی آنچه خدا خواسته نیاوردی نماز را نخوانی یا ناقص بخوانی یا یک کاری خلاف امر پروردگار انجام دهی آن چیزی که خدا خواسته نیاوردی بنابراین باطل است. معنای باطل هم این است کاری که ذات اقدس پروردگار خواسته انجام نداده‌ای. به شما گفته‌اند در طول هفته ساعت هشت

بیا اداره شما در طول هفته نرفتی روز جمعه سر ساعت هشت رفتی، روز جمعه هشت ساعت وقت را دادی جای هشت ساعت شنبه به تو گفته اند روز شنبه کارکن نه روز جمعه که تعطیل است آمدی. می گفت بچه ما هیچ وقت مدرسه نمی رود وقتی هم می خواهد برود جمعه می رود. خدا ما را از دامن امنیت و این وضع که الان داریم بیرون نیاورد. رفته بودم لبنان آنجا چون مدتها جنگ بوده به وضع شان رسیدگی نشده زن های شیعه پاها را تا بالای زانو لخت سرشان هم یک چارقد کوچک بسته بودند داشتند نماز می خواندند. یک نماز با حالی هم در مسجد می خواندند. گفتیم شما از نامحرم خودتان را نمی پوشانید لاقلاً برای نمازتان خود را بپوشانید گفتند ما نمی دانیم این مسأله را و واقعاً هم نمی دانستند. چون کسی نبوده به ایشان بگوید. خدا این جنگ و مسائل سیاسی را پیش نیاورد. جواب این سؤال همان است. آنچه خدا خواسته این شخص نیاورده بنابراین باطل است. باطل یعنی هیچی و چیزی که باطل است انسان را به خدا نزدیک نمی کند و قبول هم نیست. مگر مانند کسی که زبانش بگیرد که نتواند همه حمد و سوره را بخواند یا مثل همان زنهای لبنانی که وقتی به آنها گفتیم تازه متوجه شدند یعنی ندانند و زمینه هم وجود نداشته باشد.

سؤال صد و یازدهم:

یک نماز حاجتی در بین مردم هست که در مفاتیح نیست و از امام معصوم علیه السلام نرسیده این مسأله چگونه است؟

پاسخ ما:

هر عبادتی مستحب یا واجب اگر از ناحیه معصوم علیه السلام نرسیده باشد انجامش جائز نیست و اگر از ناحیه معصوم علیه السلام رسیده باشد اگر روایتش ضعیف هم باشد باز خوب است و می شود عمل کرد، (البته در مستحبات) ^(۱) و اما اگر بگویند واجب است روایتش باید قوی باشد و مجتهد فتوا دهد. اما اگر روایت ضعیفی هم ندارد در اینجا دلیلی ندارد که یک نفری در خانه اش نشسته نمازی اختراع کرده و به دست مردم داده و مردم می خوانند و به خدا هم نزدیک شوند، این علاوه بر اینکه حاجتی بر نمی آورد حرام هم هست و باید خیلی مواظبت کرد که انسان دچار این مسائل و بدعت ها نشود. ^(۲)

-
- ۱- این یک قاعده بسیار مشهور و معتبر در بین تمام فقهاء است که با عنوان «تسامح در ادله سنن» شناخته می شود.
 - ۲- در حرمت و مذمت بدعت و اهل آن روایات بسیار زیاد هستند مانند: الکافی جلد ۱ باب البدع والرأی و المقاییس، کافی جلد ۲، وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۸ و مستدرک الوسائل جلد ۴ ابواب ۳۶ و ۳۷، بحار الانوار جلد ۲ باب ۳۴.۳۲.



سؤال صد و دوازدهم:

در بین نوافل و نمازهای واجب آن که فرموده‌اند نماز ستون

دین است، بیشتر منظور کدام یک می‌باشد؟

پاسخ ما:

منظور نمازهای واجب است.

سؤال صد و سیزدهم:

یکی از معضلات علمی و فقهی که عده‌ای از افراد امروزه به آن گرفتارند این است که افرادی هستند در سنین جوانی و غفلت از خدا تحت تاثیر انحرافات مختلف قرار گرفته و مدتهای زیادی نماز و روزه را ترک می‌کرده‌اند، بعد که متوجه اشتباهات خود می‌شوند جبران این اعمال و عبادات بزرگترین مسئله آنهاست که جوابی برای آن در هیچ رساله‌ای نیست، مثلاً قضای سی سال نماز یا بیشتر یا قضای بیست ماه روزه‌ای که از روی عمد و بدون عذر افطار شده است و امثال آن، آیا اگر کسی تا این مشکل را حل نکند می‌تواند قدمی در سیر الی الله بردارد؟

پاسخ ما:

این افراد برای موفقیت نیاز وافر به استاد مجتهد جامع الشرایطی که بتواند با آنها مدتی کار کند، دارند. تا آن مجتهد از کیفیت حالات مکلف اطلاع حاصل کند و از لابه لای آیات و روایات وظیفه او را تعیین نماید. تا بتواند به سهولت به مقام صالحین برسد.



سؤال صد و چهاردهم:

بین دو دستور نماز آیات که در یک مورد آن حمد و سوره را باید خواند و در مورد دیگر می‌توان سوره را به پنج قسمت تقطیع کرد و رکوع‌ها را بین آن قطعات انجام داد، آیا کدامیک افضل و ارجح است؟

پاسخ ما:

بدون تردید آن نحوه‌ای که بعد از هر رکوع حمد و سوره‌ای خوانده شود بهتر است. (۱)

۱ - دلیل این مسئله روایات متعددی است که برای تلاوت هر آیه یا حتی هر حرف از قرآن، فضائل فراوانی نقل فرموده‌اند. در نماز آیات هم اگر بعد از هر رکوع به جای یک آیه یک حمد و یک سوره تلاوت شود، مسلماً آیات و حروف بیشتری از قرآن تلاوت شده و لذا فضیلت بیشتری هم دارد. از جمله آن روایات می‌توان به این روایت اشاره کرد که در مسئله ما صراحت دارد: عن محمد بن بشیر عن علی بن الحسین علیه السلام فی حدیث: و من قرأ حرفاً و هو قائم فی صلاته كتب الله له بكل حرفاً مائة حسنة و محاسبته مائة سيئة و رفع له مائة درجة. (کافی جلد ۲ صفحه ۶۱۲).

سؤال صد و پانزدهم:

آیا نمازهای قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است را می‌تواند پسر بزرگتر، کسی را برای انجام آن اجیر کند یا باید حتما خودش آنها را به جا آورد؟

پاسخ ما:

می‌تواند دیگری را اجیر کند.^(۱)

۱ - مستمسک عروة الوثقی جلد ۷ صفحه ۱۵۱ مسئله ۱۱.



سؤال صد و شانزدهم:

آیا این که در سجده سهو دستور است صلوات بفرستیم و یا به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله سلام کنیم، خود نوعی توسل و طلب شفاعت از خاندان عصمت علیهم السلام برای جبران آن سهو است؟

پاسخ ما:

شاید این گونه باشد، ولی در هر حال ما باید به دستورات و احکام تعبداً عمل کنیم.

سؤال صد و هفدهم:

آیا در این مورد روایتی هست که بین دو امام جماعتی که در تمام شرایط یکسان هستند و فقط یکی اهل شهر و یکی اهل روستاست، اولویت با آن که شهری است می‌باشد؟ و حکمت چنین دستوری در صورت صحت مطلب چیست؟

پاسخ ما:

برای دو امام جماعت، اگر در عدالت مساوی باشند امتیازات مستحبی قائل شده‌اند که من جمله سیادت و اهل ذکر گفتن، اعلم بودن و متمدن بودن است و قاعدتاً این گونه از امتیازات برای امام جماعت شرح صدر و وسعت نظر ایجاد کرده و غالباً این امتیازات مایه کمالات بیشتری است.

اگر از این جهت باشد که شخص وسعت دید بیشتری پیدا کرده بر دیگری فضیلت دارد و الاً فقط صرف شهری و یا روستایی بودن امتیاز نیست و گاهی در عمل عکس این دیده می‌شود، بنابراین اصل امتیازات به تقوا و کمالات روحی و انسانی و علم و معرفت است.



سؤال صد و هجدهم:

چرا بعد از هر قرائت سوره فاتحه و یک سوره باید یک رکوع
و دو سجده انجام داد؟

پاسخ ما:

در دستورات الهی نباید زیاد در پی حکمت آن برخاست. و در صورتی که
فلسفه‌ای از آن را بدانیم نباید معتقد باشیم که تنها حکمتش همین است. ولی در
عین حال ما حمد و سوره را به عنوان سخن الهی می‌خوانیم که دستور می‌دهد این
گونه باشید. لذا در مقابل عظمت پروردگار و ابراز ناتوانی، سر تعظیم در رکوع فرود
می‌آوریم و یک بنده خدا به تعظیم تنها نمی‌تواند اکتفا کند. لذا مکرر به خاک
می‌افتد و با تسبیح و ستایش برتری در مقابل خدای تعالی کرنش می‌کند.

سؤال صد و نوزدهم:

اگر نماز گزار سهواً مولات را رعایت نکند مثل آن که میان کلمات ذکر و تشهد و یا حمد و سوره فاصله بیاندازد آیا نماز باطل می شود؟ و اگر این اشتباه باشد، وظیفه او چیست؟

پاسخ ما:

مولات و ترتیب از واجبات نماز است و کسی که عمداً آنها را ترک کند نمازش باطل است.^(۱) و اگر سهواً این کار را انجام داد، اگر به ارکان نماز صدمه ای وارد نشده باشد نمازش صحیح است.^(۲)

۱ - مستمسک العروة الوثقی جلد ۶ صفحه ۳.

۲ - مستمسک العروة الوثقی جلد ۶ صفحه ۴۸۴.



سؤال صد و بیستم:

در مورد نماز شب اگر کسی ناچار باشد که یا آن را پیش از وقت نماز شب و یا آن که قضای آن را بخواند کدامیک افضل است؟

پاسخ ما:

قضای آن افضل است.^(۱)

۱ - عن معاوية بن وهب عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت له ان رجلا من مواليك من صلحائهم شكا الى ما يلقي من النوم، و قال اني اريد القيام الى الصلاة بالليل فيغلبني النوم حتى اصبح و ربما قضيت صلاتي الشهر متتابعا و الشهرين اصبر على ثقله فقال قوة عين له و الله قال و لم يرخص له في الصلاة في اول الليل و قال القضاء بالنهار افضل. (كافي جلد ۳ صفحه ۴۴۷).

سؤال صد و بیست و یکم:

اگر نمازگزاری حکم و اهمیت رعایت ترتیب نمازهای یومیه را نداند و گاهی به ترتیب عمل نکند مثلاً اول عصر و بعد ظهر را بخواند، بعد متوجه این اشتباه بشود آیا اعاده آن نمازها واجب است؟ و یا آن که از آن به بعد را باید درست بخواند و گذشته معفو است؟

پاسخ ما:

بله، خواندن دوباره آن نمازها واجب است و گذشته اش معفو نیست.^(۱)

۱ - عن عبید بن زرارۃ عن ابی عبد اللہ علیه السلام فی قوله تعالی اقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل قال ان الله تعالى افترض اربع صلوات اول وقتها من زوال الشمس الى انتصاف الليل منها صلاتان اول وقتها من عند زوال الشمس الى غروب الشمس الا ان هذه قبل هذه و منها صلاتان اول وقتها من غروب الشمس الى انتصاف الليل الا ان هذه قبل هذه. (تهذيب جلد ۲ صفحه ۲۵).



سؤال صد و بیست و دوم:

آیا اوقات شرعی که معمولاً در تقویم‌ها درج می‌شود، مخصوصاً طلوع و غروب آفتاب و یا وقت اذان ظهر و غیره از نظر شرعی هم حجیت دارند یا خیر؟ مثلاً اگر طلوع آفتاب ساعت ۶:۲۵ است اگر کسی ساعت ۶:۲۶ نماز صبحش را بخواهد بخواند، باید نیت اداء کند یا قضا؟

پاسخ ما:

چون عقلا و عرف به گفته تقویم عمل می‌کنند و اکثراً اطمینان به آن پیدا می‌کنند گفته آنها اطمینان بخش است و حجت عقلایی است.

در پاسخ به موضوع دوم: در صورتی که شک دارد به این که آیا نماز قضا شده یا نه نمی‌تواند نیت اداء کند والا باید نیت قضا نماید.

سؤال صد و بیست و سوم:

لطفاً بفرمائید آیا سجده‌ای که ملائکه بر حضرت آدم علیه السلام کردند^(۱) و یا سجده‌ای که در رؤیای حضرت یوسف علیه السلام دیده شد که برادرانش بر حضرت یوسف علیه السلام کردند^(۲) و یا سجده‌ای که بعد از نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام انجام می‌دهیم و «یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی» می‌گوییم^(۳) و نیز سجده‌ای که به عنوان سجده سهو انجام می‌دهیم و «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» را در آن می‌گوئیم^(۴)، از مصادیق

۱ - «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» سوره طه آیه ۱۱۶.

۲ - «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا» سوره یوسف آیه ۱۰۰.

۳ - عن بلد الامین للکفعمی تصلی رکعتین فاذا سلمت فکبر الله ثلاثا و سبح تسبیح الزهراء علیها السلام و اسجد و قل مائة مرة یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی ثم ضع خدک الایمن و قل كذلك ثم عد الی السجود و قل كذلك ثم ضع خدک الایسر علی الارض و قل كذلك ثم عد الی السجود و قل كذلك مائة مرة و عشر مرات و اذکر حاجتک تقضی. (بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۲۵۴).

۴ - عن عبید الله الحلبي قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول فی سجدة السهو بسم الله و بالله و صلی الله علی



سجده بر غیر خدا محسوب می شوند و این سجده ها چه معنایی دارند؟

پاسخ ما:

به طور کلی سجده مخصوص خداست مگر در جائی که نصّ خاصی داشته باشد، مانند نصوص مورد سؤال که اجازه سجده داده شده است.

⇒ محمد و علی آل محمد قال و سمعته مرة اخرى يقول فيها بسم الله و بالله و السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته. (تهذيب جلد ۲۵ صفحه ۱۹۶).

سؤال صد و بیست و چهارم:

در مورد اشیائی که سجده بر آنها صحیح است فرموده‌اند که معدنی نباشد، چه معیار و ملاکی برای تشخیص «وجه الارض» که می‌توان بر آن سجده کرد، از سنگهای معدنی وجود دارد؟ و آیا سنگهای ساختمانی که از معدن استخراج می‌شوند معدنی حساب می‌شوند؟

پاسخ ما:

سنگ معدنی در این موارد سنگهای قیمتی مانند سنگ عقیق، فیروزه، و غیره است و هر چه از این سنگها مشکوک باشد که آیا از سنگهای قیمتی است و یا عرفاً آن را از سنگ قیمتی ندانند و بلکه با تراشیدن و حکاکی کردن روی آن قیمتی شود، سجده بر آنها جایز است.



سؤال صد و بیست و پنجم:

آیا در خواندن آیه‌های چهار سوره‌ای که سجده برای آنها واجب شده است نگاه کردن به آیه هم سجده را واجب می‌کند؟

پاسخ ما:

خیر، فقط خواندن آن آیات و یا شنیدن آن آیات سجده را واجب می‌کند.^(۱)

سؤال صد و بیست و ششم:

اگر روی لباس نماز گزار به مقدار کمتر از درهم خون حیوان حرام گوشت یا خون حیض و نفاس و استحاضه باشد آیا باز هم نمازش صحیح است یا خیر؟

پاسخ ما:

خون حیوان حرام گوشتی که دارای خون جهنده است در حال حیات اگر از رگهای آن حیوان بیرون بیاید به غیر از خون سگ و خوک و خون حیض و نفاس اگر به مقدار یک درهم در لباس یا بدن نماز گزار باشد معفو است^(۱) و الا خونهای فوق الذکر نباید حتی سر سوزنی از آنها در نماز در لباس و یا بدن مصلی باشد.^(۲)

۱ - عن اسماعیل الجعفی عن ابی جعفر علیه السلام قال فی الدم ینکون فی الثوب ان کان اقل من قدر الدرهم فلا یعید الصلاة و ان کان اکثر من قدر الدرهم و کان رآه فلم یغسله حتی صلی فلیعده صلاته و ان لم ین رآه حتی صلی فلا یعید الصلاة. (استبصار جلد ۱ صفحه ۱۷۵).

۲ - عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام او ابی جعفر علیه السلام قال: لا تعاد الصلاة من دم لم تبصره غیر دم الحیض فان قلیله و کثیره فی الثوب ان رآه او لم یره سواء. (کافی جلد ۳ صفحه ۴۰۵).



سؤال صد و بیست و هفتم:

اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام
گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، نمازش چه
حکمی خواهد داشت؟

پاسخ ما:

رطوبت‌هایی که از حیوان حرام گوشت غیر از سگ و خوک و غیر از بول و منی و
رطوبت غائط از حیوانات حرام گوشت به بدن و لباس نماز گزار برسد اشکالی
ندارد.^(۱) زیرا عرفاً این رطوبت‌ها را از اجزای حیوان حرام گوشت نمی‌دانند اما بول
و غائط و منی حیوان حرام گوشت نجس است و به خاطر نجاستش جایز نیست که
در بدن و لباس نماز گزار باشد.

۱ - مستمسک العروة الوثقی جلد ۵ صفحه ۳۱۱.

سؤال صد و بیست و هشتم:

اگر انسان مساوی یا جلوتر از قبر مطهر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبور ائمه اطهار علیهم السلام نماز بخواند آیا نمازش صحیح است؟

پاسخ ما:

به خاطر آن که در قرآن مجید آمده که بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مقدم نشوید. ^(۱) و حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام حی و میت ندارند، ^(۲) مقدم شدن بر قبر آنها جایز نیست و چون عمل غیر مجاز با نماز در یک چنین مکانی وحدت پیدا می کند نماز باطل است. ^(۳)

۱ - سوره مبارکه حجرات یاه ۱.

۲ - عن امیرالمومنین علیه السلام فی حدیث: ان رسول الله صلی الله علیه و آله امامنا حیا و میتا. بحار الانوار جلد ۲۲ صفحه ۵۱۸.

۳ - عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۵۸۶.



سؤال صد و بیست و نهم:

آیا حکم پوشیدن لباس طلا بافت و زینت کردن به طلا مثل دستبند و گردنبند و ساعت مچی و انگشتر برای مرد در نماز و غیر نماز چیست؟ حکم این زینت‌های طلا برای زنان چیست؟

پاسخ ما:

زینت‌های طلا مطلقاً برای مرد جایز نیست، زیرا روایاتی به این مضمون وارد شده ولی برای زنان مطلقاً جایز است.^(۱)

۱ - عن موسى بن اكيل النمیری عن ابی عبد الله عليه السلام فی حدیث: و جعل الله الذهب فی الدنيا زينة النساء فحرم على الرجال لبسه و الصلاة فيه. (تهذيب الاحكام جلد ۲ صفحه ۲۲۷).

سؤال صد و سی ام:

آیا نماز خواندن روی فرشی که قسمتی از آن نام خدا و ائمه اطهار علیهم السلام نوشته شده است در تمام فرش اشکال دارد یا تنها در همان قسمتی که اسماء مقدسه نوشته شده است؟

پاسخ ما:

اگر عرفاً توهین به نام مقدس آنها باشد جایز نیست. (۱)



سؤال صد و سی و یکم:

اگر مسجدی به خاطر جهتی مثل آن که در وسط جاده یا خیابانی واقع شده است و به حکم ولی فقیه تخریب شود آیا باز هم احکام مسجد بر زمین آن صدق می‌کند، مانند حرمت نجس کردن و وجوب تطهیر و امثال آن؟

پاسخ ما:

اگر عرفاً صد درصد از صورت مسجد بودن خارج شود و کسی که سابقه آن را ندارد آن را مسجد نمی‌بیند احکام مسجد بر آن بار نمی‌شود.^(۱)

۱ - دلیل اصلی این حکم و این مسئله ولایتی است که فقیه جامع شرایط به عنوان ولی فقیه از جانب امام معصوم علیه السلام در زمان غیبت کبری داراست.

سؤال صد و سی و دوم:

در تنگی وقت که ما فقط برای اذان و یا اقامه وقت داریم،
اولویت با کدام یک می باشد؟

پاسخ ما:

اولویت با اقامه است.

سؤال صد و سی و سوم:

حقیقت اذان و حقیقت اقامه هر کدام چه هستند و انسان بعد از گفتن

اذان و اقامه به چه چیزی باید متوجه شود و چه حالتی پدید آید؟

پاسخ ما:

اذان اعلامی آن اذانی است که برای تعیین وقت نماز برای عموم مردم گفته می‌شود، این برای آن است که مردم از کسب و کار و منزل و هر شغلی که در دست دارند دست بکشند و برای نماز خود را مهیا کنند. لذا مستحب است به فاصله‌ای که مردم برای نماز حاضر می‌شوند اذان نماز و اقامه نماز گفته شود ولی اذانی که برای نماز گفته می‌شود به خاطر مهیا شدن مردم وقتی که در صفوف جماعت نشسته‌اند از قبیل توجه به محتویات و چیزهایی که در بدن و لباس و چیزی که سجده بر آن جایز است و طهارت لباس و بدن و زمینی که به روی آن می‌خواهند نماز بخوانند، می‌باشد.

ولی اقامه برای مهیا شدن قلب و حضور آن برای لقاء پروردگار و انس با آن مقام پر عظمت و فهم و درک معانی و حقایق نماز می‌باشد.^(۱)

۱ - عن الحسين بن علي عن علي بن ابي طالب عليه السلام: و معنى قد قامت الصلاة فى الاقامة اى حان وقت الزيارة و قضاء الحوائج و درک المنى و الوصول الى الله عز و جل و الى كرامته و غفرانه و عفوه و رضوانه.

سؤال صد و سی و چهارم:

معنای نیت در نماز چیست؟ آیا استدامه آن شرط در صحت نماز است؟ و آیا می‌توان آن را در نماز از مستحبی به واجب و از اداء به قضاء با بر عکس برگرداند؟ در صورت جواز برگرداندن نیت آیا با دوام آن از اول نماز تا آخر منافاتی ندارد؟

پاسخ ما:

نیت در نماز و به خصوص در تکبیره الاحرام همان دانستن مکلف است که چه می‌کند و برای خدا نماز می‌خواند می‌باشد.^(۱) و می‌تواند به همین مقدار از نیت اکتفا کند و استدامه نیت در نماز این است که در جزئیات نماز ریا نکند و تمام جزئیات نماز برای خدا انجام شود بنابراین اگر ریا نکند و نماز را برای خدا بخواند می‌تواند نماز مستحبی را به واجب و از ادا به قضا یا بر عکس با شرایطی که در رساله‌ها ذکر شده برگرداند.^(۲)

۱ - عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۶۱۴.

۲ - عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۶۱۵.



سؤال صد و سی و پنجم:

اگر کسی به خاطر امراض روحی یا ضعف در اعتقادات حفظ قصد قربت دست خودش نباشد و هر چه سعی در اخلاص می‌کند نتواند، حکم نمازش چیست؟

پاسخ ما:

این مقدار از سعی در اخلاص برای خواندن نماز واجب نیست. و قصد قربت به همان مقداری صحیح است که نماز را برای خدا و به خاطر امر پروردگار انجام می‌دهد. (۱)

سؤال صد و سی و ششم:

لطفاً بیان بفرمائید که در بین چند قیامی که در نماز واجب وجود دارد یعنی هنگام تکبیرة الاحرام و هنگام قرائت حمد و سوره و قبل از رکوع و بعد از رکوع آیا همه آنها رکن حساب می‌شوند یا بعضی از آنها؟ و ضمناً بفرمایید که قیام در نماز به انسان چه درسی می‌آموزد؟

پاسخ ما:

هیچ کدام آنها رکن نیستند فقط قیام متصل به رکوع از ارکان نماز محسوب می‌شود و واجب است. قیام متصل به رکوع یعنی از حال قیام فقط برای رکوع کردن خم شود. که اگر برای غیر رکوع عمداً یا سهواً خم شود و از همان حالت به رکوع رفت نمازش باطل است. قیام در نماز برای ادب و اظهار تحرک در مقابل خدای تعالی و اوامر او است.

سؤال صد و سی و هفتم:

الف: وقت نماز مغرب و عشاء هر کدام از چه وقت تا چه وقت است؟

ب: چه تفاوتی بین وقت مخصوص و وقت فضیلت که معمولاً در رساله‌ها آمده است می‌باشد؟

پاسخ ما:

الف: وقت نماز مغرب از زمانی که حُمُرَةُ مشرقیه بالای سر بیاید شروع می‌شود تا چهار رکعت به نیمه شب مانده است.^(۱) و وقت نماز عشاء از مدت سه رکعت خواندن نماز مغرب تا نیمه شب شرعی می‌باشد.^(۲)

ب: وقت مخصوص نماز مغرب اول اذان تا خواندن سه رکعت بعد از مغرب

۱ - عن ابی عمیر عن ذکره عن ابی عبدالله علیه السلام قال: وقت سقوط القرص و وجود الافطار ان تقوم بحذاء القبلة و تتفقد الحمرة التي ترتفع من المشرق فاذا جازت قمة الرأس الى ناحية المغرب فقد وجب الافطار و سقط القرص. (کافی جلد ۳ صفحه ۲۷۹).

۲ - عن بکر بن محمد عن ابی عبدالله علیه السلام: و اول وقت العشاء ذهاب الحمرة و آخر وقتها الى غسق الليل یعنی نصف الليل. (تهذیب الاحکام جلد ۲ صفحه ۳۱).

است، و وقت مخصوص نماز عشاء به مدت خواندن چهار رکعت به آخر وقت مانده است می باشد. و وقت فضیلت نماز مغرب از اول مغرب تا دو ساعت بعد از مغرب است. و وقت فضیلت نماز عشاء از سه رکعت بعد از نماز مغرب تا حدود دو ساعت ونیم بعد از مغرب است. (۱)



سؤال صد و سی و هشتم:

آیا ملاک تشخیص اوقات نمازهای یومیه تنها موقعیت خورشید نسبت به کره زمین است یا طبق ساعت هم می‌توان اوقات را تشخیص داد؟ مثل آن که گفته می‌شود مثلاً اگر مدت روز یازده ساعت باشد پس از گذشتن ۵ ساعت ونیم از طلوع آفتاب ظهر شرعی است. چون ظهر شرعی عبارت از گذشتن نصف روز است؟

پاسخ ما:

ملاک تشخیص اوقات نماز یومیه موقعیت خورشید است. مگر آن که در جایی نمازگزار واقع شده باشد که شش ماه شب و شش ماه روز است در این صورت باید با نزدیک‌ترین محلی که در ۲۴ ساعت شبانه روز دارد، ساعتش را تنظیم کند که باز در حقیقت این همان به دست آوردن موقعیت خورشید است.^(۱)

۱ - توضیح بیشتر پیرامون جاهایی که شش ماه شب و شش ماه روز است در سؤال ۹۸ آمده است.

سؤال صد و سی و نهم:

نماز جمعه با چه شرایطی واجب می شود و در زمان غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نماز جمعه چه حکمی دارد؟

پاسخ ما:

نماز جمعه برای نشان دادن وحدت مسلمانها و یا لاقل وحدت مردم یک شهر از مسلمانها است. و چون در اسلام بالاخص مذهب شیعه برای امام جمعه عدالت شرط است و لا اقل از معنی عدالت، ترک محرمات و انجام واجبات لازم است، لذا در نماز جمعه در زمان امام معصوم علیه السلام این علت یعنی وحدت مسلمانها خواهی نخواهی تحقق پیدا می کند. زیرا اگر امام معصوم علیه السلام خودش به امامت در نماز بایستد احدی از مردم مسلمان نمی توانند عدالت و بلکه عصمت او را منکر شوند و چون نماز جمعه واجب است همه مردم بلا استثناء در نماز جمعه حاضر می شوند و هر کس تخطی کند هیچ عذری نخواهد داشت. و هم چنین اگر امام معصوم علیه السلام شخص دیگری را برای امامت تعیین کنند باز هم انکار عدالت آن شخص در حقیقت انکار عصمت امام معصوم علیه السلام است. بنابراین در این صورت کاملاً بدون عذر همه مردم یک شهر برای تشکیل یک نماز جمعه جمع می شوند. اما در زمان غیبت امام علیه السلام مردم بهانه جو و یا تبیل می توانند با عذر این که امام



جمعه از نظر من عدالتش مسلم نیست چه راست بگویند یا دروغ، می توانند از حضور در نماز جمعه خوداری کنند. بنابراین همان چیزی که باید سبب وحدت در اسلام باشد وسیله تفرقه می گردد و لذا بعضی از مراجع تقلید بر این اساس حکم به حرمت و بعضی دیگر حکم به تخییر بین نماز جمعه و ظهر داده اند.

سؤال صد و چهلم:

کسی که نماز ظهرش را به جا آورده و می‌خواهد نماز عصرش را بخواند وقتی در رکعت دوم نماز عصر بود یادش آمد که نماز ظهرش را دو رکعتی خوانده در آن حالت چه باید کرد؟

پاسخ ما:

فوراً در اینجا که در وسط نماز عصر است نیتش را برگرداند به نماز ظهر و نماز ظهر را تمام بکند و بعد نماز عصر را بار دیگر بخواند.^(۱)

۱ - تفصیل این بحث همراه مدارک در المستمسک العروه جلد ۶ صفحه ۱۲ الی ۱۴.

سؤال صد و چهل و یکم:

فردی که از شهر خود به شهر دیگر هجرت می‌کند و قصد ندارد در شهر خود زندگی کند اگر موقتاً به شهر خود برود باید نمازش را شکسته بخواند؟

پاسخ ما:

اگر طوری برود که دیگر به این شهر نمی‌آید مثلاً اهل یک روستای پنج، شش خانواری هست حالا یک شخصیتی، مهندسی، دکتری شده و اصلاً آنجا جای زندگی برای او نیست و او هم آمده در یک شهر دیگر و آنجا را وطن قرار داده یا حتی آنجا را هم وطن قرار نداده باشد حتی اگر بیرسند آقا ممکن است بروی آنجا زندگی کنی؟ می‌گویند نه من بروم آنجا چکار کنم؟ به این کار جلای وطن می‌گویند و ترک وطن کرده است و اگر این طور شد و یک وقتی رفته مثلاً احوالی بیرسد باید آنجا نماز را شکسته بخواند چون ترک وطن کرده است و رفتن او مانند یک مسافر معمولی است. ولی اگر کمتر از این است و شک دارد وطن هست یا خیر؟! مثلاً یک باغی دارد و گاه ممکن است آنجا برود و بماند چند ماهی یا حتی یک سال آنجا بماند و قطع امید نکرده و بگوید اینجا وطنم هست شرایط وطن را دارد و به همان شرایط باید عمل کند.

سؤال صد و چهل و دوم:

آیا حرم ائمه اطهار علیهم السلام هم احکام مسجد را دارد؟

پاسخ ما:

حرم ائمه اطهار علیهم السلام هم در تمام احکام مسجد، با مسجد مشترکند، ^(۱) و بلکه مقام معنوی آنها از مسجد بالاتر است. ^(۲)

۱ - عروة الوثقی جلد ۱ صفحه ۲۸۵.

۲ - عن مالک بن عطیة عن ابی عبد الله علیه السلام قال: من زار الحسین علیه السلام كتب الله له ثمانی حجة مبرورة.
(کتاب المزار صفحه ۳۸ حدیث ۱).



سؤال صد و سوم:

حکم سجده بر مهرهایی که در یک طرفش اسامی ائمه

اطهار علیهم السلام نوشته شده چیست؟

پاسخ ما:

اگر توهین به اسامی ائمه اطهار علیهم السلام نشود و نباشد اشکالی ندارد، ولی بهتر است

که مهر ساده باشد.

سؤال صد و چهل و چهارم:

این چه حکمتی دارد که خدای تعالی در آیه شریفه «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^(۱) تاکید بیشتر را بر حفظ نماز وسطی می فرماید و منظور کدام نماز است؟

پاسخ ما:

اگر نمازها را از صبح از نظر تعداد شروع کنیم نماز وسطی، نماز عصر می شود. و علت تاکید آن این است که مردم برای خواندن نماز عصر کم توجه تر و خسته ترند. و ممکن است نماز عصر را با مسامحه بیشتری برخورد کنند. و لذا در خصوص نماز وسطی سفارش بیشتری شده است. احتمال دارد نماز وسطی نماز صبح باشد. چون اکثریت مردم در صبح با وسوسه شیطان یا فعالیت شیطان کسالت بیشتری دارند در خصوص نماز صبح سفارش بیشتری در این آیه شده است.



سؤال صد و چهل و پنجم:

در بعضی دستورات علماء و مراجع آمده است که نماز گزار قبل از نماز باید خود را از گناہانی که مانع قبولی نماز است هم چون حسد و تکبر و غیبت و خوردن مال حرام و آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات پاک کند اولاً نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟ ثانیاً اگر نقدی بر این مطلب ندارید چگونه می توان این کار را که مدتہا زمان نیاز دارد قبل از هر نمازی آنها را انجام داد؟

پاسخ ما:

قبولی نماز غیر از انجام دادن واجب است.^(۱) چه بسا انسان نماز واجبش را انجام داده ولی به خاطر بعضی از اعمال زشتی که قبلاً داشته و یا صفات رذیله ای که دارد مورد قبول خدای تعالی واقع نگردد. بنابراین انسان باید واجباتش را به موقع انجام دهد، اما مقدماتی را نیز که لازمه قبولی نماز است اصلاح نماید.

۱ - بحار الانوار جلد ۷۷ صفحه ۲۳۲.

فهرست

موضوع	صفحه
پیشگفتار	۵
سؤال اوّل: خدای تعالی در سوره مبارکه بقره فرموده: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» در حالی که در سوره مبارکه حمد می فرماید: «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، همین طور در روایات و آیات دیگری در قرآن هست که می فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» «اعانت کنید یکدیگر را در نیکی و تقوی» یا «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» به یکدیگر در گناه و دشمنی کمک نکنید، جمع بین این ها چه می شود؟	۷
سؤال دوّم: نماز برای خاشعین چگونه است؟	۸
سؤال سوّم: لطفاً بفرمائید بهترین نوع دعا کردن در نماز و غیر نماز چگونه است؟ ۹	
سؤال چهارم: چرا در قنوت نماز و بعد از آن دعای «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» دارای اهمیت است؟	۱۱
سؤال پنجم: در آیه شریفه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و آیه: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ	



- فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» چه کسانی صاحب نعمت‌اند؟ ۱۳
- سؤال ششم: به چه کسانی خداوند نعمت سلامت روح را عطا فرموده است؟ . ۱۵
- سؤال هفتم: منظور از غضب در آیه شریفه «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» چیست؟ ۱۸
- سؤال هشتم: آیا سوره مبارکه حمد و توحید را در نماز می‌شود به قصد دعا خواند؟ ۲۲
- سؤال نهم: در پایان سوره مبارکه حمد بهتر است چه کلمه‌ای را بگوئیم؟ ۲۵
- سؤال دهم: اهل تسنن چه چیز را در اذان و اقامه نمی‌گویند؟ ۲۶
- سؤال یازدهم: حیّ‌الات در اذان و اقامه به چه معناست؟ ۲۸
- سؤال دوازدهم: در چه صورت روح انسان کاملاً برای نماز آمادگی پیدا می‌کند؟ ۲۹
- سؤال سیزدهم: آیا در نماز دعای واجبی که به قصد دعا و انشایی انجام دهیم داریم؟ ۳۰
- سؤال چهاردهم: چرا نماز خیر العمل است و این قدر به آن اهمیت داده و آن را ستون دین می‌دانیم؟ ۳۷
- سؤال پانزدهم: حقیقت نماز چیست و نیز علت استحباب خواندن سوره قدر در نماز و دلیل خواندن این سوره در شب قدر چیست؟ ۳۸
- سؤال شانزدهم: لطفاً در مورد اهمیت خواندن سوره توحید در نماز توضیح مختصری بفرمائید..... ۴۰
- سؤال هفدهم: آیا میزان خوبی و بدی انسان در نماز خواندن است؟ ۴۲

- سؤال هجدهم: نماز گزار در نماز چند سیر انجام می دهد؟ ۴۳
- سؤال نوزدهم: چه کنیم که در نماز حواس مان پرت نشود؟ ۴۴
- سؤال بیستم: فواید فرستادن صلوات کدامند و در نماز به منزله چیست؟ ۴۵
- سؤال بیست و یکم: نماز برای غیر خاشعین چگونه است؟ ۴۶
- سؤال بیست و دوم: خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام بعد از نماز چه فایده ای دارد؟ ۴۸
- سؤال بیست و سوم: تکبیرهای واجب و مستحب در نماز کدامند؟ ۴۹
- سؤال بیست و چهارم: در سوره مبارکه حمد کلمات رحمان و رحیم چند بار تکرار شده و به چه معناست؟ ۵۰
- سؤال بیست و پنجم: در آیه شریفه مالک يوم الدين مالک این روز کیست؟ ۵۸
- سؤال بیست و هفتم: درباره قنوت در نماز توضیحی بفرمائید. ۵۹
- سؤال بیست و هشتم: چرا نماز جمعه در نزد خدای تعالی این قدر پر اهمیت می باشد؟ ۶۳
- سؤال بیست و نهم: اگر کسی نماز شبش ترک شود و برای آن سه روز مثلاً روزه بگیرد و خود را به این وسیله تنبیه نماید، اشکالی دارد؟ ۶۴
- سؤال سی ام: عباد صالح که در نماز به آنها سلام می دهیم چه کسانی هستند؟ ۶۵
- سؤال سی و یکم: صلواتی که در پایان تشهد می فرستیم آیا به خاطر نام حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است یا جزء تشهد است؟ ۶۶
- سؤال سی و دوم: چرا می گویند نماز صبح و مغرب و عشاء را حمد و سوره اش را



- ۶۷ باید با صوت بلند بخوانیم؟
- ۶۹ سؤال سی و سوّم: آیا بعد از نماز واجب سجده شکر مشروع است؟
- ۷۰ سؤال سی و چهارم: چرا در نماز نباید به اطراف نگاه کنیم؟
- سؤال سی و پنجم: چه نکاتی را لازم است که برای قرائت صحیح در نماز رعایت کنیم؟ ۷۱
- سؤال سی و ششم: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» یعنی چطور از نماز و صبر استعانت و کمک بگیریم؟ ۷۲
- سؤال سی و هفتم: خضوع یعنی چه؟ و خشوع و خضوع در نماز و در مقابل پروردگار چگونه است؟ و چطور می شود در نفس خود ایجاد کرد؟ ۷۴
- سؤال سی و هشتم: تسبیح به چه معنا است؟ ۷۷
- سؤال سی و نهم: آیا نماز یک امر فطری است؟ ۷۹
- سؤال چهلّم: لطفاً توضیح بفرمائید نمازی که به حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام توصیه شده بود به چه صورتی بوده و آیا مثل نماز معمولی الان ما بعد از اسلام بوده است یا نه؟ و خود حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قبل از اسلام این نماز را می خواندند یا نه؟ ۸۰
- سؤال چهل و یکم: خدای تعالی درباره نماز شب چه فرموده است؟ ۸۵
- سؤال چهل و دوّم: چرا فراگیری زبان عربی دارای اهمیت است؟ ۸۶
- سؤال چهل و سوّم: چرا در قنوت نماز وتر، جمله «هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ» گفته می شود؟ ۸۹
- سؤال چهل و چهارم: درباره این حدیث توضیح دهید اگر خواستید به نماز بایستید و

- نماز خوبی بخوانید به عظمت روحی امام علیه السلام فکر کنید بعد بگویید خدایی را عبادت می‌کنم که این را خلق کرد. ۹۳
- سؤال چهل و پنجم: چرا در نماز جماعت باید صف منظم و آراسته باشد؟ ۹۴
- سؤال چهل و ششم: سجده و خصوصیات آن را بیان فرمائید. ۹۵
- سؤال چهل و هفتم: شخصی که فقط به جهت این که نماز خوان‌های بد دیده، نماز نمی‌خواند ولی معتقد است و خواب‌های خوب از ائمه اطهار علیهم السلام می‌بیند آیا این خواب‌ها دلیل خوبی او است؟ ۹۹
- سؤال چهل و هشتم: آیا نماز در معابر عمومی صحیح است؟ آیا این کار تبلیغ درستی برای مسأله نماز است؟ ۱۰۱
- سؤال چهل و نهم: «الوضوء سلاح المؤمن» یعنی چه؟ ۱۰۳
- سؤال پنجاهم: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ» یعنی چه؟ و اهمیت خواندن نماز و فضیلت آن را بیان فرمائید. ۱۰۴
- سؤال پنجاه و یکم: سه سلام آخر نماز را توضیح دهید و سلام‌ها شامل چه کسانی می‌شود؟ ۱۰۷
- سؤال پنجاه و دوّم: «الله اکبر» یعنی چه؟ ۱۱۰
- سؤال پنجاه و سوّم: معنای تکبیره الاحرام چیست؟ ۱۱۲
- سؤال پنجاه و چهارم: ذکر اکبر کدام است؟ قرآن مجید یا نماز؟ ۱۱۳
- سؤال پنجاه و پنجم: اگر در نماز انسان از خوف خدا گریه کند و حواسش پرت شود حکم چیست؟ ۱۱۴



- سؤال پنجاه و ششم: در نماز یومیة زیاد دچار شک می‌شوم فقط گاهی که حال توجہی دارم شک نمی‌کنم بفرمائید چکار کنم؟ ۱۱۵
- سؤال پنجاه و هفتم: توجہ در نماز یعنی چه لطفاً توضیح دهید؟ ۱۱۷
- سؤال پنجاه و هشتم: آیا شہادت بہ ولایت جزو اذان و اقامہ هست یا خیر؟ .. ۱۱۸
- سؤال پنجاه و نهم: چرا در تکبیرۃ الاحرام باید دستہا را تا گوش بالا ببریم؟ ۱۱۹
- سؤال شصتم: نمازہای مستحبی بہتر است در مسجد خواندہ شود یا در خانہ؟ ۱۲۰
- سؤال شصت و یکم: چرا در قنوت نماز عید فطر می‌گوییم خدایا این روز را برای مؤمنین عید قرار دادی، ولی بعدش می‌گوییم برای حضرت پیامبر ﷺ و اولادشان مایہٴ اہمیت و اکرام؟ ۱۲۱
- سؤال شصت و دوم: اینجانب در نماز سستی می‌کنم و گاهی اوقات اصلاً فراموش می‌کنم نماز بخوانم. برای رفع کاہلی در نماز چہ کنم؟ توضیح بفرمائید. ۱۲۳
- سؤال شصت و سوم: چگونگی خواندن نماز شب را توضیح دهید. ۱۲۴
- سؤال شصت و چہارم: نماز یعنی چہ؟ ۱۲۷
- سؤال شصت و پنجم: آیا معصیت کار را در نماز شب می‌شود دعا کرد؟ ۱۲۹
- سؤال شصت و ششم: معنای «من ترک الصلوۃ متعمداً...» چیست؟ ۱۳۰
- سؤال شصت و ہفتم: شما بہ عنوان طبیب روحی، ما را راهنمایی کنید کہ چہ کنیم در نماز حضور قلب داشتہ باشیم؟ و چرا اغلب در نماز حواسمان پرت می‌شود؟ ۱۳۲

- سؤال شصت و هشتم: نماز معراج مؤمن است یعنی چه؟ و در چه قسمت از نماز با خدا حرف می‌زنیم؟ ۱۳۵
- سؤال شصت و نهم: چرا اختلاف عمل در این زمان در شکل و محتوای نماز، بین فرق اسلامی وجود دارد و هریک در زمان خاصی نماز می‌خوانند؟ ۱۴۰
- سؤال هفتادم: چرا در نماز تشهد می‌گوئیم و معنای آن چیست؟ ۱۴۵
- سؤال هفتاد و یکم: شهادتین یعنی چه؟ شاهد به چه کسی و به چه نوع مشاهده‌ای شهادت می‌گویند؟ ۱۴۸
- سؤال هفتاد و دوّم: «الصلاة قربان کلّ تقی» لطفاً درباره‌ این حدیث توضیح بفرمائید..... ۱۵۰
- سؤال هفتاد و سوّم: گاه اموری مهم پیش می‌آید چکار کنیم تا راه صحیح را انتخاب کنیم؟ ۱۵۱
- سؤال هفتاد و چهارم: چرا در نماز جماعت حمد و سوره را نباید مأموم بخواند؟ ۱۵۳
- سؤال هفتاد و پنجم: آیا واجب است همسایگان مسجد، نماز را در مسجد بخوانند؟ ۱۵۴
- سؤال هفتاد و ششم: آیا اجتماع در نماز جماعت و ثواب آن اثری دارد؟ ۱۵۵
- سؤال هفتاد و هفتم: من در جایی هستم معمولاً نماز دیر می‌شود چه کار کنم؟ ۱۵۶
- سؤال هفتاد و هشتم: در نماز جماعت وقتی طولانی می‌شود حال توجّه بهتری پیدا می‌کنم آیا صحیح است طولانی بخوانم؟ ۱۵۷



- سؤال هفتاد و نهم: از ابتدا نماز به چه صورت بوده آیا از اوّل خلقت حضرت آدم عليه السلام وجود داشت؟ ۱۵۸
- سؤال هشتادم: در نماز جماعت اگر انسان جلوتر از امام سر به سجده بگذارد آیا نمازش صحیح است؟ ۱۶۰
- سؤال هشتاد و یکم: ترتیب وضو گرفتن و نماز خواندن که ما الان رعایت می‌کنیم آیا همان ترتیب وضو و نماز زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است؟ ۱۶۱
- سؤال هشتاد و دوّم: اگر در نماز واجب قنوت را فارسی بخوانند آیا نماز باطل است؟ ۱۶۳
- سؤال هشتاد و سوّم: چگونه دو عمل هر دو برتر حساب می‌شوند مثلاً یک روایت می‌فرماید: بهترین اعمال نماز، و دیگری می‌فرماید: بهترین اعمال انتظار فرج است. این دو با هم چگونه جمع می‌شوند؟ ۱۶۴
- سؤال هشتاد و چهارم: چرا در دستورات و اذکار تکرار زیاد وارد شده است؟ ۱۶۵
- سؤال هشتاد و پنجم: انسان در نماز آیات چگونه باید فکر کند؟ ۱۶۸
- سؤال هشتاد و ششم: گاهی انسان خسته نیست ولی حال و توجّه در عبادت ندارد اما گاه با اینکه خسته است توجّه دارد این چگونه است؟ ۱۶۹
- سؤال هشتاد و هفتم: سوره حمد که در نماز می‌خوانیم چه ارتباطی با سایر اعمال نماز دارد؟ ۱۷۱
- سؤال هشتاد و هشتم: وقتی به یک جمله یا کلمه در نماز می‌رسیم و به آن فکر می‌کنیم از بقیه نماز غافل می‌شویم چه کار کنیم؟ ۱۷۲

- سؤال هشتاد و نهم: بهترین ذکر برای رکوع و سجود کدام است؟ ۱۷۳
- سؤال نودم: اذکار نماز را چگونه بگوئیم که دروغ نگفته باشیم؟ ۱۷۴
- سؤال نود و یکم: اهمیت نماز غفیله را توضیح دهید؟ ۱۷۶
- سؤال نود و دوم: در قرآن خدای تعالی می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» آیا در ادیان دیگر هم نماز بوده است؟ ۱۸۱
- سؤال نود و سوم: آیا درک خطبه نماز جمعه برای صحت نماز جمعه ضروری است؟ و آیا بعد از نماز جمعه باید نماز ظهر را خواند؟ ۱۸۳
- سؤال نود و چهارم: از عباداتی مثل نماز شب چه سرمشقی باید بگیریم؟ ۱۸۶
- سؤال نود و پنجم: نماز اگر با نیت قربه الى الله نباشد اشکال پیدا می‌کند معنای این کلام را توضیح دهید؟ ۱۸۸
- سؤال نود و ششم: رکوع یعنی چه و آیا ما تنها برای خدا رکوع می‌کنیم؟ ۱۹۰
- سؤال نود و هفتم: اهل تسنن بدون مهر نماز می‌خوانند و به ما اشکال می‌گیرند. خودشان بر فرش یا جا نمازهایی که دارند سجده می‌کنند. لطفاً صحت عمل ما و اشکال کار آنها را بفرمائید. ۱۹۲
- سؤال نود و هشتم: همان طور که نماز بر اساس روز و شب یا طلوع و غروب خورشید است، لطفاً بفرمائید دستور علماء درباره کشورهایی که در قطب شمال یا جنوب هستند، چیست؟ و بستن چشم در نماز چه حکمی دارد؟ ۱۹۷
- سؤال نود و نهم: لطفاً اوقات نماز یومیه و زمان نافله یومیه را بفرمائید؟ ۱۹۹
- سؤال صدم: چرا در نماز باید حمد خواند؟ ۲۰۰



- سؤال صد و یکم: آیا کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز شب بخواند و مستحبات دیگر به جا آورد؟ ۲۰۲
- سؤال صد و دوم: چرا مسجد الاقصی در احکامی مانند کامل خواندن نماز مانند مساجد بزرگ دیگر نیست؟ ۲۰۳
- سؤال صد و سوم: چرا در بین دو سجده مستحب است انسان استغفار کند؟ . ۲۰۵
- سؤال صد و چهارم: در اقامه نماز «قد قامت الصلوة» می گوئیم این کلام به چه معنا است؟ ۲۰۷
- سؤال صد و پنجم: در نمازهای واجب مستحباتی مانند صلوات و تکبیر هست آیا در نمازهای مستحب هم هست؟ ۲۰۸
- سؤال صد و ششم: چرا نماز جماعت را مستحب است سریع تر خوانده شود؟ ۲۰۹
- سؤال صد و هفتم: آیا حکایت اذان وارد شده؟ ۲۱۰
- سؤال صد و هشتم: در این آیه «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» از سوره ماعون، سهو در این آیه چه معنا دارد؟ یا سهو در نماز در چه مواردی است؟ ۲۱۱
- سؤال صد و نهم: در مورد اهمیت نماز جماعت و نیز درباره عید و نماز عید توضیحاتی را بفرمائید. ۲۱۳
- سؤال صد و دهم: کسی که مهر در نماز نمی گذارد و موهایش هم عمداً بیرون است (اگر خانمی باشد) آیا این عبادت او را به خدا نزدیک می کند؟ ۲۱۶
- سؤال صد و یازدهم: یک نماز حاجتی در بین مردم هست که در مفاتیح نیست و از امام معصوم علیه السلام نرسیده این مسأله چگونه است؟ ۲۱۸

سؤال صد و دوازدهم: در بین نوافل و نمازهای واجب آن که فرموده‌اند نماز ستون

دین است، بیشتر منظور کدام یک می‌باشد؟ ۲۱۹

سؤال صد و سیزدهم: یکی از معضلات علمی و فقهی که عده‌ای از افراد امروزه به آن

گرفتارند این است که افرادی هستند در سنین جوانی و غفلت از خدا تحت

تأثیر انحرافات مختلف قرار گرفته و مدتهای زیادی نماز و روزه را ترک می‌کرده‌اند،

بعد که متوجه اشتباهات خود می‌شوند جبران این اعمال و عبادات بزرگترین مسئله

آنهاست که جوابی برای آن در هیچ رساله‌ای نیست، مثلاً قضای سی سال نماز یا

بیشتر یا قضای بیست ماه روزه‌ای که از روی عمد و بدون عذر افطار شده است و

امثال آن، آیا اگر کسی تا این مشکل را حل نکند می‌تواند قدمی در سیر الی الله

بردارد؟ ۲۲۰

سؤال صد و چهاردهم: بین دو دستور نماز آیات که در یک مورد آن حمد و سوره را

باید خواند و در مورد دیگر می‌توان سوره را به پنج قسمت تقطیع کرد و رکوع‌ها را

بین آن قطعات انجام داد، آیا کدامیک افضل و ارجح است؟ ۲۲۱

سؤال صد و پانزدهم: آیا نمازهای قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است را

می‌تواند پسر بزرگتر، کسی را برای انجام آن اجیر کند یا باید حتما خودش آنها را به

جا آورد؟ ۲۲۲

سؤال صد و شانزدهم: آیا این که در سجده سهو دستور است صلوات بفرستیم و یا به

حضرت رسول اکرم ﷺ سلام کنیم، خود نوعی توسل و طلب شفاعت از خاندان

عصمت علیهم السلام برای جبران آن سهو است؟ ۲۲۳



- سؤال صد و هفدهم: آیا در این مورد روایتی هست که بین دو امام جماعتی که در تمام شرایط یکسان هستند فقط یکی اهل شهر و یکی اهل روستاست، اولویت با آن که شهری است می‌باشد؟ و حکمت چنین دستوری در صورت صحت مطلب چیست؟ ۲۲۴
- سؤال صد و هجدهم: چرا بعد از هر قرائت سوره فاتحه و یک سوره باید یک رکوع و دو سجده انجام داد؟ ۲۲۵
- سؤال صد و نوزدهم: اگر نمازگزار سهواً موالات را رعایت نکند مثل آن که میان کلمات ذکر و تشهد و یا حمد و سوره فاصله بیاندازد آیا نماز باطل می‌شود؟ و اگر این اشتباه باشد، وظیفه او چیست؟ ۲۲۶
- سؤال صد و بیستم: در مورد نماز شب اگر کسی ناچار باشد که یا آن را پیش از وقت نماز شب و یا آن که قضای آن را بخواند کدامیک افضل است؟ ۲۲۷
- سؤال صد و بیست و یکم: اگر نمازگزاری حکم و اهمیت رعایت ترتیب نمازهای یومیه را نداند و گاهی به ترتیب عمل نکند مثلاً اول عصر و بعد ظهر را بخواند، بعد متوجه این اشتباه بشود آیا اعاده آن نمازها واجب است؟ و یا آن که از آن به بعد را باید درست بخواند و گذشته معفو است؟ ۲۲۸
- سؤال صد و بیست و دوم: آیا اوقات شرعی که معمولاً در تقویم‌ها درج می‌شود، مخصوصاً طلوع و غروب آفتاب و یا وقت اذان ظهر و غیره از نظر شرعی هم حجیت دارند یا خیر؟ مثلاً اگر طلوع آفتاب ساعت ۶:۲۵ است اگر کسی ساعت ۶:۲۶ نماز صبحش را بخواند بخواند، باید نیت اداء کند یا قضا؟ ۲۲۹

سؤال صد و بیست و سوم: لطفاً بفرمائید آیا سجده‌ای که ملائکه بر حضرت آدم علیه السلام کردند و یا سجده‌ای که در رؤیای حضرت یوسف علیه السلام دیده شد که برادرانش بر حضرت یوسف علیه السلام کردند و یا سجده‌ای که بعد از نماز استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام انجام می‌دهیم و «یامولاتی یا فاطمه اغیثینی» می‌گوییم و نیز سجده‌ای که به عنوان سجده سهو انجام می‌دهیم و «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» را در آن می‌گوئیم، از مصادیق سجده بر غیر خدا محسوب می‌شوند و این سجده‌ها چه معنایی دارند؟ ۲۳۰

سؤال صد و بیست و چهارم: در مورد اشیائی که سجده بر آنها صحیح است فرموده‌اند که معدنی نباشد، چه معیار و ملاکی برای تشخیص «وجه الارض» که می‌توان بر آن سجده کرد، از سنگهای معدنی وجود دارد؟ و آیا سنگهای ساختمانی که از معدن استخراج می‌شوند معدنی حساب می‌شوند؟ ۲۳۲

سؤال صد و بیست و پنجم: آیا در خواندن آیه‌های چهار سوره‌ای که سجده برای آنها واجب شده است نگاه کردن به آیه هم سجده را واجب می‌کند؟ ۲۳۳

سؤال صد و بیست و ششم: اگر روی لباس نماز گزار به مقدار کمتر از درهم خون حیوان حرام گوشت یا خون حیض و نفاس و استحاضه باشد آیا باز هم نمازش صحیح است یا خیر؟ ۲۳۴

سؤال صد و بیست و هفتم: اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، نمازش چه حکمی خواهد داشت؟ ۲۳۵



- سؤال صد و بیست و هشتم: اگر انسان مساوی یا جلوتر از قبر مطهر حضرت پیامبر اکرم ﷺ و قبور ائمه اطهار علیهم السلام نماز بخواند آیا نمازش صحیح است؟ ۲۳۶
- سؤال صد و بیست و نهم: آیا حکم پوشیدن لباس طلا بافت و زینت کردن به طلا مثل دستبند و گردنبند و ساعت مچی و انگشتر برای مرد در نماز و غیر نماز چیست؟ حکم این زینت‌های طلا برای زنان چیست؟ ۲۳۷
- سؤال صد و سی‌ام: آیا نماز خواندن روی فرش که قسمتی از آن نام خدا و ائمه اطهار علیهم السلام نوشته شده است در تمام فرش اشکال دارد یا تنها در همان قسمتی که اسماء مقدسه نوشته شده است؟ ۲۳۸
- سؤال صد و سی و یکم: اگر مسجدی به خاطر جهتی مثل آن که در وسط جاده یا خیابانی واقع شده است و به حکم ولی فقیه تخریب شود آیا باز هم احکام مسجد بر زمین آن صدق می‌کند، مانند حرمت نجس کردن و وجوب تطهیر و امثال آن؟ ۲۳۹
- سؤال صد و سی و دوم: در تنگی وقت که ما فقط برای اذان و یا اقامه وقت داریم، اولویت با کدام یک می‌باشد؟ ۲۴۰
- سؤال صد و سی و سوم: حقیقت اذان و حقیقت اقامه هر کدام چه هستند و انسان بعد از گفتن اذان و اقامه به چه چیزی باید متوجه شود و چه حالت‌هایی پیدا کند؟ ۲۴۱
- سؤال صد و سی و چهارم: معنای نیت در نماز چیست؟ آیا استفاده آن شرط در صحت نماز است؟ و آیا می‌توان آن را در نماز از مستحبی به واجب و از اداء به قضاء یا بر عکس برگرداند؟ در صورت جواز برگرداندن نیت آیا با دوام آن از اول

نماز تا آخر منافاتی ندارد؟ ۲۴۲

سؤال صد و سی و پنجم: اگر کسی به خاطر امراض روحی یا ضعف در اعتقادات حفظ قصد قربت دست خودش نباشد و هر چه سعی در اخلاص می‌کند نتواند،

حکم نمازش چیست؟ ۲۴۳

سؤال صد و سی و ششم: لطفاً بیان بفرمائید که در بین چند قیامی که در نماز واجب وجود دارد یعنی هنگام تکبیرة الاحرام و هنگام قرائت حمد و سوره و قبل از رکوع و بعد از رکوع آیا همه آنها رکن حساب می‌شوند یا بعضی از آنها؟ و ضمناً بفرمایید که

قیام در نماز به انسان چه درسی می‌آموزد؟ ۲۴۴

سؤال صد و سی و هفتم: الف: وقت نماز مغرب و عشاء هر کدام از چه وقت تا چه وقت است؟ ب: چه تفاوتی بین وقت مخصوص و وقت فضیلت که معمولاً در

رساله‌ها آمده است می‌باشد؟ ۲۴۵

سؤال صد و سی و هشتم: آیا ملاک تشخیص اوقات نمازهای یومیه تنها موقعیت خورشید نسبت به کره زمین است یا طبق ساعت هم می‌توان اوقات را تشخیص داد؟ مثل آن که گفته می‌شود مثلاً اگر مدت روز یازده ساعت باشد پس از گذشتن ۵

ساعت ونیم از طلوع آفتاب ظهر شرعی است. چون ظهر شرعی عبارت از گذشتن

نصف روز است؟ ۲۴۷

سؤال صد و سی و نهم: نماز جمعه با چه شرایطی واجب می‌شود و در زمان غیبت

حضرت ولی عصر ارواحنا فداه نماز جمعه چه حکمی دارد؟ ۲۴۸

سؤال صد و چهلم: کسی که نماز ظهرش را به جا آورده و می‌خواهد نماز عصرش را



- بخواند وقتی در رکعت دوم نماز عصر بود یادش آمد که نماز ظهرش را دو رکعتی خوانده در آن حالت چه باید کرد؟ ۲۵۰
- سؤال صد و چهل و یکم: فردی که از شهر خود به شهر دیگر هجرت می‌کند و قصد ندارد در شهر خود زندگی کند اگر موقتاً به شهر خود برود باید نمازش را شکسته بخواند؟ ۲۵۱
- سؤال صد و چهل و دوم: آیا حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام هم احکام مسجد را دارد؟ .. ۲۵۲
- سؤال صد و سوم: حکم سجده بر مهرهایی که در یک طرفش اسامی ائمه اطهار علیهم‌السلام نوشته شده چیست؟ ۲۵۳
- سؤال صد و چهل و چهارم: این چه حکمتی دارد که خدای تعالی در آیه شریفه «خَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» تاکید بیشتر را بر حفظ نماز وسطی می‌فرماید و منظور کدام نماز است؟ ۲۵۴
- سؤال صد و چهل و پنجم: در بعضی دستورات علماء و مراجع آمده است که نماز گزار قبل از نماز باید خود را از گناهانی که مانع قبولی نماز است هم چون حسد و تکبر و غیبت و خوردن مال حرام و آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات پاک کند اولاً نظر حضرت تعالی در این خصوص چیست؟ ثانیاً اگر نقدی بر این مطلب ندارید چگونه می‌توان این کار را که مدتها زمان نیاز دارد قبل از هر نمازی آنها را انجام داد؟ ۲۵۵
- فهرست ۲۵۶

